

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مروری بر اندیشه مقاومت

از منظر مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)



- بخش اول؛ مقاومت و اهمیت آن..... ۸.....
- صدور اندیشه مقاومت..... ۱۰.....
- ملت ایران الگوی مقاومتان عالم..... ۱۰.....
- برخی از اجزای منطق عقلانی مقاومت..... ۱۰.....
- مقاومت؛ واکنش طبیعی ملت‌های آزاده و باشرف..... ۱۰.....
- مقاومت؛ عامل عقب‌نشینی دشمن نه تسلیم شدن..... ۱۱.....
- کمتر بودن هزینه‌ی مقاومت از هزینه‌ی تسلیم شدن..... ۱۱.....
- و عده الهی؛ پیروزی مقاومتان..... ۱۱.....
- مقاومت تنها راه پیروزی..... ۱۱.....
- ممکن بودن مقاومت..... ۱۱.....
- مقاومت امری سخت و دشوار..... ۱۲.....
- تاکتیک ریبی برای محکم شدن ایمان مقاومتان..... ۱۲.....
- هدف از مقاومت چیست؟..... ۱۳.....
- حفظ منافع ملی و انقلاب..... ۱۳.....
- شروط موفقیت در مقاومت..... ۱۳.....
- وجود ظرفیت لازم برای مقاومت..... ۱۳.....
- برخی دلایل دشمنی با انقلاب اسلامی..... ۱۴.....
- اجتناب‌ناپذیری تقابل حق و باطل..... ۱۴.....
- انقلاب اسلامی؛ برهم زنده‌دوگانه سلطه‌گر و سلطه‌پذیر..... ۱۵.....
- ایجاد بیداری و پایداری دلیل دشمنی استکبار با حاکمیت اسلامی..... ۱۵.....
- انقلاب اسلامی مانعی برای اهداف استکبار..... ۱۵.....
- امیدواری مردم دنیا از مقاومت ملت ایران..... ۱۶.....
- مقاومت، دلیل حساسیت مستکبران به غرب آسیا..... ۱۶.....
- قابل توجه مدافعان سازش..... ۱۶.....
- دلیل رفتار دیوانه‌وار زمامداران آمریکا..... ۱۷.....
- تبلیغ ناچار بودن تسلیم شدن در برابر غرب..... ۱۷.....
- کذب بودن شایعه مضر بودن قطع رابطه با آمریکا..... ۱۷.....

- دشمن تا کجا پیش می‌رود..... ۱۸.....
- کوتاه آمدن در برابر مستکبر؛ عامل جری شدن او..... ۱۹.....
- ضرورت ایستادگی در برابر دشمنان، با شجاعت و با اقتدار..... ۱۹.....
- شکست ناپذیری قدرت ملی..... ۱۹.....
- ناکارآمدی تجهیزات دشمن در برابر مقاومتان شهادت‌طلب..... ۲۰.....
- اهمیت حضور فیزیکی اجتماعی..... ۲۰.....
- کنار آمدن با دشمن یعنی به اسارت دادن یک ملت..... ۲۱.....
- رسیدن به منافع، تنها هدف آمریکا از ارتباط و فعالیت‌هایش..... ۲۱.....
- غیر قابل اعتماد بودن دشمن..... ۲۲.....
- راه دشوار رسیدن به پیشرفت..... ۲۲.....
- بخش دوم؛ عوامل مقاومت‌بخش..... ۲۳.....
- عنصر ایمان..... ۲۳.....
- حفظ ساخت حقیقی نظام اسلامی؛ شرط بقای مقاومت..... ۲۳.....
- مستحکم کردن کشور..... ۲۴.....
- اعتقاد یافتن مردم و مسئولان به هویت ملی..... ۲۴.....
- حضور در صحنه‌ها..... ۲۵.....
- امید..... ۲۵.....
- عمل به دین..... ۲۶.....
- ایثار و فداکاری..... ۲۶.....
- شنیدن بشارت شهدا..... ۲۶.....
- رهبر مقاوم..... ۲۷.....
- اتحاد..... ۲۷.....
- تبیین صادقانه ی شرایط برای مردم..... ۲۸.....
- یاد شهدا، از عوامل تقویت روحیه ی مقاومت..... ۲۸.....
- شجاعت..... ۲۸.....
- بصیرت..... ۲۹.....
- آگاهی بخشیدن به ملت‌ها..... ۲۹.....
- بخش سوم؛ عوامل از بین برنده مقاومت..... ۲۹.....

- ۲۹.....آلوده شدن به گنان.....
- ۳۰.....اختلاف.....
- ۳۰.....ترسیدن از خطرات مقاومت.....
- ۳۱.....وجود مسئولان بزدل.....
- ۳۱.....انزهام روحی در مقابل دشمن.....
- ۳۱.....خودفراموشی و فراموشی دشمن.....
- ۳۲.....نشان دادن نشانه‌های تسلیم به دشمن.....
- ۳۲.....بزرگ دشمنان.....
- ۳۳.....بخش چهارم؛ اقدامات دشمن برای شکستن مقاومت.....
- ۳۳.....جنگ سخت.....
- ۳۳.....جنگ نرم.....
- ۳۳.....نفوذ.....
- ۳۵.....تبلیغات رسانه‌ای.....
- ۳۶.....تهاجم فرهنگی برای خارج کردن مردم و بویژه جوانان از جبهه ی مقاومت.....
- ۳۷.....سوءاستفاده از مذاکره.....
- ۳۷.....حمله به اصول.....
- ۳۸.....ترویج ابتذال.....
- ۳۸.....ایجاد اختلاف و تفرقه.....
- ۳۹.....بخش پنجم؛ عرصه‌های مقاومت.....
- ۳۹.....جنگ تحمیلی.....
- ۴۱.....قیام رئیس علی دلواری.....
- ۴۲.....قیام لارستان.....
- ۴۳.....قیام میرزااکوچک‌خان جنگلی.....
- ۴۳.....مقاومت در فلسطین.....
- ۴۵.....مقاومت در لبنان.....
- ۴۶.....مقاومت در یمن.....
- ۴۶.....کشف حجاب.....
- ۴۸.....الجزایر در مقابل استعمار فرانسه.....

- ۴۸..... استقلال هند از انگلستان.....
- ۴۹..... بخش ششم؛ عرصه‌های سازش.....
- ۴۹..... شاه سلطان حسین.....
- ۵۰..... رژیم پهلوی (رضاخان و محمدرضا شاه).....
- ۵۳..... مصدق.....
- ۵۴..... مذاکرات هسته‌ای.....
- ۵۷..... سازش مونیخ.....
- ۵۸..... سقوط فرانسه در جنگ جهانی دوم.....
- ۵۸..... شکست انقلاب مصر.....
- ۶۰..... معمر قذافی و لیبی.....
- ۶۲..... هند و تجربه استعمار.....
- ۶۴..... بخش هفتم؛ مسئولیت جوانان و بانوان.....
- ۶۴..... تقویت نظری و عملی مقاومت.....
- ۶۵..... نقش حضور اسلامی و انقلابی جوانان در ناامید کردن دشمن.....
- ۶۵..... جوان مؤمن انقلابی؛ عامل ایستادگی در برابر حمله نظامی و فرهنگی.....
- ۶۵..... وظیفه جوانان در مبارزه با آمریکا.....
- ۶۶..... وظیفه جوانان مؤمن برای ترویج استقامت.....
- ۶۶..... تقویت ایمان و علم برای مقابله با دشمن.....
- ۶۶..... مقاومت شجاعانه و خستگی ناپذیر.....
- ۶۷..... وظیفه ی بسیج در مقابله با نفوذ دشمن.....
- ۶۷..... اهمیت تبیین درست و هوشمندانه به عنوان کار اساسی.....
- ۶۷..... وظیفه جوانان و نوجوانان نسبت به نفوذ.....
- ۶۸..... وظیفه جوانان در کسب ویژگی های لازم برای مبارزه.....
- ۶۸..... جوانان؛ نوک پیکان مجاهدت.....
- ۶۸..... حیا و اخلاق جوانان؛ مایه اقتدار.....
- ۶۸..... افسران جنگ نرم.....
- ۶۹..... بالا بردن معرفت‌های اسلامی.....
- ۶۹..... توجه به اوضاع کشور همراه با انتقاد منصفانه.....

- ۶۹.....ارتباط با تشکّل های دانشجویی جهان اسلام
- ۶۹.....زنده نگه داشتن امید در خود و دیگران
- ۷۰.....مسئولیت بانوان
- ۷۰.....بخش هشتم؛ آینده روشن
- ۷۱.....موقعیت جغرافیایی خوب
- ۷۱.....تاریخ و ریشه های تمدنی
- ۷۱.....ثروت های انسانی و طبیعی چشمگیر
- ۷۲.....ضربه های سنگین استبداد داخلی و استعمار بر کشور
- ۷۲.....بیداری ملی در مشروطه، نهضت ملی نفت و انقلاب اسلامی
- ۷۳.....تجربه پیشرفت در عرصه های گوناگون
- ۷۳.....آینده ی پرامید
- ۷۴.....مواجهه ی کشور با جبهه ی معاند دشمن
- ۷۴.....پیروزی از آن ملت ایران
- ۷۴.....رویش های انقلاب چندبرابر ریزش های آن

بخش اول؛ مقاومت و اهمیت آن

ملت مسلمان ایران اسلامی در سال ۵۷ توانستند در مقابل رژیم دیکتاتور و مزدور پهلوی، اراده خود را به کرسی بنشانند و با بهره‌مندی از رهبری حکیمانه و شجاعانه حضرت امام خمینی (ره) در مقابل رژیم که سر تا پا در حمایت استکبار جهانی بود، رنگ پیروزی را بر پیکره خسته این مرز و بوم جاری کند. جمهوری اسلامی با ابداع گفتمانی جدید که تحت شعار «نه شرقی و نه غربی» تعریف می‌شد در لابه‌لای گفتمان‌های پوسیده و ناکارآمد دنیای معاصر همچون نهالی زیبا رشد و بالنده شد. جمهوری اسلامی که ریشه در اسلام و انتخاب آزادانه مردم داشت آغاز اولین جریان‌های سیاسی ناب در جهان بود که در ذیل عنوان مردم سالاری دینی مطرح گردید. علاوه بر این گفتنمان ریشه این حرکت مردمی در مقاومت و ایستادگی بود که طی سال‌های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی به دست مبارک حضرت روح‌الله (ره) طرح‌ریزی شد و در ادامه با تبیین مفهوم مقاومت در حرکت مردمی ایران اسلامی توسط رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، آیت‌الله خامنه‌ای پای خود را در نقاط مختلف جهان نیز باز کرد.

مفهوم مقاومت در این سال‌ها نه تنها از قالب یک مفهوم صرف خارج شد بلکه در واقعیت عینی و خارجی نیز نشان داد که با تکیه بر آن می‌توان در مقابل مستبدانه‌ترین رفتارهای وحشیانه عالم ایستاد. با تکیه بر همین مفهوم بود که سال‌ها مردم مظلوم و ستم‌دیده ایران عزیز در مقابل شرق و غرب در طی جنگ تحمیلی تاب آورد و با گردنی فراز و سینه‌ای ستبر در مقابل زورگویان ایستادگی کرد. این مقاومت که در طول حیات جمهوری اسلامی تبدیل به یک جریان و یک تفکر شد از دیدگاه مقام معظم رهبری اصلی است که باید به گوش همه جوانان و آزادی‌خواهان جهان برسد. ایشان در ضمن بیانی می‌فرمایند: «نظریه مقاومت در مقابل دشمن قوی پنجه را تبلیغ کنید، ترویج کنید. بعضی تصور نکنند که چون دشمن بمب دارد، موشک دارد، دستگاه‌های تبلیغاتی دارد و از این قبیل، ما عقب نشینی [کنیم]؛ نخیر، نظریه مقاومت، یک نظریه اصیل و درست است؛ هم در مقام نظر، هم در مقام عمل؛ از لحاظ نظری و از لحاظ عملی - از هر دو جهت- باید [ترویج شود]. معنای نظری این است که تبیین کنید. شما جوان‌ها خیلی خوب می‌توانید این نظریه مقاومت را تبیین کنید؛ هم در بین خودتان و هم محیطی که در آنجا قرار دارید و هم حتی در ارتباط با کشورهای دیگر و جوان‌های دیگر.» (در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان ۱۳۹۷/۸/۱۲)

مقاومت در نگاه امامین انقلاب اسلامی یک مکتب و یک تفکر است. مقاومت امری است که شامل تمام عرصه‌ها و مشکلات فردی و اجتماعی می‌شود. آیت‌الله خامنه‌ای در تعرف مقاومت به عنوان بیان یکی از ویژگی‌های حضرت امام خمینی (ره) می‌فرماید: «مقاومت، ایستادگی. آن چیزی که امام را در هیئت یک مکتب، یک اندیشه، یک تفکر، یک راه، مطرح کرد برای زمان خود و در تاریخ، بیشتر این خصوصیت بود؛ خصوصیت ایستادگی، مقاومت، عدم تسلیم در مقابل مشکلات و موانع. در برابر طاغوت‌ها امام مقاومت خودش را به رخ همه دنیا کشید؛ چه طاغوت داخل در دوران مبارزات که خیلی‌ها خسته شدند، خیلی‌ها مشرف به ناامیدی شدند؛ اما امام محکم ایستاد، امام بدون ذره‌ای

مروری بر اندیشه مقاومت از منظر مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

عقب‌نشینی در راه مبارزه ایستاد؛ که این مال دوران قبل از پیروزی انقلاب بود. و بعد از پیروزی انقلاب هم فشارها از نوع دیگر و به صورت همه جانبه‌تر در مقابل امام ظاهر شد؛ [امّا] امام باز هم اصل مقاومت را، ایستادگی را از دست نهاد، مقاومت کرد.» (بیانات در مراسم سی‌امین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۳۹۸/۳/۱۴)

مقاومت در اندیشه مقام معظم رهبری به این معناست «که انسان یک راهی را انتخاب کند که آن را راه حق میدانند، راه درست میدانند، و در این راه شروع به حرکت کند و موانع نتواند او را از حرکت در این راه منصرف کند و او را متوقف کند؛ این معنای مقاومت است. فرض کنید یکوقت در یک جاده‌ای انسان به یک مسیلی برخورد می‌کند، به یک حفره‌ای برخورد می‌کند، یا در حرکت در کوهستان که می‌خواهد مثلاً به‌قله کوه برسد، به یک صخره‌ای برخورد می‌کند؛ بعضی‌ها وقتی که برخورد می‌کنند به این صخره یا به این مانع یا به این دزد یا به این گرگ، برمی‌گردند، از ادامه راه منصرف می‌شوند؛ بعضی نه، نگاه می‌کنند ببینند راه دور زدن این صخره چیست، راه مقابله با این مانع کدام است، آن راه را پیدا می‌کنند یا مانع را برمی‌دارند یا با یک شیوه عاقلانه از مانع عبور می‌کنند؛ مقاومت یعنی این؛» (بیانات در مراسم سی‌امین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۳۹۸/۳/۱۴)

اندیشه مقاومت نه تنها برخاسته از متن خرد و اندیشه است بلکه شریعت و دین نیز بر آن تاکید دارد. قرآن کریم در آیات متعددی تاکید می‌کند که با ظلم و ظالم باید مقابله کرد و با ظالم همکاری و همراهی نکرد و با او کنار نیامد. این معنای از مقاومت است که همواره مورد دشمنی استکبار جهانی و گردن‌کلفت‌های دنیاست. امام خمینی (ره) با بیان اندیشه مقاومت باعث شد ملت‌ها آزاده جهان نیز تحت تاثیر آن قرار گیرند و این اتفاق برای کشورهای استعمار و چپاول دیگر ملت‌ها مشغول بودند خوش نیامد. بنابراین اندیشه مقاومت که ریشه در متن دین مقدس اسلام دارد امری است که خرد و تفکر سالم آن را تایید می‌کند. رهبر معظم انقلاب اسلامی در ریشه‌های دشمنی ورزی به ایران اسلامی به همین امر اشاره می‌کند و می‌فرماید: «[اینکه] یک حکومتی در قلب آسیا، در این نقطه حسّاس، در ایران به وجود بیاید که شعارش این باشد که با ظلم کنار نمی‌آید، ظلم را قبول نمی‌کند، با ظالم آشتی نمی‌کند، از مظلوم حمایت می‌کند، معلوم است که برای اینها سخت و غیر قابل تحمل بود؛ لذا از روز اوّل، دشمنی‌ها شروع شد. دشمنی را کسانی شروع کردند که اهل ظلم بودند، اهل تجاوز بودند، اهل باج‌گیری بودند؛ اینها با طبیعت پیام امام بزرگوار یعنی نظام جمهوری اسلامی، طبعاً نمی‌توانستند سازگار باشند، [لذا] دشمنی‌ها از روز اوّل شروع شد؛ در دهه اوّل انقلاب، در زمان حیات مبارک امام بزرگوار یک جور، بعد از رحلت امام هم، در این دو سه دهه اخیر، یک جور دیگر.» (بیانات در مراسم سی‌امین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۳۹۸/۳/۱۴)

مروری بر اندیشه مقاومت از منظر مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)

صدور اندیشه مقاومت

گاهی گمان بر این است که جمهوری اسلامی به دنبال صدور تفکر خود است. در صورتی که ایده اگر مورد پسند و قبول واقع شود به وسیله مردم قبول می‌شود. انقلاب اسلامی و اندیشه مقاومت هم چنین چیزی است. زمانی که مردم منطقه با ایده مقاومت آشنا شوند، خودشان آن را قبول می‌کنند. بسیاری از گروه‌ها و کشورهای منطقه براساس همین گزینه مقاومت را انتخاب کرده‌اند. «امروز در منطقه ما، منطقه غرب آسیا، کلمه مشترک ملت‌ها مقاومت است؛ مقاومت را همه قبول دارند. البته بعضی جرئت می‌کنند وارد میدان مقاومت بشوند، بعضی جرئت نمی‌کنند؛ اما آن کسانی هم که جرئت می‌کنند کم نیستند. همین شکست‌هایی که در این چند سال، آمریکایی‌ها در عراق و در سوریه و در لبنان و در فلسطین و مانند این‌ها داشتند، محصول مقاومت گروه‌های مقاومت است.» (بیانات در مراسم سی‌امین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۳۹۸/۳/۱۴)

ملت ایران الگوی مقاومان عالم

«البته این را ما انکار نمی‌کنیم که چون ما ملت ایران، مقاومت را دودستی چسبیدیم و پیش رفتیم و موفق شدیم، دیگران هم به مقاومت تشویق شدند. این را صاحب نظران غیر ایرانی، صاحب نظران سیاسی بین‌المللی هم گفته‌اند و تصریح کرده‌اند. یک چهره معروف بین‌المللی تحلیلگر - که آمریکایی هم هست، همه هم اسم او را شنیده‌اید - می‌گوید که یکی از مهم‌ترین علل دشمنی آمریکا با جمهوری اسلامی همین است که جمهوری اسلامی مسیر مقاومت را در پیش گرفت و موفق شد، توفیق پیدا کرد، توانست بر موانع فائق بیاید؛ این یکی از علل دشمنی است. آنها می‌خواهند ما شکست بخوریم، آنها می‌خواهند ما منصرف بشویم، آنها می‌خواهند ما به عنوان تسلیم، دست‌های خودمان را بالا کنیم؛ چون نمی‌کنیم، دشمنی می‌کنند.» (بیانات در مراسم سی‌امین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۳۹۸/۳/۱۴)

برخی از اجزای منطق عقلانی مقاومت

آنچه که مسلم است این که حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری مقاومت را از روی هیجان‌زدگی و احساسات بدون پشتوانه انتخاب نکرده‌اند؛ بلکه مقاومت دارای منطقی است که برخی از آنها به شرح زیر است.

مقاومت؛ واکنش طبیعی ملت‌های آزاده و باشرف

«یک جزء این منطق این است که مقاومت، واکنش طبیعی هر ملت آزاده و باشرف در مقابل تحمیل و زورگویی است؛ دلیل دیگری لازم ندارد. هر ملتی که برای شرف خود، برای هویت خود، برای انسانیت خود ارزش قائل است، وقتی ببیند یک چیزی را می‌خواهند به او تحمیل بکنند، مقاومت می‌کند، امتناع می‌کند، ایستادگی می‌کند؛ خود این، یک دلیل مستقل و قانع‌کننده است.» (بیانات در مراسم سی‌امین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۳۹۸/۳/۱۴)

مروری بر اندیشه مقاومت از منظر مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

مقاومت؛ عامل عقب‌نشینی دشمن نه تسلیم شدن

«مقاومت موجب عقب‌نشینی دشمن می‌شود، بر خلاف تسلیم. وقتی که دشمن به شما زور می‌گوید، اگر شما یک قدم به عقب برداشتید، او جلو می‌آید؛ بدون تردید. راه اینکه او جلو نیاید، این است که شما بایستید. ایستادگی و مقاومت کردن در مقابل زیاده خواهی دشمن و زورگیری دشمن و باج خواهی دشمن، راه جلوگیری از پیش آمدن او است؛ پس صرفه با مقاومت است.» (بیانات در مراسم سی‌امین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۳۹۸/۳/۱۴)

کمتر بودن هزینه مقاومت از هزینه تسلیم شدن

بخش دیگر از منطق مقاومت این است که «مقاومت البته هزینه دارد، بدون هزینه نیست، اما هزینه تسلیم در مقابل دشمن بیشتر است از هزینه مقاومت. وقتی شما در مقابل دشمن تسلیم می‌شوید، باید هزینه بدهید... هزینه سازش، هزینه تسلیم، هزینه عدم مقاومت، از هزینه مقاومت به مراتب بیشتر است؛ هزینه مادی هم دارد، هزینه معنوی هم دارد.» (بیانات در مراسم سی‌امین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۳۹۸/۳/۱۴)

وعده الهی؛ پیروزی مقاومت

بخش دیگر از اجزای مقاومت، بخش قرآنی آن و وعده‌ای الهی است که خداوند در قرآن به آن اشاره کرده است؛ «خداوند متعال در آیات مکرر قرآن این وعده را داده است که اهل حق، طرف‌داران حق، پیروز نهایی‌اند؛ آیات فراوان قرآن بر این معنا دلالت می‌کند. ممکن است قربانی بدهند اما در نهایت شکست نمی‌خورند؛ آنها پیروز هستند در این صحنه؛ قربانی دارند اما ناکامی ندارند. از مثال‌های آیات کریمه قرآن، من دو سه آیه را اینجا ذکر می‌کنم؛ جوان‌های عزیزی که اهل قرآنند، به این‌ها مراجعه کنند، روی آنها فکر کنند. ام یریدون کیداً فالذین کفروا هم المکیدون؛ خیال می‌کنند دارند زمینه‌سازی می‌کنند، توطئه برای جبهه حق و مقاومت درست می‌کنند، [اما] نمی‌دانند که توطئه علیه خود آنها دارد چیده می‌شود طبق طبیعت و سنت الهی. آیه‌ی دیگر: «و تُریدُ انْ تُمنَّ عَلَی الذِّینِ اسْتَضَعِفُوا فِی الْاَرْضِ» تا آخر آیه.» (بیانات در مراسم سی‌امین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۳۹۸/۳/۱۴)

مقاومت تنها راه پیروزی

«راه مقاومت و ایستادگی، تنها راه پیروزی است؛ راه دیگری وجود ندارد؛ ولو مقاومت کننده یک گروه کوچک باشد؛ ولو آن قدرتی که درمقابل آن مقاومت می‌شود، ارتش درجه ی یک دنیا باشد و از طرف آمریکا هم حمایت بشود. هرچه باشد، این یک راز و سنت الهیاست. (خطبه‌های نماز جمعه ی تهران ۱۳۸۵/۷/۲۱)

ممکن بودن مقاومت

مقاومت یک امر ممکن است؛ درست نقطه مقابل فکر غلط کسانی که می‌گویند و تبلیغ می‌کنند که «آقا! فایده‌ای ندارد؛ چطور می‌خواهید مقاومت کنید؟ طرف، گردن‌کلفت است، طرف قوی است.» خطای بزرگ، اینجا است؛ خطای

مروری بر اندیشه مقاومت از منظر مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

بزرگ، این است که کسی تصور کند که در مقابل گردن کلفت‌های عالم نمی‌شود مقاومت کرد، نمی‌شود ایستاد... من عرض می‌کنم که این نگرش که بگویند «ما نمی‌توانیم»، ناشی از همان خطای محاسباتی‌ای است که قبلاً اشاره کرده‌ام؛ این اشتباه در محاسبه است.» (بیانات در مراسم سی‌امین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۳۹۸/۳/۱۴)

مقاومت امری سخت و دشوار

«یک روایتی از پیغمبر هست که فرمود: «شبیبتی سوره هود»؛ یعنی سوره‌ی «هود» من را پیر کرد؛ از بس بار این سوره سنگین بود. کجای سوره‌ی هود؟ نقل شده است که مراد، همین آیه‌ی «فاستقم كما امرت» است. چرا پیغمبر را پیر کند؟ چون در این آیه می‌فرماید: همچنانی که به تو دستور دادیم، در این راه ایستادگی کن، استقامت کن و صبر نشان بده. خود این ایستادگی کار دشواری است. این «صراط» است؛ پل صراطی که مظهر آن را در روز قیامت برای ما تصویر کرده‌اند. باطن عمل و راه ما در اینجا، همان پل صراط است؛ ما الان داریم روی پل صراط حرکت می‌کنیم؛ باید دقت کنیم. اگر انسان بخواهد این دقت را در همه‌ی رفتار خود به کار بگیرد، او را پیر می‌کند. لیکن از این مهم‌تر به گمان من، آن جمله‌ی بعد است: «و من تاب معک». پیغمبر فقط مأمور نیست که خودش ایستادگی کند؛ باید خیل عظیم مؤمنان را هم در همین راه به ایستادگی وادار کند. انسان‌هایی که از یک طرف در معرض هجوم بلاها و مشکلات زندگی هستند - دشمنان، توطئه‌گران، بدخواهان و قدرت‌های مسلط - و از طرف دیگر، مورد تهاجم هواهای نفسانی خودشان هستند - خواهش‌های نفسانی و دل‌بی‌طاقت انسان که از زر و زیور دنیا مجذوب می‌شود و به سمت آن‌ها کشیده می‌شود - از این صراط مستقیم، به چپ یا راست انحراف پیدا می‌کنند. محبت طلا و نقره، محبت پول، محبت شهوات جنسی، محبت مقام و این‌ها، چیزهایی است که هر کدام، یک کمندی بر گردن دل انسان می‌اندازد و آن را به سمت خودش می‌کشاند. مقاومت و ایستادگی در مقابل این‌ها که انسان پایش نلغزد.» (در دیدار عمومی بسیجیان ۱۳۸۵/۱/۶)

تاکتیک ربوبی برای محکم شدن ایمان مقاومتان

«بیداری اسلامی که سخنگویان جبهه‌ی استکبار و ارتجاع حتی از به زبان آوردن نام آن نیز پرهیز می‌کنند و می‌ترسند، حقیقتی است که اکنون تقریباً در سراسر دنیای اسلام میتوان نشانه‌های آن را دید. بارزترین نشانه‌ی آن، اشتیاق افکار عمومی و بویژه در قشرهای جوان، به احیاء مجد و عظمت اسلام و آگاه شدن آنان از ماهیت نظام سلطه‌ی بین‌المللی و آشکار شدن چهره‌ی وقیح و ستمگر و مستکبر دولتها و کانونهائی است که بیش از دویست سال شرق اسلامی و غیراسلامی را در زیر پنجه‌های خونین خود فشرده و با نقاب تمدن و فرهنگ، هستی ملتها را دستخوش قدرت‌طلبی بیرحمانه و تجاوزگرانه‌ی خود کرده‌اند. ابعاد این بیداری مبارک بسی گسترده و دارای امتدادی رمزگونه است؛ ولی آنچه از دستاوردهای نقد آن در چند کشور شمال آفریقا دیده شد، می‌تواند دلها را به نتایج بزرگ و شگرف آینده به اطمینان برساند. همواره تحقق معجزگون وعده‌های الهی، نشانه‌ی امیدبخشی است که تحقق وعده‌های بزرگتر را نوید می‌دهد.» (بیانات در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی ۱۳۹۲/۲/۹)

مروری بر اندیشه مقاومت از منظر مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

هدف از مقاومت چیست؟

اما سوالی که به ذهن می‌رسد این است که ملت‌ها با مقاومت در نهایت به چه هدفی می‌رسند؟ «هدف مقاومت عبارت است از رسیدن به نقطه بازدارندگی. هم در اقتصاد، هم در مسائل سیاسی کشور، هم در مسائل اجتماعی، هم در مسائل نظامی باید به نقطه‌ای برسیم که این نقطه بازدارنده باشد، یعنی بتواند جوری خود را نشان بدهد که دشمن را از تعرض به ملت ایران در همه زمینه‌ها منصرف کند.» (بیانات در مراسم سی‌امین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۳۹۸/۳/۱۴)

حفظ منافع ملی و انقلاب

«چرا در مقابل سلطه‌گران ایستادگی و مقاومت می‌کنیم؟ چرا تسلیم آنها نمی‌شویم؟ البته جواب این سؤال ساده است. جواب این است که اگر استکبار و دستگاه سلطه توانست بر کشوری تسلط یابد و در آن نفوذ پیدا کند، منافع آن ملت، دیگر نادیده گرفته خواهد شد. منافع مادی، منافع اقتصادی، خواسته‌های معنوی و رشد و اعتلاء فرهنگی از بین خواهد رفت و مثل وضعیّت دوران قبل از انقلاب خواهد شد که یک حکومت دست نشانده در اینجا حاکم بود. بنابراین ملت ایران ناگزیر است برای آینده و برای سعادت خود، در مقابل دشمن سلطه‌گر، مقاومت و ایستادگی کند و راهی را که به سوی کمال و سعادت او است، با قدرت بییماید.» (در اجتماع بزرگ مردم اراک ۱۳۷۹/۸/۲۴)

شروط موفقیت در مقاومت

رهبر معظم انقلاب اسلامی در تبیین مقاومت در بخشی از سخنان خود به شروط موفقیت در مقاومت اشاره می‌کند که دانستن آن برای ملت‌هایی که بر این اصل آزادگی تکیه می‌کنند لازم است. ایشان در اینباره می‌فرمایند: «مواجهه ی ما با مسائلمان و با دشمنانمان باید اولاً شجاعانه باشد، مرعوبانه نباشد؛ ثانیاً امیدوارانه باشد، مأیوسانه نباشد؛ ثالثاً عاقلانه و خردمندانه باشد، هیجانی و احساساتی سطحی نباشد؛ [رابعاً] مبتکرانه باشد، از روی انفعال نباشد؛ ابتکار کنیم.» (بیانات در مراسم سی‌امین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۳۹۸/۳/۱۴)

وجود ظرفیت لازم برای مقاومت

آیا ملت ایران این قدرت را دارد یا نه؟ آیا ملت ایران می‌تواند بی‌اعتنا به فشارهای مراکز سلطه‌ی جهانی، با تکیه بر هویت و بر توانایی‌های خود ایستادگی کند و راه کمال و تعالی مادی و معنوی خود را بییماید؟ این سؤال مهمی است. جواب این سؤال از نظر ما بسیار مسلم و قطعی است و در آن تردید نداریم؛ جواب این است که بله، می‌تواند. علی‌رغم تبلیغاتی که دشمن به وسیله ده‌ها رسانه مکتوب و مسموع و تصویری در سرتاسر دنیا می‌کند و می‌خواهد اصرار بورزد بر اینکه ملت ایران و هیچ ملتی نمیتوانند در مقابل ما بایستند، ملت ایرانی می‌تواند؛ به چه دلیل؟ به دو دلیل: اول اینکه توانایی‌های ذاتی و استعدادهای درونی این ملت بسیار زیاد است که من به بعضی از آنها مختصراً اشاره خواهم کرد؛ دلیل دوم این است که دشمن با همه‌ی تظاهر به قدرت

مروری بر اندیشه مقاومت از منظر مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)

نمایی، ضعیف است؛ دلیل این را هم خواهیم گفت و به نمونه های ضعف دشمن اشاره خواهیم کرد.» (بیانات در اجتماع بزرگ مردم اراک ۱۳۷۹/۸/۲۴)

برخی دلایل دشمنی با انقلاب اسلامی

در طول سال‌هایی که انقلاب اسلامی به پیروزی رسیده است، همواره مورد حمله و آماج دولت‌های مستکبر دنیا و به ویژه آمریکا بوده است. اما برخی از دلایل مهمی که باعث این دشمنی شده است از نگاه مقام معظم رهبری در ادامه آمده است.

اجتناب‌ناپذیری تقابل حق و باطل

جمهوری اسلامی به دلیل ذات حق طلب و ظلم‌ستیزی که دارد همواره در تضاد و تعارض با نظام سلطه قرار دارد. این تقابل تا حدی است که عرصه‌های مختلف را شامل می‌شود. «جمهوری اسلامی در حال یک مبارزه سخت و یک مبارزه همه جانبه است؛ نه فقط در زمینه سیاسی، [بلکه] در زمینه فرهنگی، در زمینه اقتصادی، در زمینه اجتماعی، در زمینه امنیتی، ما در حال مبارزه‌ایم. البته] جنگ نظامی و مبارزه نظامی هم در برهه‌ای از زمان بوده که متوقف شده و [الان] نیست؛ اما سخت‌تر از آن، جنگ‌های امنیتی است، جنگ‌های اقتصادی است، جنگ‌های فرهنگی است.» (در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۶/۱۲/۲۴)

اگرچه کسی اصل این تقابل را منکر نیست ولی این سوال برای بسیاری ممکن است مطرح شود که چرا جمهوری اسلامی با دنیا در حال جنگ است؟ و چرا ایران این جنگ را شروع کرده است؟ در پاسخ به این سوال باید گفت «جمهوری اسلامی جنگی را با این ابعاد با دنیا شروع نکرده، بلکه نفس وجود جمهوری اسلامی یعنی آرمان‌ها و اهداف و شعارهایی که در جمهوری اسلامی مطرح است - که خلاصه می‌شود در حکومت دین، خلاصه می‌شود در جامعه دینی دشمن درست کن است، دشمن تراش است، جنگ راه بینداز است. این همان جنگ معروف حق و باطل است که در طول تاریخ بوده.» (در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۶/۱۲/۲۴)

بنابراین زمانی که شعار و اصل اساسی نظام اسلامی می‌شود دفاع از مظلوم و دشمنی با ظالم، این نگاه دشمن به وجود می‌آورد. زمانی که ذات جمهوری اسلامی حق‌جویی و حق‌طلبی و مبارزه با ظالم و ظلم شد دعوا سر اصل این نظام می‌شود. لذا بسیاری از مسائل و مشکلات با آمریکا و استکبار قابل حل نخواهد بود زیرا مشکل خود جمهوری اسلامی است. علاوه بر این اگر به تاریخ و تجربه نهضت ملی و دکتر مصدق دقت شود مشخص است که آمریکا علاوه بر تقابل با حکومت دینی با حکومت مستقل هم در تعارض است. «آمریکا این جور است. یعنی با یک نظامی و با یک حکومتی هم که مطلقاً حکومت دینی هم نیست، حکومت انقلابی هم نیست - نهضت ملی که یک حکومت انقلابی نبود؛ فقط دنبال استقلال کشور از زیر یوغ انگلیس‌ها بود و خیال می‌کرد آمریکایی‌ها کمکش می‌کنند - نتوانستند بسازند؛ با استقلال کشور مخالفند.» (در دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۶/۳/۲۲)

مروری بر اندیشه مقاومت از منظر مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)

انقلاب اسلامی؛ برهم زنده دوگانه سلطه‌گر و سلطه‌پذیر

«انقلاب اسلامی خود یک نوآوری بزرگ تاریخی بود که ملت ایران آن را در تاریخ خودش و تاریخ بشریت به ثبت رساند. انقلاب نوآوری بود؛ جمهوری اسلامی نوآوری بود. از بعد از دوران شروع استعمار، دنیا به دو بخش تقسیم شد: یک بخش سلطه‌گر، یک بخش سلطه‌پذیر؛ دولتها و قدرتهایی با تکیه به دانش، با تکیه به سلاح، با تکیه به فریب‌گری، توانستند کشورهای دیگری را زیر سلطه بگیرند؛ آنها شدند سلطه‌گر، این ملتها و این کشورها- خواه ناخواه- شدند سلطه‌پذیر. دنیا عادت کرد به تقسیم میان سلطه‌گر و سلطه‌پذیر؛ ه طور سنتی، جمعی از ملتها باید زیر فرمان و یوغ استثمار و استکبار دولتها و ملتهای دیگری قرار می‌گرفتند. انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی آمد و این خطکشی باطل و این نظام غلط را در هم شکست. جمهوری اسلامی اعلام کرد با سلطه‌گری مخالف است و خود هم اگر بتواند و قدرت داشته باشد، هرگز سلطه‌گری نخواهد کرد؛ نه ملت دیگری را و نه مسئولان کشور، ملت خود را زیر سلطه‌ی ناخواسته‌ی خود نخواهند کشید. با سلطه‌گری مخالف است؛ اما با سلطه‌پذیری بیشتر مخالف است.»

(بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی - ۱۳۸۷/۱/۱)

ایجاد بیداری و پایداری دلیل دشمنی استکبار با حاکمیت اسلامی

«اسلام به جوانان پایداری و استقامت می‌دهد. این را در جنگ هشت ساله و در خود انقلاب امتحان کردند؛ دیدند که عشق به اسلام چطور جوانان را بااستقامت در صحنه نگه می‌دارد؛ مردم را در مقابل سد پولا دین به ظاهر خلل ناپذیر دشمن، وادار به استقامت می‌کند و آن سد رافرو می‌ریزد. این را دیدند، لذا با اسلام دشمنند، با اسلام مخالفند.» (در دیدار گروه کثیری از دانشجویان و دانش آموزان به مناسبت سیزدهم آبان ماه در سالروز میلاد امام علی (ع) ۱۳۷۷/۸/۱۲)

انقلاب اسلامی مانعی برای اهداف استکبار

از نقاطی که دشمن روی آن متمرکز است و به دنبال تهدید و از بین بردن آن است، ایمان دینی است. دشمن می‌داند «اگر ایمان دینی نبود، این انقلاب پیروز نمی‌شد، این نظام به وجود نمی‌آمد، این زلزله و تکانه‌ی شدید در ارکان نظام سلطه پدید نمی‌آمد. حرکت اسلامی و انقلاب اسلامی یک تکانه‌ی شدیدی در نظام سلطه ایجاد کرد؛ بله، دوقطبی بود، باهم مخالف بودند، الان هم همین جور است - قدرتهای بزرگ مثل گرگ‌های درنده‌ای هستند که منتظر فرصتند تا رقبا را بدرند، در این شکی نیست - اما همه بر یک اصل متفق بودند و امروز متفقند و آن، دستیابی به قدرت و زورگویی نسبت به مردم و ملت‌های ضعیف و حکومت‌های ضعیف و اجتماعات گوناگون عالم و غارت منابع مالی و اقتصادی آنها و تجمیع روزافزون قدرت برای خودشان است؛ این هدف است.» (در دیدار جمعی از ائمه‌ی جماعات مساجد استان تهران ۱۳۹۵/۵/۳۱)

«اسلام انقلابی یا انقلاب اسلامی - هر دو تعبیر درست است؛ اسلام انقلابی هم درست است، انقلاب اسلامی هم درست است - که امروز در نظام جمهوری اسلامی تبلور پیدا کرده. این، مانع شده. اگر اسلام نبود، ایمان به خدا نبود، ایمان به معارف اسلامی نبود، تعهد و پایبندی به وظایف دینی نبود، نظام جمهوری اسلامی هم مثل دیگرانمیرفت

مروری بر اندیشه مقاومت از منظر مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)

زیر چتر همین نظام سلطه و قدرت استکباری آمریکا و غیر آمریکا؛ همچنان که دیگران رفتند.» (در دیدار جمعی از ائمه ی جماعات مساجد استان تهران ۱۳۹۵/۵/۳۱)

امیدواری مردم دنیا از مقاومت ملت ایران

«آنچه که امروز دستگاه استعماری آمریکا و اذتاب او و سایر دشمنان اسلام و انقلاب به دنبال آن هستند، این است که چهره مقاومت ملت ایران را در سطح جهان مخدوش کنند. مردم دنیا از مقاومت شما امیدوار شدند؛ چون دیدند شما ایستادگی کردید و در مقابل فشار زانو نزدید. اگر دشمن بخواهد امید را از مردم دنیا بگیرد، چه کار باید کند؟ باید به مردم دنیا وانمود کند که ملت ایران نتوانستند پایداری کنند و مقاومتشان تمام شد. اگر العیاذ بالله آمریکا و تبلیغات غرب و استکبار بتوانند این حرف را در دنیا به کرسی بنشانند که ملت ایران هم با این همه ادعا و هیاهو، بالاخره نتوانست طاقت بیاورد و به زانو درآمد، در این صورت به مقصود خود رسیده‌اند و در نتیجه همان امیدی که در دل‌های مسلمان‌ها و ملت‌ها و مستضعفان به وجود آمده بود، به یأس مبدل خواهد شد.» (در دیدار با مسئولان لشکری و کشوری ۱۳۶۸/۱۲/۲۲)

مقاومت، دلیل حساسیت مستکبران به غرب آسیا

«امروز در منطقه ی ما روحیه ی بیداری اسلامی بر بسیاری از ملت‌ها و کشورها حاکم است. اینکه شما ملاحظه می‌کنید قدرتمندان مستکبر دنیا، در رأس آنها آمریکای جنایت‌کار - شیطان بزرگ - نسبت به این منطقه حساس هستند، به خاطر این است... اینها با بیداری ملت‌های مسلمان مخالفند، اینها از بیداری ملت‌های مسلمان میترسند. در هر جایی که اسلام توانسته است بر دل و جان مردم مسلط بشود، استکبارسیلی خورده و ما جداً معتقدیم که استکبار، بار دیگر از بیداری اسلامی در این منطقه سیلی خواهد خورد.» (در دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های استان کرمان ۱۳۸۴/۲/۱۹)

قابل توجه مدافعان سازش

«آمریکا رو به افول است؛ همه این را بدانند. آن کسانی که گرایش به این دارند که برویم با آمریکایی‌ها سازش کنیم، بیخودی نقشه بی‌اساس و بی پایه می‌کشند؛ آمریکا رو به افول است. عوامل افول آمریکا هم مربوط به امروز و دیروز نیست که حالا یکی بخواهد بیاید علاجش کند؛ مربوط به طول تاریخ [است]. عامل این وضعیتی که آمریکایی‌ها دچارش شدند، عامل بلندمدت است؛ اینها در طول تاریخ وضعیتی را به وجود آوردند که نتیجه‌اش همین است و به این آسانی‌ها علاج شدنی نیست. این سنت الهی است، اینها محکومند به اینکه ساقط بشوند، محکومند به اینکه افول کنند، زایل بشوند از صحنه قدرت جهانی؛... لذا می‌بینید که امروز در حرف‌هایشان می‌گویند که بایستی از درون با ایران برخورد کرد؛ باید اراده‌ها، اراده بر ایستادگی را سست کرد. اگر اراده یک ملت - که در اراده مسئولینش تجسم و تجسد پیدا می‌کند - سست نشود، هیچ کاری نمی‌تواند بکنند.» (در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۱۳۸۲/۳/۷)

مروری بر اندیشه مقاومت از منظر مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

دلیل رفتار دیوانه‌وار زمامداران آمریکا

امروز شما نگاه کنید به رفتار زمامداران آمریکا - رئیس جمهور و تیم دوروبرش - ببینید چه جوری حرف می‌زنند. حرف زدن آنها مثل حرف زدن آدم‌های روانی است؛ گاهی تهدید می‌کنند، گاهی دستور ترور می‌دهند، گاهی تهمت می‌زنند، گاهی از روی استیصال درخواست کمک می‌کنند، گاهی ثبات و امنیت یک ملت را آماج خودشان قرار می‌دهند؛ مثل دیوانه‌ها به این طرف و آن طرف می‌زنند. رفتار آنها، رفتار سیاستمداران منطقی و عاقل و باتدبیر نیست. البته بخش مهمی از این، انعکاس ناکامی‌های آمریکا در مناطق مختلف است: ناکامی در افغانستان، ناکامی در عراق... و البته پشت سرش ناکامی کامل در تأمین مقاصدی که اعلام کرده بودند یا مقاصدی که در دل داشتند و اعلام نکرده بودند. این ناکامی‌ها در رفتار سیاستمداران آمریکا منعکس است؛ در اختلافاتشان، در بگومگوهایشان، در تصمیم‌گیری‌هایشان. این وضع زورگویان عالم است.» (در مراسم نوزدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ۱۳۸۷/۳/۱۴)

تبلیغ ناچار بودن تسلیم شدن در برابر غرب

این واقعیت‌هایی که امروز مشاهده می‌کنیم، واژگونه تحلیل نشود، غلط تحلیل نشود، غلط فهمیده نشود؛ همچنان که هست فهمیده بشود. نه فقط در کشور ما [بلکه] در منطقه آسیا، هنوز کسانی، کشورهایی، دولت‌هایی، شخصیت‌هایی، رجال سیاسی‌ای، جریان‌هایی وجود دارند که درک نمی‌کنند این واقعیتی را که بیان شد؛ این‌ها معتقدند که ما در مقابل غرب یک راه بیشتر نداریم، باید تسلیم غرب شد؛ حالا این تسلیم یا با طوع و رغبت است - یعنی پذیرش ارزش‌های غربی و تسلیم شدن در مقابل نظمی که آنها ابراز می‌کنند و توقعاتی که برای اداره جهان دارند - یا اگر چنانچه یک کشوری به طوع و رغبت تسلیم نشد، طرف آنها نرفت، با آنها همکاری نکرد، نسبت به خواسته‌های اساسی آنها طوع و اطاعت نشان نداد، طبعاً مواجه خواهد شد با فشار؛ حالا فشار اقتصادی، فشار تحریم، فشار سیاسی، فشار نظامی؛ ناچار بایستی تسلیم شد، یا تسلیم آرام، یا تسلیم با سروصدا و مشکل! این تحلیل وجود دارد. این غلط است؛ این تحلیل، تحلیل خطرناکی است؛ در کشور ما هم گوشه و کنار این تحلیل‌ها وجود دارد. نه، این جور نیست؛ همین طور که گفتیم، قدرت غربی بر این دو پایه بود - پایه‌های اخلاقی و معنوی و ارزشی، و پایه نظامی و سیاسی و امنیتی و عملی - هر دوی اینها متزلزل شده است.» (در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۳/۶/۱۳)

کذب بودن شایعه مضر بودن قطع رابطه با آمریکا

در تبلیغات خودشان شایع می‌کنند که قطع رابطه ایران و دولت آمریکا به ضرر ملت ایران است! نه آقا، صددرصد به نفع ملت ایران است. این یک حربه از اثرافتاده است که بخواهند در میان ملت‌ها این طور وانمود کنند که اگر ملتی با آمریکا رابطه داشته باشد، از لحاظ اقتصادی و مادی، همه مشکلاتش برطرف می‌شود؛ نه، یک روزی بعضی از دولت‌های ساده لوح این گونه خیال می‌کردند. در کشور ما هم در اول انقلاب، عده‌ای که قدرتی پیدا کرده بودند و در رأس کارها قرار داشتند، این گونه خیال می‌کردند؛ لیکن تجربه‌ها در نقاط مختلف دنیا عکس این را ثابت کرد. در کشور الجزایر، مردم

مروری بر اندیشه مقاومت از منظر مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)

مشکلات اقتصادی داشتند که داستان‌های مفصلی دارد؛ این طور وانمود کردند که رابطه با آمریکا، بازکننده این گره‌ها است! در نتیجه به این سمت رفتند؛ اما نتیجه کار آنها را شما امروز می‌بینید که در الجزایر چه خبر است: دولت‌های منقطع از مردم، حکومت نظامی ستمگر، سرکوب شدید حرکت مردمی و اسلامی، تسلط باندهای قدرتی که تا چند ماه قبل از این در روزنامه‌ها می‌خواندید و از رسانه‌ها می‌شنیدید که هر چند روز یک بار در یکی از روستاهای الجزایر، یا در یکی از شهرک‌ها یا طرف مرکز کشور، کشتار و قتل عام بیست نفر، پنجاه نفر، صد نفر به وسیله ایادی شناخته نشده انجام می‌شد. (در دیدار گروه کثیری از دانشجویان و دانش آموزان به مناسبت سیزدهم آبان ماه در سالروز میلاد امام علی (ع) ۱۳۷۷/۸/۱۲)

دشمن تا کجا پیش می‌رود

«دشمن، سیاسی و سیاستمدار است؛ مغز طراح سیاسی دارد، فکر می‌کند که چه کار باید بکند. یکی از طراحی‌ها این است که حرف آخر را اول نزنند؛ آرام آرام و به تدریج طلبکاری ایجاد نمایند و طرف مقابل را وادار به عقب‌نشینی کنند. به مجردی که عقب‌نشینی کردید، طلبکاری دیگری شروع خواهد شد. حالا بعضی‌ها می‌گویند چیزی بدسیم، چیزی بگیریم! بدسیمش درست است، بگیریمش درست نیست؛ هیچ چیز نخواهند داد. شعارهایی را درست می‌کنند؛ ایران را در محور شرارت گذاشته‌اند. فلان کارها را بکنیم تا ما را از محور شرارت بردارند! این شد حرف؟! غلط کردند گذاشتند که حالا بخواهند بردارند. دوباره و هر وقت لازم شد، ما را در محور شرارت می‌گذارند. اگر قرار است قدرتی این امکان و توان را پیدا کند که اخم‌هایش را در هم بکشد و بگوید من قوی هستم و می‌زنم و می‌بزم و می‌بندم؛ حواستان جمع باشد، انسان جا بخورد، این جا خوردن، حدّ یقف ندارد؛ شما این سنگ را عقب می‌نشینید، فرض کنید فلان الحاقیه را قبول می‌کنید، بعد یک مطالبه دیگری را مطرح می‌کنند: فلان دولت غیر قانونی را به رسمیت بشناسید! باز همان فشارها و همان تهدیدها. به مجردی که فلان دولت غیر قانونی را به رسمیت شناختید، باز یک درخواست دیگر مطرح می‌شود: اسم اسلام را از قانون اساسی تان بردارید! شما باید ذره ذره عقب بنشینید؛ این حدّ یقفی ندارد.» (در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۱۳۸۲/۳/۷)

«انعطاف در مقابل این دشمن - به خاطر مصلحت سنجی‌های موسمی‌ای که خب ما در یک مواردی داریم - تیغ دشمنی او را کند نخواهد کرد، بلکه او را گستاخ‌تر خواهد کرد؛ این هم یک تجربه است. فراموش نکنیم هر جایی که ما مقداری کوتاه آمدیم، آنها تندتر آمدند. همان رئیس جمهور شریری که خودش مجسمه شرارت بود - بوش دوم - در مقابل انعطافهایی که دولت وقت نسبت به او نشان داده بود، ایران را محور شرارت نامید و با افتخار ایستاد، اسم محور شرارت را روی ایران گذاشت؛ [چون] در مقابل او انعطافهایی نشان داده شده بود. الان هم شما ملاحظه کنید؛ ما خب در مقابل خیلی از این تحریم‌هایی که اینها ایجاد کردند، کارهایی که کردند، خلاف‌هایی که کردند، اعتراض کردیم اما یک حرکت عملی قوی‌ای انجام ندادیم؛ [این] در واقع یک نوع هزینه پرداختن بود. در مقابل پرداختن این هزینه‌ها، حالا شما می‌بینید که رئیس جمهور آمریکا و وزیر خارجه‌اش، گستاخ، طلبکارانه، وقیح، می‌آیند به میدان و حرف می‌زنند، طلبکاری می‌کنند؛

مروری بر اندیشه مقاومت از منظر مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

عقب‌نشینی در مقابل آنها، انعطاف در مقابل آنها هیچ تأثیری در کم کردن دشمنی آنها ندارد. اگر چنانچه فرض کنیم کسی هست که احساس می‌کند خب، یک دشمن این جوری را ما از سر باز کنیم، نگذاریم دشمنی کند. راه جلوگیری از دشمنی او، انعطاف و کوتاه آمدن نیست؛ اگر می‌خواهید کاری کنید که او دشمنی نکند، خیلی خب، راهش را پیدا کنید، اما این راهش نیست که ما در مقابل او کوتاه بیاییم و عقب‌نشینی کنیم. [این] البته مخصوص آمریکا هم نیست؛ غربی‌ها عمدتاً همین جور هستند. ما فراموش نمی‌کنیم - یعنی این جزو چیزهایی است که در تاریخ ما قابل فراموش شدن نیست.» (در دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۷/۳/۲)

کوتاه آمدن در برابر مستکبر؛ عامل جری شدن او

«قدرت‌های زورگوی دنیا (نه امروز، از قدیم) عادت کرده‌اند دست روی منافع ملت‌ها بگذارند و بگویند این مال من. هر جا ملت‌ها و رهبران آنها کوتاه آمده‌اند، آنها جری‌تر شده‌اند. انگلیس‌ها شبه قاره هند را در قرن نوزدهم گرفتند، ثروت شبه قاره را مثل خونی نوشیدند، خودشان را قوی کردند و هند را ضعیف. این طوری است. وقتی یک ملتی در مقابل طمع‌ورزی دشمنان قوی پنجه عقب‌نشینی می‌کند، میدان را برای آنها باز می‌کند. او در یک چنین وضعیتی، این طور نیست که حالا بگوید، به اینها رحم کنیم، ملاحظه کنیم، اینها عقب‌نشینی کردند؛ نخیر، تا این ملت عقب‌نشینی کند، آن جلو می‌آید و بدون مانع، پنجه‌های خود را در گوشت و پوست این ملت فرو می‌کند و تا جایی که زورش برسد، از او می‌کند؛ او را ضعیف می‌کند و خودش را قوی می‌کند.» (در دیدار عمومی بسیجیان ۱۳۸۵/۱/۶)

ضرورت ایستادگی در برابر دشمنان، با شجاعت و با اقتدار

«...اینها هستند که دشمنی می‌کنند. اگر ما در مقابل دشمنی دشمنانمان با شجاعت و با اقتدار نایستیم، ما را خواهند خورد، خواهند بلعید. «ما» که می‌گوییم، یعنی کشور را، یعنی ملت را؛ و الا شخص بنده و امثال بنده که اهمیتی نداریم؛ کشور را [خواهند بلعید]. ما مسئول کشوریم، مسئول ملتیم، مسئول تاریخیم؛ نباید اجازه بدهیم. خب، بنابراین اینها رفتارشان با ما این جوری بوده.» (در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۴/۱۲/۲۰)

شکست ناپذیری قدرت ملی

«ملت ما از ملتی که سابقه دوران قاجار را داشت و بعد در دوران پهلوی بکلی لگدمال شده بود، تبدیل شد به یک ملت زنده و بیدار، آمد وسط میدان، قدرت خودش را علنی کرد، قدرت خود را به صحنه آورد. این قدرت، قدرت ملی است؛ قدرت آحاد مردم است، هیچ نیرویی در مقابل این قدرت تاب مقاومت ندارد. ملت‌ها امتحان کنند. البته امتحانش آسان هم نیست، فداکاری می‌خواهد، رهبری درست می‌خواهد. اگر این فراهم بشود، هیچ ملتی در دنیا زیر ستم نخواهد ماند؛ دچار فقر نخواهد ماند. این شرایط در کشور عزیز ما فراهم شد.» (در دیدار اقشار مختلف مردم آذربایجان به مناسبت روز ۲۹ بهمن ۱۳۸۶/۱۱/۲۸)

مروری بر اندیشه مقاومت از منظر مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

ناکارآمدی تجهیزات دشمن در برابر مقاومتان شهداد طلب

«دشمن، با توده مردم و انسان‌های مؤمن و مخلص، چه کار می‌تواند بکند؟ مگر ابزارهای دشمن چیست؟ ابزار دشمن، عبارت از تجهیزات است. تجهیزات، در مقابل نیروی ایمان و شور و عشق و اراده مردم، کارایی ندارد. تجهیزات، کسانی را می‌ترساند که بخواهند فقط با اتکاء به تجهیزات خودشان بجنگند و مبارزه کنند. این گونه آدم‌ها، اگر در مقابل خودشان تجهیزاتی را ببینند که از تجهیزات خودشان مدرن‌تر و بالاتر است، ممکن است احساس رعب کنند؛ اما در مقابل مردم باایمان و بااخلاص، از تجهیزات مدرن دشمن کاری ساخته نیست. مدرن‌ترین تجهیزات، مقابل یک نیروی مقاوم ایستاده شهادت طلب، از کار باز میماند. مگر هیچ دشمنی می‌تواند میلیون‌ها انسان از آحاد یک ملت را عقب بنشانند؟ همین توده مردم حزب الله بودند که در خیابان‌های سرتاسر این کشور، در مقابل تجهیزات مدرن از دشمن گرفته رژیم پادشاهی ایستادند. چرا آن تجهیزات نتوانست بر آنان فائق بیاید؟ در حالی که آن تجهیزات می‌توانست طرف خودش را بکشد. اگر کسی از مرگ ترسید، از آن تجهیزات می‌ترسد؛ اما اگر کسی مرگ را شهادت دانست، از تجهیزاتی که مرگ‌بار باشد، نخواهد ترسید. ابزارهای دیگر دشمن چیست؟ تبلیغات. تبلیغات دشمن، روی انسان‌های مؤمن اثری نمی‌گذارد. الان شما پیچ رادیو را که باز کنید و هر کدام از رادیوهای دشمن - رادیو اسرائیل، رادیو آمریکا، رادیو کشورهای اروپایی و رادیو گروهک‌ها - که دهان باز کنند، یک مشت تبلیغات سوء و تهمت علیه اسلام و مسلمین و نظام جمهوری اسلامی را بر زبان جاری می‌کنند. کسی اینها را باور می‌کند که دلش با ایمان و آگاهی ناشی از ایمان، روشن نباشد. این امواج، روی مردم مؤمن اثری ندارد.» (در مراسم ویژه روز بسیج در پادگان امام حسن مجتبی (ع) ۱۳۶۹/۹/۵)

اهمیت حضور فیزیکی اجتماعی

«مردم در هر کشوری، در هر جامعه‌ای، اگر چنانچه همّت کنند، بصیرت به خرج بدهند، عمل کنند و وارد میدان بشوند، می‌توانند همه مشکلات را حل کنند. یعنی بزرگ‌ترین کوه‌ها در مقابل حضور مردم از بین می‌رود؛ می‌توانند کوه‌های بزرگ را جابه‌جا کنند. این یک حقیقت آشکاری است که بسیاری از تحلیلگران اجتماعی در کشورهای اسلامی و دیگر کشورها آن را درست لمس نکردند، درک نکردند؛ ما این را لمس کردیم. هنر بزرگ امام بزرگوار ما هم همین بود... مردم با جسمشان، با حضورشان آمدند و آنچه را که می‌خواستند، آنچه را که بر آن همّت گماشته بودند، با حضور خودشان تثبیت کردند. همه موانع سیاسی و غیر سیاسی و استعمار و قدرت‌های عظیم جهانی که بر امور ملت‌ها مسلطند، در مقابل این حادثه مجبورند عقب‌نشینی کنند. الان هم همین جور است. الان هم در هر نقطه‌ای از دنیا اگر ملت‌ها وارد میدان بشوند با یک هدف مشخص، با شعارهای مشخص، و اگر آن ایمان راسخ در دل و همچنین عمل صالح در کنار این ایمان راسخ وارد میدان شود هیچ مانعی در مقابل آنها قادر بر مقاومت نیست... حضور مردمی معنایش این است که ملت‌ها با تن خودشان، با حضور شخصی خودشان در میدان‌های مبارزه حاضر شوند و خطرات را تحمل کنند؛ مثل آن چیزی که در ایران اتفاق افتاد. وقتی این شد، هیچ قدرتی در مقابل

مروری بر اندیشه مقاومت از منظر مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

این نمی‌تواند بایستد؛ حالا آمریکا و اینها که سهلند؛ اگر همه قدرت‌های عالم هم دست به یکی شوند، در مقابل ملت‌ی که با همه وجود وارد میدان شده است، نمی‌توانند مقاومت کنند، ایستادگی کنند. البته می‌زنند، می‌کشند، خون‌ریزی می‌کنند، اما مغلوب می‌شوند. همان‌طور که امام در آن سال‌ها فرمودند، خون بر شمشیر فائق خواهد آمد، پیروز خواهد شد. این اتفاق افتاده است. مردم با جسم خودشان، با وجود خودشان وارد میدان شده‌اند؛ نماینده نفرستادند، به حرف اکتفا نکردند.» (در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۹/۱۲/۱۹)

کنار آمدن با دشمن یعنی به اسارت دادن یک ملت

«عده‌ای نگویند دشمنی که این قدر اذیت می‌کند، شما چه داعی‌ای دارید؟ بروید با او کنار بیایید! در قضایای مهم سیاسی که به سرنوشت ملت‌ها ارتباط پیدا می‌کند، کنار آمدن یعنی تسلیم شدن؛ یعنی همان چیزی را که دشمن می‌خواهد، عمل کردن. مثل یک نفر که می‌خواهد خانه شما را بگیرد و شما زیر بار نمی‌روید؛ مرتب سنگ می‌اندازد و شیشه‌ها را می‌شکند و اذیت می‌کند. آن وقت یکی به شما بگوید با دشمنی که این قدر اذیت می‌کند، کنار بیایید! کنار آمدن این است که شما از خانه بیرون بروید و کلید خانه را به او بدهید! کنار آمدن، یعنی تحقیر و به اسارت دادن یک ملت؛ یعنی تأمین خواسته دشمن درباره یک ملت. نجات از این دغدغه‌ها و مشکلات، یک راه بیشتر ندارد و آن، فکر کردن، اندیشیدن، ضد حمله فراهم کردن و دشمن را به ستوه آوردن است. نسل جوان در چنین میدانی است که تکلیف و مسئولیت دارد.» (در دیدار جوانان استان اصفهان ۱۳۸۰/۸/۱۲)

رسیدن به منافع، تنها هدف آمریکا از ارتباط و فعالیت‌هایش

«آمریکایی‌ها برای ارتباطات و فعالیت‌های خودشان در دنیا، یک وجهه نظر بیشتر ندارند؛ آن را هم می‌گویند؛ پنهان و کتمان نمی‌کنند؛ و آن، منافع آمریکا است. چنانچه با کسی رابطه برقرار کنند، اگر بپرسند چرا، می‌گویند منافع ما ایجاب می‌کند؛ چون برای آنها منافعشان مهم است! آمریکا به هیچ کشوری سود نمی‌رساند. اگر چند میلیون دلار به کشوری وام بدهد، چند برابر از او امکانات می‌گیرد! امروز اگر شما به این منطقه نگاه کنید، می‌بینید که این کشورهای اطراف ما دچار فقر و ضعف و استبداد و فساد و مشکلات فراوانی هستند. اینها مگر با آمریکا روابط ندارند؟! همه اینها با آمریکا روابط دارند. آمریکایی‌ها از آنها استفاده می‌کنند، اما به آنها استفاده نمی‌رسانند! بارها آمریکایی‌ها اعلان کردند که هدف آنها از ارتباط با کشورها، تأمین منافع دولت آمریکا است! معنای این حرف چیست؟ معنایش این است که از نظر آمریکایی‌ها، منافع یک شهروند آمریکایی، بر منافع یک شهروند ایرانی هر که باشد ترجیح دارد.» (با جوانان در مصلائی بزرگ تهران ۱۳۷۹/۲/۱)

مروری بر اندیشه مقاومت از منظر مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)

غیر قابل اعتماد بودن دشمن

«عمده این است که ما به خودمان اتکاء کنیم؛ اساس کار این است. ما باید به خودمان اتکاء کنیم؛ به دیگران نمی‌شود اتکاء کرد، به بیگانگان نمی‌شود اتکاء کرد، نمی‌شود اعتماد کرد. من مکرر در دوران همین مذاکرات هسته‌ای - شاید چهار پنج مرتبه یا بیشتر - گفتم به آمریکایی‌ها نمی‌شود اعتماد کرد. حالا - هم ملاحظه می‌کنید و می‌بینید؛ حرف‌هایی که می‌زنند، اظهاراتی که می‌کنند و عملکردی که نشان می‌دهند، کاملاً امضای آن حرفی است که بنده آن وقت می‌زدم؛ یعنی واقعاً نمی‌شود به اینها اعتماد کرد. [البته] آمریکایی‌ها به عنوان نماد بداخلاقی و بدادایی [هستند] فقط آنها [هم] نیستند، دیگرانی هم هستند که همین جور بدادا و بداخلاق و بدرفتارند؛ بالاخره نمی‌شود به آنها اعتماد کرد. ما باید به خودمان اعتماد کنیم، به خودمان تکیه کنیم و بدانیم می‌توانیم و بدانیم که خدای متعال هم کمک می‌کند.» (در دیدار جمعی از مسئولان قوای سه‌گانه و مسئولان برخی نهادها ۱۳۹۵/۱/۱۸)

راه دشوار رسیدن به پیشرفت

«مهم این است که شما جوان‌ها تصور نکنید که راهی که پیش روی ما است، یک اتوبان آسفالته‌ی بی مانع است؛ نه. راه پیشرفت به روی ما باز است اما راه پُرپیچ و خمی است، راه دارای فرازونشیبی است، موانعی در این راه وجود دارد، دشمن به طور کامل در مقابل ما فعال است. ما باید در مقابله با موانع، این راه را طی کنیم.» (در همایش ده‌هزار نفری «خدمت بسیجیان» در ورزشگاه آزادی ۱۳۹۷/۷/۱۲)

«بعضی‌ها به ذهنشان می‌آمد که چطور امام با این دقت و اهمیتی که در احکام دین و نسبت به جان و مال داشت و این همه ما در انقلاب و در جنگ شهید دادیم، دچار دغدغه نبود و با دل آرامی می‌توانست دنیا را ترک کند و به ملاقات پروردگار برود؛ می‌گفتند جواب این خون‌ها را که خواهد داد. جواب امام به این وسوسه‌ها این است که جواب این خون‌ها را همان کسی خواهد داد که جواب خون‌های صفین و نهروان را داد. جواب این سختی‌ها را همان کسی خواهد داد که جواب سختی‌ها و رنج‌ها و محنت‌های امیرالمؤمنین را در دوران زندگی خواهد داد. انقلاب برای نجات یک ملت دارای هزینه است؛ جنگ هشت ساله برای دفاع از استقلال یک ملت دارای هزینه است؛ ایستادگی در مقابل زورگویان عالم برای اثبات حقانیت و حقوق خود دارای هزینه است. امام این هزینه را پرداخت. هزینه‌ای که امام پرداخت، اعتماد عمومی مردم بود. این اعتماد عمومی را در این راه امام به کار انداخت و هزینه کرد، اما خدای متعال این هزینه را جبران کرد. آنچه را که امام هزینه کرده بود، چند برابر به او برگرداند. در تشییع جنازه این مرد بزرگ، جمعیتی که حضور پیدا کردند، از جمعیت مردم در روز استقبال او بیشتر بود. این معنای همین است.» (در دیدار هزاران نفر از مردم در مراسم هجدهمین سالگرد رحلت حضرت امام خمینی (ره) ۱۳۸۶/۳/۱۴)

بخش دوم؛ عوامل مقاومت بخش

عنصر ایمان

مقام معظم رهبری پس از حضور مردم از یکی از مهم‌ترین عناصر مقاومت بخش یاد می‌کند و می‌فرماید: «عنصر دوم هم عنصر ایمان دینی مردم است. ایمان دینی، آن معجزه‌گری است که قادر است اولاً همه مردم را بسیج کند و بیاورد، ثانیاً آنها را در صحنه نگه دارد، و ثالثاً سختی‌ها را برای آنها هموار و آسان کند؛ هیچ ایمان دیگری این خصوصیت را ندارد. ایمان دینی می‌گوید شما اگر چنانچه فائق شدید و پیش بردید، پیروزید؛ اگر کشته هم شدید، پیروزید؛ اگر زندان هم افتادید، پیروزید؛ چون به وظیفه عمل کردید. وقتی کسی یک چنین اعتقاد و ایمانی داشت، دیگر شکست برایش معنا ندارد؛ لذا وارد میدان می‌شود. این همان عاملی است که در صدر اسلام هم اثر کرد، در انقلاب ما هم اثر کرد.» (در دیدار اعضای ستاد بزرگداشت نه دی ۱۳۹۰/۹/۲۱)

«یقیناً هیچ جریان مبارز دیگری نمی‌توانست در کشور ما نظام سلطنتی را از بین ببرد - جوان‌های عزیز! این را بدانید و مطمئن باشید - جز جریان اسلامی و دینی‌ای که پیش آمد. هیچ جریان دیگری، هیچ حزبی، هیچ مجموعه مبارزی امکان نداشت بتواند نظام استبدادی وابسته به قدرت آمریکا را در این کشور سرنگون کند؛ کما اینکه جریان‌های مبارز قدیمی در این کشور، همه از کار افتاده بودند؛ چه جریان‌های چپ، چه جریان‌های راست، چه گروه‌های مسلح. در سال‌های ۵۴ و ۵۵ همه این گروه‌ها به وسیله آن دستگاه قلع و قمع شده بودند. تنها چیزی که می‌توانست آن رژیم باطل را ساقط کند، موج عظیم ملی بود؛ حضور یکپارچه مردم؛ که این هم جز با انگیزه دین و با پیشوایی روحانیت مبارز و مرجعی مثل امام بزرگوار امکان پذیر نبود.» (در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت ۱۳۸۷/۹/۲۴)

حفظ ساخت حقیقی نظام اسلامی؛ شرط بقای مقاومت

«نکته اصلی که هم دانشجویها، هم دانشگاهیان عزیز، هم همه آحاد ملت، بخصوص نخبگان و هوشمندان باید به او توجه کنند، این است که نظام جمهوری اسلامی این «توانایی» و این «اقتدار ذاتی» را دارد؛ همچنانی که تا امروز در طول این سی سال توانسته ایستادگی کند. آنها همه هم‌میشان این بود که جمهوری اسلامی را نابود کنند و از بین ببرند؛ اما نه فقط نابود نشد، بلکه روزه روز در بخش‌های مختلف قوی تر شد. این «توانایی ماندن»، این «اقتدار»، این «ظرفیت بقا» بایستی حفظ شود. این جور نیست که ما هر جور عمل کنیم - ولو بی تفاوت، ولو با عدم توجه به وظایف حسّاس و مهم - باز هم همین ظرفیت مقاومت باقی بماند؛ نه، بایستی نظام جمهوری اسلامی را به معنای حقیقی کلمه‌اش حفظ کرد، تا بتوان از منافع این ملت، از منافع این کشور، این ملت را بهره‌مند کرد؛ تا بتوان این ملت را به اوج ترقی و آرزوها و آرمان‌های خودش رساند. آنچه مهم است این است که نظام جمهوری اسلامی یک ساخت حقوقی و رسمی دارد که آن قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی، دولت اسلامی، انتخابات - همین چیزهایی که مشاهده می‌کنید - است، که البته حفظ اینها لازم و واجب است؛ اما کافی نیست. همیشه در دل ساخت

مروری بر اندیشه مقاومت از منظر مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

حقوقی، یک ساخت حقیقی، یک هویت حقیقی و واقعی وجود دارد؛ او را باید حفظ کرد. این ساخت حقوقی در حکم جسم است، در حکم قالب است، آن هویت حقیقی در حکم روح است، در حکم معنا و مضمون است.» (در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت ۱۳۸۷/۹/۲۴)

«آن چیزی هم که می‌تواند استقلال را تأمین بکند برای انقلاب اسلامی ما، تکیه صریح و شفاف بر مبانی انقلاب است؛ اصول انقلاب، مبانی انقلاب، ارزشهای انقلاب، به شکل صریح و شفاف مورد تکیه باید قرار بگیرد. همچنان که امام بزرگوار این جور بود؛ امام از اول شروع نهضت، همه حرف خود را صریح، بدون ابهام بیان کرد. از اول، امام رژیم طاغوتی موروثی استبدادی سلطنتی را نفی کرد، ملاحظه نکرد؛ از اول معلوم بود که امام دنبال یک نظام و یک تشکیلات مردمی است. سلطنت موروثی، مردود؛ نظام استبدادی، مردود؛ نظام فردی و متکی به اراده فرد، مردود؛ اینها را امام صریح بیان کرد؛ پرده‌پوشی نکرد. امام به صراحت بیان کرد که نظام اسلامی - نظامی بر مبنای اندیشه اسلام و ارزشهای اسلامی - باید سر کار بیاید؛ پرده‌پوشی نکرد.» (در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش در سالروز بیعت تاریخی همافران با حضرت امام خمینی (ره) ۱۳۹۲/۱۱/۱۹)

مستحکم کردن کشور

«خب، راه درست این است که ما خودمان را در درون تقویت کنیم و استغنا پیدا کنیم. دنیا به کشوری که غنی باشد و قوی باشد احترام می‌گذارد؛ مجبور است احترام بگذارد. اگر کشور ایران اسلامی قوی باشد و غنی باشد، همان کسانی که امروز دارند شاخ و شان می‌کشند، همین‌ها می‌آیند پشت دروازه ما می‌ایستند و منت کشی می‌کنند... تجربه ۳۷ ساله جمهوری اسلامی نشان می‌دهد که ما باید خودمان را تقویت کنیم، قوی کنیم؛ از لحاظ فکری قوی کنیم، از لحاظ سیاسی قوی کنیم، از لحاظ اقتصادی قوی کنیم، از لحاظ فرهنگی قوی کنیم، از لحاظ علمی قوی کنیم. وقتی قوی شدیم، طبعاً عزت پیدا خواهیم کرد؛ امروز عزت یک ملت در دنیا به اینها است.» (در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۴/۱۲/۲۰)

«مقاومت، تنها با استحکام بخشیدن به بنیانها صورت می‌گیرد. هر سیل بنیان کنی وقتی به یک صخره ی استوار برسد، نمی‌تواند در آن اثر بگذارد. ما باید خود را استوار و مستحکم کنیم و بنیانهای فرهنگی و اقتصادی و سیاسی خود را استحکام ببخشیم. هر کاری که در جهت استحکام بخشیدن باشد، مقدس و خوب و مورد اجر و ثواب الهی است. هر چیزی که در جهت متزلزل کردن این پایه‌ها و بنیانها باشد، بد است؛ این دیگر ربطی به جناح و حزب و گروه و تشکیلات ندارد. به نظر من معیار و ملاک، این است.» (در دیدار هیئت رئیسه و نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۱۳۸۱/۳/۷)

اعتقاد یافتن مردم و مسئولان به هویت ملی

«جوان را با هویت بار بیاورید. اگر جامعه‌ای احساس هویت نکرد، صداها بلند تحکم آمیز، راحت او را مغلوب خواهد کرد. آن که ایستادگی می‌کند، آن کسی است که احساس هویت می‌کند؛ حالا این هویت، گاهی

مروری بر اندیشه مقاومت از منظر مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)

هویت ملی است، گاهی هویت دینی است، گاهی هویت انسانی است، شرف است؛ هرچه؛ با هویت باید بار بیایند.»
(در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه ها ۱۳۹۷/۳/۲۰)

حضور در صحنه‌ها

«علت اینکه ما ملت ایران، در ده سال بعد از انقلاب توانستیم در مقابل تهاجم گوناگون دشمن - با همه مشکلات آن - بایستیم و مقاومت کنیم و ضرر بیشتری متوجه آنان نکنیم، این است که به برکت دین و ایمان انقلاب و اسلام و آموزش قرآنی و اسلامی شخصیت عظیم الشانی که بیان و سخن و کلامش، مفاد و مضمون قرآن و اسلام بود، در میان مردم ما روحیه انقلابی و پارسایی انقلابی و وحدت کلمه بیشتر حکم فرما بود. دشمنان ما - عراق و آمریکا و شرق و غرب - از اتحاد خود و حمله و فشار به نظام جمهوری اسلامی، طرفی نیستند. علت موفقیت ما این بود که شما جوانان در صحنه بودید، ملت آماده بود و روحیه انقلابی بر جریان‌های غیر انقلابی و ضد انقلابی غلبه داشت. تا وقتی این گونه باشد، تهدیدهای دشمن عملی نخواهد شد. تهدید و سوءنیت دشمن و خطر وجود دارد؛ اما تا شما در صحنه هستید، این خطر تحقق پیدا نخواهد کرد.» (در دیدار با جمعی از بسیجیان و روحانیون تهران، مدرسان و طلب‌آهل سنت استان خراسان، اقشار مختلف مردم اردستان و مسئولان و کارکنان گمرک کشور و گروهی از اعضای حزب الله لبنان ۱۳۶۷/۷/۵)

«برای کشوری که آماج این همه حمله خصمانه و خبثت آمیز دشمنان است، جز بسیج نیروهای مردمی، هیچ راه علاجی وجود ندارد. اگر بسیج نیروهای مردم نمی‌بود و امام بزرگوار، از نیروی ایمان و عشق مردم، در سازمان دهی این عناصر مؤمن و نورانی در سراسر کشور - اقوام مختلف و مرزداران و عشایر و جوانان و دانشگاهیان و روحانیون و دانش آموزان و پیرمردان و زنان و دختران جوان و سایر اقشار ملت - استفاده نمی‌کرد و این انبوه عظیم نیروی فعال را به وجود نمی‌آورد، بدون شک جمهوری اسلامی نمی‌توانست در مقابل این همه توطئه و خبثت و دشمنی و سنگ اندازی، مقاومت کند.» (در دیدار جمع کثیری از بسیجیان سراسر کشور ۱۳۷۵/۸/۳۰)

امید

«قبل از پیروزی انقلاب، دشمن از همه ی وسایل استفاده میکرد تا مردم را از پیروزی انقلاب ناامید کند. میگفتند: «مگر می‌شود چنین انقلابی برپا شود و ملت با دست خالی بر دستگاه تا دندان مسلح پیروز گردد؟! اصلاً ممکن نیست!»؛ این ناامیدی را با هزار زبان، در میان مردم ترویج میکردند؛ ولی مردم، امیدشان را از دست ندادند. امام بزرگوار ما به عنوان یک رهبر تمام عیار، بیشترین همت خود را به امیدوار نگاه داشتن مردم گماشته بود. وقتی مردم امیدوارند، تلاش می‌کنند. در مقابل تلاش مردم، هیچ قدرتی نمی‌تواند مقاومت کند؛ فقط باید مردم امیدوار باشند. امام بزرگوار، از همه ی وسایل الهی و ملکوتی و معنوی استفاده کرد و این امید را در مردم دمید و به برکت آن امید، این پیروزی بزرگ به دست آمد.» (در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر (عج) ۱۳۷۴/۱۰/۱۷)

مروری بر اندیشه مقاومت از منظر مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

عمل به دین

«عزیزان من! ملت ایران به همان اندازه‌ای که به قرآن نزدیک شده است، به عزت نزدیک شده است؛ به نجات نزدیک شده است؛ به رستگاری نزدیک شده است؛ به نصرت نزدیک شده است. راه نجات همه ملت‌های دنیا نزدیکی به اسلام و به قرآن است؛ راه نجات فلسطین نیز همین است. شما ببینید؛ پنجاه سال است که یک حکومت غاصب در کشور فلسطین تشکیل شده است؛ در طول این مدت، مبارزاتی هم انجام گرفت، لیکن به نهایت نرسید؛ چرا؟ چون در این مبارزات، دین خدا، ایمان اسلامی و حکم قرآنی ملاک نبود. امروز ملت فلسطین با نام اسلام علیه دشمن مبارزه می‌کند و این مبارزه در ارکان دشمن تزلزل ایجاد کرده است. اگر مسلمان‌ها به آنها کمک کنند که این وظیفه قرآنی همه است، یقیناً این راه کوتاه خواهد شد. اگر مسلمان‌ها هم کمک نکنند، خود آنها مقاومت و ایستادگی کنند، باز هم پیروز خواهند شد؛ منتها پیروزی در حال غربت و تنهایی سخت‌تر است؛ مثل ملت ما که تنها ایستادگی کرد و شرق و غرب با او مخالفت کردند. در جنگ تحمیلی علیه ما، همه مراکز قدرت علیه ما شدند؛ ما غریبانه مقاومت کردیم؛ غربت را تحمل کردیم؛ اما از مقاومت دست برنداشتیم و خدای متعال ما را پیروز کرد.»

(در مراسم اختتامیه ی مسابقات حفظ و قرائت قرآن کریم ۱۳۷۹/۸/۹)

ایثار و فداکاری

«این مجموعه ایثارها، امروز کشور ما را به اینجا رسانده است. مگر تصور می‌شد که کوچک و بزرگ ملتی تنها، بدون هیچ پشتوانه جهانی و بدون هیچ کمک قابل ذکر از سوی هیچ گوشه‌ای از قدرت‌های عالم، بتواند این گونه در میدان جهاد مقدس و دفاع از خود و سازندگی و استقلال و مبارزه با همه نوع فشارهای دشمنان قلدر ایستادگی کند و روز به روز دشمنان را متعجب‌تر نماید؟ مگر ممکن بود که بدون این گذشت‌ها و این ایثارها و این فداکاری‌ها ما به اینجا برسیم؟ هرکدام از شما که اینجا هستید، چه آزادگان عزیز، چه آنهایی که هنوز در بندند، چه خانواده‌هایتان، چه فرزندانان، چه پدران و مادرانان، چه همسرانان، چه خانواده‌های شهدا، چه خانواده‌های جانبازان، چه فرزندان شهدا، و همه کسانی که به نحوی رنجها را بر جسم و جان خودشان تحمل کردند، ایثارگران و پشتیبانی کنندگان، هرکدام به سهم خودشان در به وجود آمدن این ذخیره عظیم و تمام نشدنی و بی نظیر ملت ایران سهم هستند. هرکدام از شما اگر این فداکاری‌ای را که کردید، نمی‌کردید، این صبری را که کردید، نمی‌کردید، این مجموعه‌ای که امروز در اختیار ملت ایران است، به وجود نمی‌آمد و این موفقیت‌ها هم عاید انجام نمی‌شد. این، درس قرآن است.» (در دیدار ایثارگران، در سالروز ورود آزادگان به میهن اسلامی ۱۳۷۶/۵/۲۹)

شنیدن بشارت شهدا

« شهیدان، دو موضع‌گیری و دو حرکت زیبا و باشکوه از خودشان نشان دادند که هرکدام پیامی دارد. این دو موضع‌گیری، یکی در قبال ذات مقدس ربوبی، در قبال اراده الهی، در قبال دین خدا، در قبال بندگان خدا و مصالح آنها است؛ یک موضع‌گیری هم در مقابل دشمنان خدا است. یعنی اگر شما رفتار و روحیه و موضع شهید را تحلیل

مروری بر اندیشه مقاومت از منظر مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

کنید، به این دو موضع گیری می‌رسید. موضع گیری در قبال خدا و بندگان خدا و امر خدا و آنچه که مربوط به ذات مقدس پروردگار است، عبارت از گذشت است؛ شهید در قبال خدا، گذشت و ایثار کرده است. ... ما که می‌خواهیم پیام آنها را بگیریم، پیامشان چیست؟ پیام این است که اگر می‌خواهید خدا را از خودتان راضی کنید و وجودتان در راه خدا مفید واقع شود و مقاصد و اهداف عالی ربوبی و الهی درباره عالم آفرینش تحقق پیدا کند، باید خودتان را در مقابل اهداف الهی ندیده بگیرید. تکلیف مالایطاق هم نیست؛ تا آنجایی که می‌شود. هرجایی که گروهی از انسانهای مؤمن این کار را کردند، کلمه خدا پیروز شد؛ هرجایی هم که بندگان مؤمن خدا پایشان لرزید، بدون بروبرگرد، کلمه باطل پیروز شد. در انقلاب، بندگان مؤمن خدا که این ایثار و گذشت را کردند، انقلاب پیروز شد.» (در دیدار با خانواده های سرداران شهید استان تهران ۱۳۷۶/۲/۱۷)

رهبر مقاوم

«در دوران رژیم طاغوت... اگر از ما سؤال می‌کردند که این رژیم طاغوت نفت این مملکت را برده است، منابع این مملکت را برده است، آمریکا را مسلط کرده است، دین را از مردم گرفته است، اخلاق را گرفته است، فرهنگ ملی و اسلامی و بومی را گرفته است، تاریخ این ملت را خراب کرده است، چرا شما در مقابل آن ایستادگی و مقاومت نمی‌کنید، جوابی که روشنفکران و سیاسیون می‌دادند، این بود که می‌گفتند کاری از ما ساخته نیست و ما نمی‌توانیم اقدامی بکنیم! حرکت امام، درس بزرگ امام، خدمت بزرگ امام به این ملت و به ملت‌های دیگر این بود که عکس این را ثابت کرد. به مردم گفت می‌توانید و قدرت دارید؛ قدرت در دست شما و متعلق به شما است؛ فقط باید این قدرت را اعمال کنید؛ باید اراده کنید؛ باید تصمیم بگیرید؛ باید خواص و اثرگذاران در ذهن مردم وارد میدان شوند و مردم باید آماده فداکاری باشند. در آن صورت همه کار خواهد شد و همه موفقیت‌ها به دست خواهد آمد. خود او اول کسی بود که وارد میدان شد. با ورود او به میدان، خواص آمدند؛ علما آمدند؛ روشنفکران آمدند؛ طلاب آمدند؛ دانشجویان آمدند؛ طبقات گوناگون مردم آمدند و در مدت چند سال، همه قشرها بتدریج به این نهضت عظیم پیوستند و در نتیجه، آن قدرت سیاسی و نظامی و تبلیغاتی که در مقابل این نیروی عظیم مردمی قرار داشت، نتوانست مقاومت کند. نیروی ایمان، نیروی اراده، نیروی رهبری حکیمانه و نیروی استقامت و صبر و پایداری، نه فقط بر قدرت رژیم طاغوت فائق آمد، بلکه بر قدرت آمریکاهم که پشت سر او بود، چیره شد.» (در اجتماع بزرگ عزاداران در صحن مطهر امام خمینی (ره) ۱۳۷۹/۳/۱۴)

اتحاد

«آنچه مهم است این است که اتحاد ملت ما وحدت خودشان را حفظ کنند؛ اتحاد ملت، مسئولین، نخبگان نگذارند حواشی گوناگون، متن را مخدوش کند. امروز متن حرکت ملت، ایجاد اقتدار درونی است، ایستادگی در مقابل طوفان‌های مخالفت و معارضة است. در طول این ۳۵ سال طوفان‌های شدیدی بود و بحمدالله ملت ایستاد و حرکت دشمنان را در این سال‌های متمادی خنثی کرد؛ بعد از این هم ملت باید بتواند ان شاءالله این حرکات را خنثی کند و خنثی هم خواهد

مروری بر اندیشه مقاومت از منظر مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

کرد. آحاد ملت وحدتشان را حفظ کنند؛ وحدت و اتحاد و همدلی میان مسئولین و مردم بایستی زیاد بشود؛ هم آحاد مسئولین کشور و مدیران کشور به مردم اعتماد کنند، هم مردم به مسئولین کشور اعتماد کنند.» (در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش در سالروز بیعت تاریخی همافران با حضرت امام خمینی (ره) ۱۳۹۲/۱۱/۱۹)

تبیین صادقانه ی شرایط برای مردم

«یکی از چالشها هم این است که کسی تصور کند که مردم تحمل نمی‌کنند؛ نه، مردم مشکلات را تحمل کرده‌اند. اگر حقیقتاً برای مردم به درستی تبیین بشود، با صداقت لازم حقایق امور برای مردم بیان بشود، مردم ما مردم وفاداری‌اند، می‌ایستند، مقاومت می‌کنند.» (در دیدار مسئولان نظام در ششمین روز ماه مبارک رمضان ۱۳۹۴/۴/۲)

یاد شهدا، از عوامل تقویت روحیه ی مقاومت

«قله این صبر و بصر شهدای مایند؛ همین آزادگانی هستند که اینجا حضور دارند و همین جانبازان عزیز هستند که اینجا نشسته‌اند. اینها بودند که جان خودشان را در معرض نابودی گذاشتند؛ از حیات خودشان برای دوام این حرکت و این قیام بزرگ و انسانی مایه گذاشتند؛ اینها اوج ایثار و مظهر بصر و صبرند؛ مظهر آگاهی و ایستادگی و پایداری. آیا کشور ما به آگاهی احتیاج ندارد؟ آیا رسیدن به آرمان‌های این ملت و این انقلاب احتیاج به پایداری ندارد؟ آیا در مقابل شیطنتها و دشمنی‌ها و بغض‌های غارتگران جهانی این ملت احتیاج ندارد که آن سلاح کارآمد خود را همواره در دست داشته باشد؛ یعنی سلاح اراده، پایداری، ایمان و آگاهی؟ اگر احتیاج دارد - که دارد - پس بایستی این روحیه ایمان و آگاهی و پایداری در قالب احترام به نمادهای آن در مردم حفظ شود و نمادها، همین شهیدانند؛ همین جانبازانند؛ همین آزادگانند. اگر من از شهدا احترام می‌کنم، اگر اظهار اخلاص به خانواده‌های شهدا می‌کنم، این صرف یک احساسات خشک و خالی نیست؛ به معنای این است که این یک راهبرد حقیقی برای ملت ما است؛ یاد شهدا باید گرامی داشته شود. این جوانان عزیز، این خانواده‌های پُرطراقت، این پدران و مادران، این همسران و فرزندان، اینهایی که با صبر و پایداری خودشان توانستند این راه طولانی را از این گردنه‌های دشوار عبور بدهند، بایستی مورد تجلیل قرار بگیرند، تا برای نسل جوان ما و برای آینده ی کشور ما این پرچم بر سرپا بماند.» (در دیدار خانواده معظم شهدا، جانبازان و آزادگان استان همدان ۱۳۸۳/۴/۱۶)

شجاعت

«یکی از خصوصیات که امام، ممتاز به آن بودند، شجاعت بود. شجاعت، صفت خیلی بزرگ و خوبی است. معنای شجاعت این نیست که انسان خطر را نفهمد، چشمش را ببندد و بگوید ان شاءالله چیزی نیست و بی حساب به آب و آتش بزند. بعضی‌ها مودبانه سعی می‌کنند شجاعت را به معنای بی حساب عمل کردن و بی کله وارد یک ماجرا شدن بگیرند؛ بعد آن را بمباران کنند و بگویند امروز روز شجاعت نیست؛ امروز این همه تهدید ما را احاطه کرده است؛ تهدید آمریکا، تهدید تبلیغاتی، تهدید فرهنگی و تهدید نظامی. فرق است بین ترسیدن و حزم. حزم صفت خوبی است. خوف که نقطه مقابل شجاعت است، صفت بدی است. معنای حزم این است که انسان وقتی می‌خواهد اقدامی

مروری بر اندیشه مقاومت از منظر مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)

بکند، آن را درست برآورد کند و بفهمد واقعیت و وضعیت چیست و در چنین وضعیتی با این واقعیت چگونه باید پیش برود. انسان حازم کسی است که کارهای بزرگ را می‌تواند انجام دهد. حزم، انسان را هرگز به عقب نشینی و تسلیم وادار نمی‌کند؛ به پیشروی وادار می‌کند؛ متتها پیشروی با حساب و کتاب، با دقت نظر، با فهم و کاری که باید کرد و کاری که باید نکرد. این، چیز خوبی است. خوف غیر از حزم است. خوف یعنی ترسیدن، دل را باختن و به قول مشهدی‌ها بای دادن. من این تعبیر را خیلی می‌پسندم؛ الان درست و از بن دندان میفهمیم معنایش چیست.» (در دیدار اعضای ستاد بزرگداشت چهاردهمین سالگرد رحلت حضرت امام خمینی (ره) ۱۳۸۲/۳/۳)

بصیرت

«خودسازی لازم است و بصیرت را هم باید روزبه روز بیشتر کنید. وقتی بصیرت انسان زیاد شد، استقامت و پایداری هرگز تمام نمی‌شود و وسوسه وسوسه‌کنندگان و شکلک درآوردن دشمن عاجز، انسان را از میدان خارج نمی‌کند.» (در دیدار بسیجیان و پرسنل سپاه پاسداران استان گیلان ۱۳۸۰/۲/۱۶)

آگاهی بخشیدن به ملت‌ها

«قدرت استکباری آمریکا که شرارت محض است و امروز از همه انگلستان او در منطقه اسلامی شرارت می‌بارد، فقط در مقابل یک قدرت، کاری نمی‌تواند انجام دهد و آن، قدرت ملت‌ها است؛ تکیه به ملت‌ها، آگاه کردن ملت‌ها، متوجه کردن ملت‌ها به منافعشان، آنها را از ظلمات توهم‌های بیجا - اگر دچار آن هستند - خارج کردن و حقایق را به آنها نشان دادن، ملت‌ها را آماده مقاومت در مقابل استکبار می‌کند.» (در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام به مناسبت مبعث فرخنده ی پیامبر مکرّم اسلام (ص) ۱۳۸۳/۳/۲۳)

بخش سوم؛ عوامل از بین برنده مقاومت

آلوده شدن به گناه

«[تأثیر گناهان] در انسان چیست؟ یکی از تأثیرات این است که وقتی انسان مبتلا است به گناه، در یک نقطه حسّاس و بزنگاه کم می‌آورد. آیه قرآن می‌فرماید که: **إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا؛** در جنگ احد، آن کسانی که نتوانستند طاقت بیاورند و دلشان در هوای غنیمت آن‌چنان تپید که فراموش کردند چه مسئولیت حسّاسی در اختیار آنها و برعهده آنها است و جنگ پیروز را به جنگ مغلوب تبدیل کردند، **اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا؛** اینها قبلاً خطاهایی انجام دادند، آن خطاها اینجا خودش را نشان داد. این یک مرحله است؛ یعنی گناه ما موجب می‌شود که در یک نقطه حسّاس، در یک نقطه بزنگاه، نتوانیم تاب بیاوریم، نتوانیم مقاومت کنیم. خب، ما مسئول کشور هستیم؛ از این بنده حقیر گرفته تا مسئولین دولتی، مسئولین قضائی، مسئولین قوه مقننه و همین‌طور سلسله‌مراتب مسئولیت‌ها، همه مسئولیم؛ اگر چنانچه کاری بکنیم که نتیجه آن باشد که **«إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ»** و پایمان بلغزد و نتوانیم طاقت بیاوریم در آنجایی که باید تاب آورد و طاقت آورد، خطر بزرگی ما را تهدید می‌کند. این یک مرحله است. مرحله بالاتر از این و بدتر از این، آن است که ما گاهی خطائی می‌کنیم، آن خطا موجب می‌شود که ما دچار نفاق بشویم؛ یعنی دلمان با زبانمان

مروری بر اندیشه مقاومت از منظر مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)

اختلاف پیدا کند. آیه شریفه [می گوید]: فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِم إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ بِمَا أَخْلَفُوا اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ؛ [اگر] انسان با عهد خدایی در یک جا وفادار نماند و تعهدی را که پیش خدا کرده عمل نکند، این موجب می شود که «فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ»؛ البته این یک سازوکار کاملاً منطقی هم دارد که حالا وقت نیست من شرح بدهم که چطور می شود یک گناه در یک انسان به نفاق منتهی می شود. از این بالاتر، گاهی اوقات گناه ما و خطای ما و کج روی ما موجب می شود که -پناه بر خدا- به تکذیب ما نزل الله مبتلا بشویم؛ ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ الَّذِينَ أَسَاءُوا السُّوْأَى أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ. راه علاج هم مراقبت است؛ باید مراقبت کنیم؛ باید نظارت کنیم بر خودمان، بر مجموعه مان، انگیزه مان را افزایش بدهیم، کارمان را متراکم تر کنیم، پُرکاری، پرهیز از لغزشگاه ها، خلاصه در یک جمله تقوا؛ تقوا. تقوا -که در ماه رمضان [به عنوان] فلسفه و غایت روزه شناخته شده- به همین معنا است.» (بیانات در دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۵/۳/۲۵)

«گناهانی که انسان انجام می دهد، این تخلف های گوناگون، این کارهایی که ناشی از شهوت رانی و دنیا طلبی و طمع ورزی و حرص ورزیدن به مال دنیا و چسبیدن به مقام دنیا و بخل نسبت به دارایی های موجود در دست آدمی و نیز حسد و حرص و غضب است، به طور قطعی دو اثر در وجود انسان می گذارد: یک اثر، معنوی است که روح را از روحانیت می اندازد، از نورانیت خارج می کند، معنویت را در انسان ضعیف می کند و راه رحمت الهی را بر انسان می بندد؛ اثر دیگر این است که در صحنه مبارزات اجتماعی، آنجایی که حرکت زندگی احتیاج به پشتکار و مقاومت و نشان دادن اقتدار اراده انسان دارد، این گناهان گریبان انسان را می گیرد و اگر عامل دیگری نباشد که این ضعف را جبران کند، انسان را از پا درمی آورد. البته گاهی ممکن است عامل های دیگری مثل یک صفت و یا کار خوب در انسان باشد که جبران کند؛ بحث بر سر آن موارد نیست؛ اما گناه، فی نفسه اثرش این است.» (خطبه های نماز جمعه تهران ۷۵/۱۰/۲۸)

اختلاف

«سرگرمی های سیاسی، طرح مسائل غیر لازم و خیالی، بزرگ کردن مسائل کوچک و در سایه بزرگ کردن آنها، پوشاندن مسائل اصلی کشور، مضر است. مسائل اصلی کشور، مسئله اقتصاد و مسئله علم و ارتقای پایه علمی دانشگاه ها و همان جنبش نرم افزاری است که ما بارها در دانشگاه ها و در دیدار با دانشجویان و اساتید در میان گذاشته ایم؛ همچنین مسئله حفظ روحیه و فرهنگ دینی جوانان است. اینها است که می تواند یک ملت و بخصوص ملت ما را سرپا و مستحکم نگه دارد و توطئه های دشمن را خنثی کند. بنابراین مسئولان اولاً در زمینه های فرهنگی، اقتصادی، علمی و در زمینه مبارزه با مفسدان و مخربان تلاش کنند و کار را وجهه همت خود قرار دهند؛ دوم اینکه اختلافات را کنار بگذارند. این اختلافات و دوگانگی ها برای مصالح کشور و منافع مردم و نیروی مقاومت در مقابل دشمن، زیان بار است.» (در دیدار دانشجویان و دانش آموزان به مناسبت گرامیداشت سالروز سیزده آبان ۱۳۸۱/۸/۱۳)

ترسیدن از خطرات مقاومت

«ایستادگی وسیله پیروزی است، منتها کسانی که مقاومت می کنند، باید از خطرات مقاومت نترسند؛ اگر ترسیدند، در مقاومتشان اختلال پیدا خواهد شد و پیروزی به دست نخواهد آمد و این، آفت اغلب ملّت ها و جماعات است،

مروری بر اندیشه مقاومت از منظر مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)

که وسط راه دچار ترس می‌شوند. اگر آن گروه، ملت و جماعتی که می‌خواهد مقاومت کند، از فقدان لذایذ زندگی، از فقدان حیات و از فقدان راحتی نترسد و ناراحت و آشفته نشود و پیشبرود، بدون تردید مقاومت با پیروزی همراه است. این مقاومت وقتی با ایمان باشد، ادامه پیدا خواهد کرد. لذا می‌گوییم و همیشه گفتیم که ایمان همراه با مقاومت، به دنبالش پیروزی است. مراد ما فقط ایمان دینی هم نیست؛ ایمان به هر اصلی.» (بیانات در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی ۱۳۹۰/۶/۲۶)

وجود مسئولان بزدل

«شجاعت در برابر هیبت دشمن، جزو شاخص‌ها [ای هویت اسلامی] است. در مقابل دشمن اگر مسئولین کشور احساس رعب و خوف بکنند، بر سر ملت بلاهای بزرگ خواهد آمد. آن ملت‌هایی که ذلیل و مقهور دست دشمن شدند، عمده علت این بود که مسئولان - پیشروان قافله ملت - شجاعت لازم، اعتماد به نفس لازم را نداشتند. گاهی در بین آحاد مردم عناصر مؤمن، فعال، فداکار، آماده به جانبازی هستند، منتها مسئولین و رؤسا وقتی خودشان این آمادگی را ندارند، نیروهای آن‌ها هم از بین می‌رود و این ظرفیت هم نابود می‌شود. آن روزی که شهر اصفهان در دوره شاه سلطان حسین مورد غارت قرار گرفت و مردم قتل عام شدند و حکومت باعظمت صفوی نابود شد، خیلی از افراد غیور بودند که حاضر بودند مبارزه و مقاومت کنند؛ اما شاه سلطان حسین ضعیف بود. اگر جمهوری اسلامی دچار شاه سلطان حسین‌ها بشود، دچار مدیران و مسئولانی بشود که جرأت و جسارت ندارند؛ در خود احساس قدرت نمی‌کنند، در مردم خودشان احساس توانائی و قدرت نمی‌کنند، کار جمهوری اسلامی تمام خواهد بود.» (بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت ۱۳۸۷/۰۹/۲۴)

انهزام روحی در مقابل دشمن

«در مقابل دشمن هم نباید دچار انهزام (شکست‌خوردن و از هم پاشیده‌شدن) روحی شد؛... انهزام روحی ضرر دارد؛ هرکسی که در درون خود منهزم شد، در صحنه، قطعاً منهزم خواهد شد. اوّلین شکست هر انسانی، شکست در درون خودش است. احساس کند نمی‌تواند، احساس کند فایده‌ای ندارد، احساس کند طرف خیلی قوی‌تر از او است، احساس کند من که از دستم کاری بر نمی‌آید؛ این انهزام روحی است؛ اگر این انهزام پیدا شد، آن وقت در صحنه، قطعاً شکست خواهیم خورد. این نباید به وجود بیاید؛ مراقب باشیم که این به وجود نیاید.» (در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۵/۳/۶)

خود فراموشی و فراموشی دشمن

«تعبیر دیگری که در قرآن وجود دارد، «نسیان» است که به شکل‌های مختلفی در قرآن کریم آمده است. آن چیزی که بیش از همه تکان‌دهنده است، نسیان نفس است: «و لا تکنونوا کالذین نسوا الله فانسیهم انفسهم»؛ مثل کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند، خدا هم آنها را دچار خودفراموشی کرد. البته در ادبیات سیاسی، خودفراموشی به معنای فراموش کردن هویت خود، چیز خیلی بدی است - قوم و ملتی هویت و تاریخ و فرهنگ و زبان خود را فراموش کنند؛ که نتیجه آن، ذلت و بدبختی

مروری بر اندیشه مقاومت از منظر مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

این قوم خواهد بود - لیکن در ادبیات اخلاقی، اهمیت خودفراموشی، بیشتر است و خطرش حتی سنگینتر از خودفراموشی سیاسی است. معنای نسیان نفس این است که انسان از هویت و هدف وجود و باطن و دل و روح خود غفلت کند و دچار فراموشی شود؛ یعنی تسلیم جریان مادی فاسدی شود که او را با خود می برد تا به منجلاب و باتلاق برساند و برای انسان هیچ مقاومتی در مقابل حرکت بدی و فساد و شر وجود نداشته باشد. «فانسیهم انفسهم» یعنی انسان دچار لابلایگری و وادادگی شود و اصلاً نداند که برای چه آمده است.» (در جمع کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ۱۳۸۰/۹/۲۱)

نشان دادن نشانه‌های تسلیم به دشمن

«علاج کار در مقابل آمریکای ماجراجو و متجاوز چیست؟ یک عده نسخه تسلیم را تجویز می کنند؛ این نسخه کارساز نیست. البته شما جوانان می دانید، هرکس هم که از هویت انسانی مستقل برخوردار باشد، می داند که نشان دادن نشانه‌های تسلیم در مقابل دشمن، به هیچ وجه کارساز نیست. نشانه‌های تسلیم و انقیاد و مرعوب شدن، دشمن را نیرومند می کند؛ به او روحیه می دهد و به او کمک می کند تا بتواند راه خود را در تجاوز ادامه دهد. بنابراین به هیچ وجه نباید تسلیم شد. می شنوید بعضی کسان صحبت می کنند که فرصت‌ها را از دست ندهیم. من نمی دانم مقصود آنها از فرصت چیست؛ فرصتی که در این موقعیت زمانی به هدر می رود، چه فرصتی است؟ فرصت تسلیم شدن در مقابل آمریکا است؟ این فرصت است؟! برای ملت ما این فرصت است که در مقابل دشمنی که با صدای کلفت و با لحن قلدرمآبانه می خواهد سلطه خود را بر او تحمیل کند، تسلیم شود و از مقابل او عقب بنشیند؟! این فرصت است که کسی آن را از دست ندهد؟ یک وقت انسان خودش هست و خودش و مسئولیت خود را به عهده دارد، یا ایستادگی می کند و یا تسلیم می شود؛ اگر تسلیم شد، بدبختی و روسیاهی اش مال خودش خواهد بود و به جای دیگری ضرر نمی رساند؛ اما وقتی انسان مسئول یک بخش است - حتی در بخش‌هایی که از اهمیت زیادی هم برخوردار نیستند، اما کار، اقدام و حرکت فرد می تواند تأثیر داشته باشد - تسلیم شدن به معنای تسلیم کردن کشور و ملت است؛ به معنای مسلط کردن دشمن بر سرنوشت یک ملت است.» (در دیدار جوانان، اساتید، معلمان و دانشجویان دانشگاه‌های استان همدان ۱۳۸۳/۴/۱۷)

بزک دشمنان

«یکی از کارهای آمریکایی‌ها در این سال‌های آخر، این است که کسانی را وادار کنند به بزک کردن چهره آمریکا؛ به اینکه این جور وانمود بکنند که آمریکایی‌ها اگر هم یک روزی دشمن بودند، امروز دیگر دشمنی نمی کنند؛ هدف این است. هدف این است که چهره دشمن برای ملت ایران پنهان بماند تا از دشمنی او غفلت بشود و او بتواند دشمنی خودش را اعمال کند و خنجر را از پشت فرو کند؛ هدف ایناست. یک عده‌ای البته مغرضانه این کار را می کنند، یک عده‌ای هم از روی ساده لوحی این کار را می کنند. واقعیت قضیه این است که اهداف آمریکا نسبت به جمهوری اسلامی هیچ تغییر نکرده است؛ هیچ تغییر نکرده. امروز هم اگر بتوانند جمهوری اسلامی را نابود کنند، یک لحظه تأمل نمی کنند؛ منتها نمی توانند و ان شاء الله با همت شما جوانان، با پیشرفت شما جوانان، با گسترش و عمق بصیرت ملت ایران، در آینده هم نخواهند توانست این کار را بکنند.» (در دیدار دانش آموزان و دانشجویان ۱۳۹۴/۸/۱۲)

بخش چهارم؛ اقدامات دشمن برای شکستن مقاومت

جنگ سخت

«دشمن چند جور حمله می‌کند: یک جور حمله‌های سخت است؛ جنگ سخت. این را دشمن تجربه کرد و شکست خورد. جنگ هشت ساله‌ای که علیه ما به راه افتاد، از این قبیل بود؛ جنگ بین المللی بود؛ یکی به صدآم ابزار شیمیایی داد، یکی هواپیمای میگ داد، یکی هواپیمای میراژ داد، یکی امکانات ضد هوایی داد، یکی نقشه‌های جنگی داد؛ حتی نقشه‌های جنگی و ساخت سنگرها هم با کمک دیگران بود. اینها همه کمکش کردند که بلکه این جنگ را او ببرد؛ و نتوانست. حمله سخت یک نمونه اش جنگ هشت ساله است. یک نمونه، شورشهای قومی است که در کشور - در همه مرزهای کشور - راه انداختند که یادتان هست که همه جا جنگ راه انداختند و شورش راه انداختند؛ [دشمن] نتوانست فائق بیاید. اینها جنگ سخت بود. کارهای تروریستی را، جریان‌های تروریستی را یا فعال کردند یا به وجود آوردند؛ آمریکا به سگوی نفتی حمله کرد؛ آمریکا هواپیمای مسافری را ساقط کرد؛ هرچه توانستند کردند؛ اینها جنگ سخت است.» (در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۵/۳/۶)

جنگ نرم

«امروز هدف جنگ نرم دشمن و جنگ پنهان دشمن، این است که مردم را از عرصه جهاد و مقاومت دور کند، مردم را نسبت به آرمان‌هایی تفاوت کند؛ هدفشان این است. تبلیغات وسیعی که میلیاردها دارند خرجش می‌کنند، با این هدف انجام می‌گیرد که ملت ایران را - که با مقاومت خود، با ایستادگی خود توانسته قدرت‌های جهانی را، سلطه‌های بزرگ را در بسیاری از خواسته‌هایشان ناکام بگذارد - مایوس کنند و از صحنه خارج کنند؛ هدف این است. حتی اگر فشار اقتصادی هم می‌آورند، هدف این است؛ اگر فشار سیاسی هم می‌آورند، هدف این است؛ اگر فشار امنیتی هم می‌آورند، هدف این است. اینکه ما خیال کنیم دشمن یک جنگی را می‌خواهد شروع کند و یک بخشی از کشور را تصرف کند، اینها یک چیزهای قدیمی‌ای است؛ امروز اینها مطرح نیست و دشمن این را نمی‌خواهد. امروز دشمن اگر هم به فرض، یک کار نظامی را انجام می‌دهد، با آن هدف است؛ با هدف تصرف فضای فکری و روحی کشور است.» (در دیدار اعضای ستادهای برگزاری کنگره شهدای استانهای کهگیلویه و بویراحمد و خراسان شمالی ۱۳۹۵/۷/۵)

بنابراین با توجه به بیانات آیت‌الله خامنه‌ای جنگ نرم دارای عرصه‌های مختلفی است که برخی از آنها در ادامه می‌آید.

نفوذ

«امروز نفوذ دشمن یکی از تهدیدهای بزرگ است برای این کشور؛ دنبال نفوذند. نفوذ یعنی چه؟ نفوذ اقتصادی ممکن است، که البته کم اهمیت‌ترین آن نفوذ اقتصادی است؛ و ممکن است که جزو کم اهمیت‌ترین [هم] نفوذ امنیتی باشد. نفوذ امنیتی چیز کوچکی نیست اما در مقابل نفوذ فکری و فرهنگی و سیاسی، کم اهمیت است. نفوذ امنیتی عوامل خودش را دارد، مسئولین گوناگون - از جمله خود سپاه - جلوی نفوذ امنیتی دشمن را با کمال قدرت ان شاءالله می‌گیرند. در زمینه‌های اقتصادی، چشم‌های بینای مسئولین اقتصادی بایستی باز باشد و مواظب باشند که [دشمنان] نفوذ اقتصادی

مروری بر اندیشه مقاومت از منظر مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

پیدا نکنند؛ چون نفوذ دشمن پایه اقتصاد محکم را متزلزل می‌کند. آنچه‌هایی که نفوذ اقتصادی کردند، آنچه‌هایی که توانستند خودشان را بر اقتصاد کشورها و ملت‌ها مثل یک بختکی سوار بکنند، پدر آن کشورها درآمد... اما در قبال اقتصاد فرهنگی، اقتصاد سیاسی، نفوذ سیاسی و نفوذ فرهنگی اهمیتش، کمتر است و از همه مهم‌تر، نفوذ سیاسی و نفوذ فرهنگی است. دشمن سعی می‌کند در زمینه فرهنگی، باورهای جامعه را دگرگون کند؛ و آن باورهایی را که توانسته این جامعه را سرپا نگه دارد جابه‌جا کند، خدشه در آنها وارد کند، اختلال و رخنه در آنها به وجود بیاورد. خرج‌ها می‌کنند؛ میلیاردها خرج می‌کنند برای این مقصود. این رخنه و نفوذ فرهنگی است. نفوذ سیاسی هم این است که در مراکز تصمیم‌گیری، و اگر نشد تصمیم‌سازی، نفوذ بکنند. وقتی دستگاه‌های سیاسی و دستگاه‌های مدیریتی یک کشور تحت تأثیر دشمنان مستکبر قرار گرفت، آن وقت همه تصمیم‌گیری‌ها در این کشور برطبق خواست و میل و اراده مستکبرین انجام خواهد گرفت؛ یعنی مجبور می‌شوند. وقتی یک کشوری تحت نفوذ سیاسی قرار گرفت، حرکت آن کشور، جهت‌گیری آن کشور در دستگاه‌های مدیریتی، برطبق اراده آنها است؛ آنها هم همین را می‌خواهند... نباید گذاشت این فکر و این امید شیطانی در دل دشمن پابگیرد؛ باید آن چنان پایه‌های انقلاب و فکر انقلابی در اینجا مستحکم باشد که مردن و زنده بودن این و آن و زید و عمرو، تأثیری در حرکت انقلابی این کشور نگذارد؛ این وظیفه‌ی اساسی نخبگان سپاه و همه نخبگان انقلابی این کشور است.» (در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۱۳۹۴/۶/۲۵)

«معنای نفوذی این نیست که حتماً رفته باشد پول گرفته باشد برای اینکه بیاید در فلان دستگاه نفوذ کند و خودش هم بداند چه کار دارد می‌کند؛ نه، گاهی نفوذی، نفوذی است، خودش هم نمی‌داند! امام (رضوان الله علیه) فرمودند گاهی حرف دشمن با چند واسطه از دهان مردمان موجه شنیده می‌شود. امام هوشیار بود، امام مجرب بود. دشمن یک چیزی می‌گوید، یک چیزی می‌خواهد، این را با وسایل گوناگونی، با چند واسطه کاری می‌کند که از زبان فلان آدم موجه که نه پولی از دشمن گرفته، نه تعهدی به دشمن داده، بیرون بیاید.» (در دیدار مردم نجف آباد ۱۳۹۴/۱۲/۵)

«مسئولان آماج این نفوذند؛ برای چه؟ هدف چیست؟ هدف این است که محاسبات مسئولان را عوض کنند و تغییر بدهند؛ یعنی مسئول جمهوری اسلامی به این نتیجه برسد که با ملاحظه هزینه و فایده احساس کند که باید این اقدام را بکند، این اقدام را نکند؛ نفوذ برای این است که این نتیجه برسد که فلان رابطه را قطع کند، فلان رابطه را ایجاد کند؛ نفوذ برای این است که این محاسبات در ذهن مسئولین عوض بشود. آن وقت، وقتی نتیجه این بشود که فکر مسئولین و اراده مسئولین در مشت دشمن قرار بگیرد، دیگر لازم نیست دشمن بیاید دخالت مستقیم بکند؛ نه، مسئول کشور همان تصمیمی را می‌گیرد که او می‌خواهد.» (در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۴/۱۲/۲۰)

مروری بر اندیشه مقاومت از منظر مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

تبلیغات رسانه‌ای

کار دومی که آنها می‌خواهند تحقق پیدا کند، این است که دل بستگی‌ها و انگیزه‌های اساسی ای که می‌تواند این ملت را مقاوم و به صورت یکپارچه در مقابل آنها نگه‌دارد، ضعیف کنند؛ باورها را برگردانند، ایمان‌ها را عوض کنند، امیدها را کور کنند و آینده و افق را تیره و تاریک و مبهم جلوه دهند. ابزار کار آنها هم رسانه است. رسانه‌ها در دنیا خیلی قدرت دارند و به نفع صاحبان خود، کارهای خیلی بزرگی را انجام می‌دهند. بدانید و می‌دانید که مهم‌ترین رسانه‌های دنیا - چه خبرگزاری‌ها، چه رادیو و تلویزیون‌ها، چه روزنامه‌های بزرگ - متعلق به سرمایه‌داران است؛ یعنی همان پایه‌های اصلی استکبار جهانی. در خبرهایی که در دنیا پخش می‌کنند، همه چیز بر طبق منافع و مصالح آنها تنظیم می‌شود. بنابراین، این هم یک خواسته است که مردم و جوانان را از جان مایه امید و توان و تلاشی که آنها را در مقابل دشمن متجاوز و متعرض نگه می‌دارد، تهی دست کنند. (در دیدار دانشجویان و دانش‌آموزان به مناسبت گرامیداشت سالروز سیزده آبان ۱۳۸۱/۸/۱۳)

«امروز دنیا بر مدار جنگ تبلیغاتی و رسانه‌ای و در واقع بر مدار جنگ جبهه‌های خبری و دستگاه‌های تولیدکننده پیام می‌گردد. نه اینکه در گذشته، جهان‌گیران و جهان‌خواهان و جهان‌خواران از نقش پیام و تبلیغ غافل بودند؛ آن وقت هم توجه بود و اقدام می‌شد؛ اما امروز امکانات فراوان شده و پیشرفت دانش در این زمینه کارهای شگفت‌آور و حیرت‌انگیزی انجام می‌دهد. لذا شما می‌بینید مراکز استکباری و قدرت‌طلب دنیا بر روی نقش پیام کار می‌کنند؛ یعنی حقیقتاً سرمایه‌گذاری می‌کنند و در واقع به جای اینکه برای تصرف یک صحنه پول خرج کنند یا نیروی نظامی بسیج کنند، کاری می‌کنند که عوامل موجود در آن صحنه به سود آنها کار کنند.» (در دیدار مدیران صداوسیما ۱۳۸۱/۱۱/۱۵)

«آنچه که امروز دستگاه استعماری آمریکا و اذتاب او و سایر دشمنان اسلام و انقلاب به دنبال آن هستند، این است که چهره مقاومت ملت ایران را در سطح جهان مخدوش کنند. مردم دنیا از مقاومت شما امیدوار شدند؛ چون دیدند شما ایستادگی کردید و در مقابل فشار زانو نزدید. اگر دشمن بخواهد امید را از مردم دنیا بگیرد، چه کار باید کند؟ باید به مردم دنیا وانمود کند که ملت ایران نتوانستند پایداری کنند و مقاومتشان تمام شد. اگر العیاذبالله آمریکا و تبلیغات غرب و استکبار بتوانند این حرف را در دنیا به کرسی بنشانند که ملت ایران هم با این همه ادعا و هیاهو، بالاخره نتوانست طاقت بیاورد و به زانو درآمد، در این صورت به مقصود خود رسیده‌اند و در نتیجه همان امیدی که در دل‌های مسلمان‌ها و ملت‌ها و مستضعفان به وجود آمده بود، به یأس مبدل خواهد شد. اگر به تبلیغات استکباری و آمریکایی و غربی و صهیونیستی نگاه کنید، خواهید دید که تمام کارهای آنها، روی همین یک نقطه متمرکز است. به عبارت دیگر، هر چیزی که نشان دهنده امید و مقاومت ملت ایران است، آن را منعکس نمی‌کنند.» (در دیدار با مسئولان و کارکنان وزارتخانه‌های بازرگانی، کشاورزی، اطلاعات، پست و تلگراف و تلفن، مسئولان بنیاد شهید، بنیاد مستضعفان و جانبازان، بنیاد مسکن، مسئولان عقیدتی-سیاسی و فرماندهان نواحی ژاندارمری سراسر کشور ۱۳۶۸/۱۲/۲۲)

مروری بر اندیشه مقاومت از منظر مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)

تهاجم فرهنگی برای خارج کردن مردم و بویژه جوانان از جبهه ی مقاومت

«هر حرکتی که منجر به این بشود که نسل جوان احساس کند باید از صحنه مقاومت کناره بگیرد، این حرکت، با واسطه یا بی واسطه، مربوط به آمریکا و نظام استکباری است. این یک معیار کلی است. هر کاری که در کشورهای دیگر کردند، اینجا هم می‌خواهند بکنند: سرگرم کردن جوانان به مسائل جنسی، سرگرم کردن جوانان به مسائل شخصی، آلوده کردن جوانان به مواد مخدر و مسکر، منحرف کردن ذهن جوانان از آرمان‌های انقلابی و اهداف اصلی، متوجه کردن آنها به اهداف کوچک و جزئی و صنفی و امثال اینها، متزلزل کردن ایمان نسل جوان به اسلام، متزلزل کردن ایمان نسل جوان به اصول انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی و حتی به امام، و نیز هر چیزی که در راه این مبارزه عظیم به کار گرفته می‌شود و وجودش لازم است، آن را در چشم نسل جوان، بی‌رنگ و بی‌اثر و بی‌فایده و مهمل جلوه دادن. اگر شما جایی چیزی در این مضمون‌ها دیدید، در کتابی خواندید، در رمان ترجمه شده یا نوشته شده‌ای مطالعه کردید، در مقاله ترجمه شده‌ای یا در شعر و یا در فلسفه بافی‌ای مشاهده کردید، حتی در تظاهرات به اصطلاح جسورانه و پُرخشمی چیزی از این قبیل دیدید، آن را متهم کنید؛ بدانید که تصادفی نیست؛ بدانید که آمریکا از شما می‌ترسد؛ بدانید که بزرگ‌ترین پست‌های استکبار عالمی، از حضور شما در صحنه، احساس ناامنی می‌کند.» (در دیدار با گروه کثیری از دانشجویان و دانش آموزان، به مناسبت سیزدهم آبان ماه ۱۳۷۰/۸/۱۵)

«من که می‌گویم تهاجم فرهنگی، عده‌ای خیال می‌کنند مراد من این است که مثلاً پسری موهایش را تا اینجا بلند کند؛ خیال می‌کنند بنده باموی بلند تا اینجا مخالفم. مسئله تهاجم فرهنگی این نیست. البته بی‌بندوباری و فساد هم یکی از شاخه‌های تهاجم فرهنگی است؛ تهاجم فرهنگی بزرگ‌تر این است که اینها در طول سال‌های متمادی به مغز ایرانی و باور ایرانی تزریق کردند که تو نمی‌توانی؛ باید دنباله رو غرب و اروپا باشی. نمی‌گذارند خودمان را باور کنیم. الان شما اگر در علوم انسانی، در علوم طبیعی، در فیزیک و در ریاضی و غیره یکنظریه علمی داشته باشید، چنانچه برخلاف نظریات رایج و نوشته شده دنیا باشد، عده‌ای می‌ایستند و می‌گویند حرف شما در اقتصاد، مخالف با نظریه فلانی است؛ حرف شما در روان‌شناسی، مخالف با نظریه فلانی است. یعنی آن طوری که مؤمنین نسبت به قرآن و کلام خدا و وحی الهی اعتقاد دارند، اینها به نظرات فلان دانشمند اروپایی همان اندازه یا بیشتر اعتقاد دارند! جالب اینجا است که آن نظریات کهنه و منسوخ می‌شود و جایش نظریات جدیدی می‌آید؛ اما اینها همان نظریات پنجاه سال پیش را به عنوان یک متن مقدس و یک دین در دست می‌گیرند!» (در دیدار جوانان، اساتید، معلمان و دانشجویان دانشگاه‌های استان همدان ۱۳۸۳/۴/۱۷)

مروری بر اندیشه مقاومت از منظر مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)

سوءاستفاده از مذاکره

«دنیای سیاسی - مثل سازمان ملل و امثال آن - با ما چه کرد؟ دنیا از همه طرف فشار آورد که بنشینید با عراق مذاکره کنید و جنگ و مقاومت را متوقف سازید. این یکی از نقاط عبرت است؛ جوانان ما روی این نقاط خیلی تکیه کنند. ما دولت تازه کاری داشتیم که دو سال روی کار آمده و با چنین حمله سنگینی مواجه شده بود و دشمن در هزاران کیلومتر زمین ما، از جنوبی‌ترین نقطه تا شمالی‌ترین نقطه ی همسایگی با عراق، مستقر شده بود؛ اما در این حال به ما می‌گفتند بیاید مذاکره کنید! مذاکره از موضع ضعف و ذلت و همراه با دست پُر حریف در چانه زنی. آن روز اگر مذاکره صورت می‌گرفت - که یک عده از سیاسیون، همان روز به امام فشار می‌آوردند که بنشینید مذاکره کنید... آن روز عده‌ای، از جمله همان روسیاهان فراری از کشور که امروز به دامن آمریکا و اروپا و جاهای دیگر پناه برده‌اند، از طریق محافل سیاسی و روزنامه‌ها و رادیو و تلویزیون - که در دست آنها بود - مرتب فشار می‌آوردند که امام باید مذاکره کند. هیئت‌های بین‌المللی هم مرتب به ایران می‌آمدند و می‌گفتند مذاکره کنید. امام با الهام از همان بینش روشن، ایمان راسخ، توکل به خدا و قدرت اراده ایستاد و گفت اگر ما توانستیم سرزمین‌های خود را پس بگیریم، آنگاه وقت مذاکره است؛ امروز وقت مذاکره نیست؛ عملاً هم همین طور شد.» (در دیدار اқشار مختلف مردم به مناسبت سالروز آزادی خرمشهر ۱۳۸۳/۳/۱)

حمله به اصول

«در جهاد فلسطین و در جهاد دنیای اسلام، شرط اصلی موفقیت، پای فشردن بر اصول است. دشمن همواره ربودن اصول را هدف می‌گیرد و با خدعه و وعده و تهدید، بر چشم پوشیدن از آن اصرار می‌ورزد. با حذف یا کم رنگ شدن اصول، دنیای اسلام شاخص‌های راهنما را گم می‌کند و محکوم قواعدی می‌شود که دشمن آن را تعیین کرده است و نتیجه معلوم است.» (در سومین کنفرانس بین‌المللی قدس و حمایت از حقوق مردم فلسطین ۱۳۸۵/۱/۲۵)

«دشمن سه هدف مرحله‌ای و مقطعی را تعقیب می‌کند. اول، عبارت است از تخریب وحدت ملی؛ یکپارچگی ملت ایران را بشکنند و تخریب کنند. دوم، تخریب ایمان و باورهای کارساز در دل مردم؛ یعنی به تخریب ایمان‌ها و باورها و اعتقاداتی که این ملت را از یک ملت عقب افتاده توسری خور، به یک ملت پیشرو و شجاع و میدان‌دار در دنیا تبدیل کرد، پردازند. این حرکت، با اعتقادات و باورهایی انجام گرفت؛ بدون این باورها که انسان حرکت نمی‌کرد و این ملت پیش نمی‌رفت. دشمن می‌خواهد این باورها را در ذهن ملت ما تخریب کند. سوم، تخریب روح امید و تخریب آینده در ذهن مردم. پس، سه تخریب، موردنظر دشمن است: تخریب وحدت ملی، تخریب باورهای کارساز و مقاومت بخش، و تخریب روح امید. اسم این تخریب‌ها را هم «اصلاح» می‌گذارند! من کاری به این دوستان و خودی‌های غافل ندارم؛ بحث من بر سر دشمن است که سلسله جنیان این حرکت، به بیرون از این مرزها مربوط است. در داخل مرزها هم کسانی که اساس کار دست آنها است، جزو دشمنانند.» (خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۷۸/۹/۲۶)

مروری بر اندیشه مقاومت از منظر مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)

ترویج ابتدال

«امروز یکی از سیاست‌های دشمن، ترویج ابتدال است. با این سیاست استکبار مبارزه کنید. همین طور که آنها تحریم اقتصادی را برنامه‌ریزی می‌کنند، همین طور ترویج ابتدال را برنامه‌ریزی می‌کنند - این ادعای شعارگونه نیست؛ این ناشی از اطلاعات است؛ ما اطلاع داریم - می‌نشینند طراح می‌کنند، برنامه‌ریزی می‌کنند؛ می‌گویند برای شکستن مقاومت جمهوری اسلامی، باید بین جوان‌ها ترویج ابتدال کرد؛ یعنی به قضایا ماهیت سیاسی می‌دهند. خوب، با این بایستی مواجهه کرد، مقابله کرد؛ البته مقابله صحیح، که این یک نوع ایستادگی بسیار ارجمند در مواجهه با نقشه‌های استکبار است.» (در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۰/۵/۱۹)

ایجاد اختلاف و تفرقه

«امروز که به برکت بیداری اسلامی، ملت‌های مسلمان دشمنی جبهه استکبار و صهیونیسم را به درستی شناخته و در برابر آن موضع گرفته‌اند، سیاست تفرقه افکنی میان مسلمانان شدت بیشتری یافته است. دشمن مکار بر آن است که با فروختن آتش جنگ‌های خانگی میان مسلمانان، انگیزه‌های مقاومت و مجاهدت را در آنان به انحراف کشانده، رژیم صهیونیستی و کارگزاران استکبار را که دشمنان حقیقی‌اند، در حاشیه امن قرار دهد. راه اندازی گروه‌های تروریستی تکفیری و امثال آن در کشورهای منطقه غرب آسیا ناشی از این سیاست غدارانه است. این هشدار به همه ما است که مسئله اتحاد مسلمین را امروز در صدر وظایف ملی و بین المللی خود بشماریم.» (پیام به حجّاج بیت الله الحرام ۱۳۹۳/۷/۸)

«با ایجاد اختلاف و دلسردی و ناامیدی و خدای نکرده با خریدن بعضی‌ها، عزم دولتمردان را برای اقدامات اساسی و سازنده در کشور متزلزل کنند و نگذارند دولت ایران - که یک دولت اسلامی است و پرچم اسلام را بلند کرده است - به مطالبات حقیقی و به حق مردم رسیدگی کند. نظامی که می‌خواهد سلطه خود را در کشور ما مثل گذشته دومرتبه برقرار کند و پنجه خود را در جسم این ملت فرو ببرد، این یکی از کارهای لازم برای او است. اگر در این کار موفق شوند، نتیجه این خواهد شد که مردم را از نظام اسلامی دلسرد کنند؛ لذا می‌بینید در تبلیغات رسانه‌ای بسیار وسیع خود، به طور دائم تبلیغ می‌کنند که مردم به خواسته‌های خود نرسیدند و ناراضی و دلسردند.» (در دیدار دانشجویان و دانش آموزان به مناسبت گرامیداشت سالروز سیزده آبان ۱۳۸۱/۸/۱۳)

«یکی دیگر از کارها و آرزوهایی که آنها دنبال می‌کنند، این است که وحدت ملی و وحدت بین مسئولان را از بین ببرند؛ آحاد و گروه‌های مردم را با نام‌های مختلف از هم جدا کنند و میان آنها دیوار بکشند؛ بین جمعیت عظیم ملت ایران، دیوارهای بلند قومی، مذهبی، حزبی، سیاسی و بحث‌های مجادله آمیز بکشند و وحدت و یکپارچگی را محو سازند. انقلاب اسلامی آمد دیوارها را برداشت و ملت را یکپارچه کرد؛ اما اینها درست عکس آن را دنبال می‌کنند. با طرح مسائل انحرافی، از طرف دیگر وحدت مسئولان کشور را از بین ببرند؛ بین آنها دائم اختلاف بیندازند؛ یکی را تضعیف و یکی دیگر را تقویت کنند.» (در دیدار دانشجویان و دانش آموزان به مناسبت گرامیداشت سالروز سیزده آبان ۱۳۸۱/۸/۱۳)

بخش پنجم؛ عرصه‌های مقاومت

در این بخش به برخی از عرصه‌های مقاومت در ایران اسلامی و برخی از نقاط دنیا اشاره می‌شود. بیان این مثال‌ها در بیانات رهبر حکیم انقلاب اسلامی اثباتی بر حقانیت نظریه مقاومت دارد.

جنگ تحمیلی

جنگ ایران و عراق جنگی بود که در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ با تهاجم عراق به ایران آغاز و به یک جنگ تمام عیار تبدیل شد و تا قبول قطعنامه ۵۹۸ توسط ایران در ۲۷ تیرماه ۱۳۶۷ بطول انجامید.

جنگ تحمیلی از جمله وقایعی بود که تمام دشمنان ملت ایران دست در دست هم علیه ایران اسلامی متحد شدند. ملت ایران در راه مقاومت و ایستادگی در مقابل دستاوردهای انقلاب اسلامی هزینه‌های زیادی داده است که یکی از آنها همین جنگ تحمیلی است. تلاش و ایستادگی مردم توانست این انقلاب را به ثمر برساند و همین مقاومت در جنگ تحمیلی باعث پیروزی و سربلندی ایران عزیز شد. از نگاه مقام معظم رهبری راه علاج مسائل و مشکلات جهان اسلام مقاومت است. ایشان در بخشی از سخنان خود جنگ تحمیلی را به عنوان مثالی برای پیروزی مقاومت در مقابل نظام ستمگر می‌داند. (رک: بیانات در اجتماع بزرگ عزاداران در صحن مطهر امام خمینی (ره) ۱۳۷۹/۳/۱۴)

ایمان راسخ مردم ایران در دفاع از کشور و اسلام، به ویژه ایمان جوانانی که در صحنه جهاد بودند از جمله دلایل پیروزی در دفاع مقدس شد. عاملی که ملت را می‌تواند در تمام صحنه‌ها نگه دارد همین ایمان بود که در توفان‌های حوادث خود را نشان داده است. آرمان‌های اخلاقی و اسلامی و معنوی بود که به ملت ایران در مقابل رژیم بعث عراق نیروبخشی می‌کرد. در زمانی که نیروهای مسلح ایران از کمترین امکاناتی برخوردار بودند و دشمن تا بن دندان مسلح بود، عده‌ای نیز همواره در حال خواندن آیه‌های یاس بودند، ملت ایران با تکیه بر همین ایمان توانست به پیروی دست یابد.

در این نبرد ظالمانه مردم ایران احساس کردند که می‌توانند نقشه‌های دشمن را با مقاومت خشی کنند. همین احساس نیز منجر به شکست دشمن شد. در جنگی که تمام مراکز قدرت علیه ایران بود، مردم، غریبانه و تنها در مقابل آنها ایستادگی کردند و در نهایت نیز توانستند با کمک خدای متعال بر دشمن غلبه کنند. شهدا و جانبازان و تمام کسانی که در این نبرد جانفشانی کردند با کمک نیروی اخلاص و غلبه بر هوای نفس، مقاومت را در درون خود تقویت کردند.

یکی از دلایلی که باعث تهاجم همه‌جانبه در هشت سال دفاع مقدس شد، این بود که دشمن از داخل ایران احساس ضعف دریافت کرد. دلیل اینکه دشمن بعثی ادعا می‌کرد چند روزه تا تهران خواهد آمد احساس ضعف و نشان دادن ضعف از داخل ایران بود. چنانچه ایران نقاط قدرت خود را آشکار می‌کرد و توانایی خود را نشان می‌داد این احساس ضعف به خارج رسوخ نمی‌کرد و دشمن در مقابل جمهوری اسلامی جسور نمی‌شد. قاعده کلی که در مسئله مقاومت از دید مقام معظم رهبری می‌توان استخراج کرد این است که بروز ضعف و نشان دادن ضعف، دشمن را جسور می‌کند؛ چه این احساس ضعف در مسائل نظامی باشد و چه در مسائل اقتصادی و سیاسی.

مروری بر اندیشه مقاومت از منظر مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

در مسئله مقاومت در جنگ تحمیلی مسئله بسیار مهمی که نباید از آن غافل بود، اتفاق شوروی و آمریکا علیه ملت ایران بود. اگرچه هر دو با هم دشمن بودند ولی در از بین بردن انقلاب اسلامی با یکدیگر متحد و هم پیمان بودند. تحریم‌هایی که دولت‌های غربی علیه ایران انجام دادند تا بتوانند فشار داخلی را بر حاکمیت و جمهوری اسلامی زیاد کنند و کمر مردم مظلوم و مقاوم ایران را بشکنند خود نمایان کننده حجم درنده‌خویی آنهاست. ایران در این دوران به شدت مورد تحریم قرار گرفت که برخی از این موارد به شرح زیر است:

تحریم تسلیحاتی؛ تحریم «قطع جریان هرگونه کمک به عملیات»

تحریم قطعات یدکی

تحریم واردات نفت

تحریم واردات کالاهای شیمیایی و صنعتی

تحریم تجهیزات دریایی و هوایی

تحریم تأمین منابع مالی

تحریم‌ها به قدری شدید بود که حتی نیروهای نظامی برای تهیه سیم‌خاردار نیز دچار مشکل شده بودند چه رسد به تجهیزات و تسلیحات دفاعی و هجومی لازم.

از طرفی نیز با نگاهی به حجم تسلیحات عراق و ایران که در پایگاه اطلاع‌رسانی ارتش جمهوری اسلامی ایران موجود است می‌توان به قدرت نظامی عراق و تجهیزات مدرنی که دول غربی و شرقی در اختیار آنها قرار داده بودند پی برد. به عنوان مثال تعداد هواپیماهای ایران در این نبرد ۲۰۰ عدد و عراق ۶۱۰ عدد منهای هواپیماهای آمریکایی و اروپایی که در ناوهای منطقه به رژیم بعثی کمک می‌کردند. همچنین ایران دارای ۱۰۵۰ تانک و خودروی زرهی بود و عراق ۶۲۳۰. حامیان مالی رژیم بعث عراق نیز دولت‌های مرتجع منطقه بودند که حدود ۵۰ میلیارد دلار در مجموع به این کشور کمک کردند. فروش تجهیزات و تسلیحات نظامی توسط کشورهای دنیا به عراق به قدری زیاد بود که ذکر لیست آنها در این جزوه نمی‌گنجد. به عنوان مثال کشورهایمانند آمریکا، شوروی، انگلیس، فرانسه، آلمان، کانادا، اتریش، هلند، بلژیک، سوئیس، چین و... در تجهیز صدام همکاری داشتند.

در سال ۱۳۵۸ عراق یک میلیارد و ۱۲۲ میلیون دلار و در سال ۱۳۵۹ بیش از یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار برای خرید اسلحه پرداخت. تا سال ۱۳۵۸ حدود ۱۲۰۰ مستشار روسی و اروپای شرقی و ۱۵۰ مستشار کوبایی در ارتش عراق خدمت می‌کردند و در حدود پنج هزار افسر عراقی در اتحاد شوروی آموزش می‌دیدند.

علاوه بر این تقدیم سلاح‌های شیمیایی و امکانات ساخت آن توسط کشورهایمانند آلمان، فرانسه و انگلیس به شخصی مثل صدام نیز باید به این حمایت‌های ظالمانه اضافه شود. تمام اینها درحالی بود که ایران از هرگونه دستیابی به تجهیزات متعارف محروم بود.

مروری بر اندیشه مقاومت از منظر مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

بنابراین کشوری که به تازگی از زیر آوارهای دیکتاتوری پهلوی خارج شده بود در مواجهه با یک جنگ تمام عیار قرار گرفت که هدف آن به زانو درآوردن امام خمینی (ره) و ملت عزیز ایران بود؛ اما آنچه که در عمل اتفاق افتاد تأسی به سیره سیدالشهدا (ع) بود؛ یعنی استقامت و ایستادگی تا پای جان. همین الگوپذیری از قیام عاشورا باعث شکست‌ناپذیری رهبر کبیر انقلاب اسلامی و ملت شریف ایران نیز شد. شجاعتی که امام راحل (ره) و مردم شریف ایران در این جنگ تمام عیار از خود نشان دادند بینی استکبار را به خاک مالید و در نهایت موجب پیروزی ملت ایران شد. ملت ایران در طول هشت‌سال به خوبی به این تجربه دست پیدا کردند که مقاومت با ایمان و شجاعت در مقابل تمام امکانات و حمایت‌های دنیا در نهایت پیروز خواهد شد.

آنچه که از تجربه جنگ تحمیلی به دست می‌آید نشان دهنده پیروزی مطلق مقاومت در مقابل هر قدرتی است. جنگ هشت‌ساله معدنی از تجربیات ناب است که می‌تواند در هر دوره و در کنار هر مشکلی در جامعه آنرا یادآوری کرد. یادآوری مقاومت مردان و زنان ایران عزیز که با فدای جان‌های خود، شرف، خاک، آزادی و استقلال خود را حفظ کردند. انتقال این تجربیات و فداکاری‌ها می‌تواند نقشه راهی برای نسل‌های آینده باشد.

قیام رئیس علی دلواری

رئیس‌علی دلواری از رهبران قیام مردم جنوب ایران علیه دولت بریتانیا پس از اشغال بوشهر در میانه جنگ جهانی اول بود. وی در دوران مشروطه از طرفداران مشروطه بود و پس از به توپ بستن مجلس توسط محمدعلی شاه به دستور سید مرتضی مجتهد اهرمی رهبر روحانی این نهضت در بوشهر، این شهر را تصرف کرد. در کشاکش جنگ جهانی اول، نیروهای انگلیسی شهر بوشهر را اشغال کردند. علمای بوشهر فتوای جهاد علیه نیروهای انگلیسی دادند. رئیس‌علی به همراه گروه‌های دیگری از تنگستانی‌ها، با نیروهای انگلیسی جنگید. حملات آن‌ها، شب‌هنگام و به صورت شبیخون بود و تلفات بسیاری به نیروهای انگلیسی‌ها وارد کرد. رئیس‌علی دلواری در ۱۲ شهریور ۱۲۹۴ش، به‌دست یکی از همراهانش و با دسیسه انگلیس کشته شد. سالروز شهادت او به عنوان روز ملی مبارزه با استعمار انگلیس نام‌گذاری شده است.

این شخصیت شجاع، مومن و وطن‌پرست به اندازه‌ای مهم و الگودهنده است که مقام معظم رهبری در یکی از سخنرانی‌های خود با اشاره به تلاش برای پنهان کردن نام این شخصیت، بعد از انقلاب وی را ستایش می‌کنند و می‌فرمایند: «خدا را شاکریم که بعد از پیروزی انقلاب، این نامی که سعی می‌شد پنهان بماند و این چهره ناشناخته بماند، بر سر زبان‌ها افتاد؛ او را شناختند، شخصیت او را ستودند، مظلومیت و شهادت مظلومانه او را همه دانستند و فهمیدند.» (در دیدار مردم بوشهر در روز میلاد امام علی (ع) ۱۳۸۹/۴/۵)

مروری بر اندیشه مقاومت از منظر مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

نیروهای کم تعداد رئیس علی دلواری در مقابل پنج هزار نیروی انگلیسی توانست دوام آورد. مردم شجاع منطقه با رشادت توانستند تلفات بسیار سنگینی از نیروهای دریایی انگلیسی بگیرند. این امر علاوه بر ایجاد روحیه در بین مردم به شکست‌پذیر بودن استکبار و کاهش وحشت از انگلیسی‌ها کار را برای نفوذ نظامی انگلیس بسیار سخت کرد؛ به طوری که برای پشتیبانی از نیروهای اشغالی خود مجبور شدند از نیروهای کمکی در عراق و هند کمک بگیرند.

انگلیسی‌ها پس از اشغال بوشهر در ۱۲۹۴ش، به روستای «دلواری» نیز حمله کردند. اما پیش از حمله آنان، مردم، روستا را خالی کرده بودند. انگلیسی‌ها نیز به ویران ساختن خانه‌ها و قطع نخل‌ها پرداختند. رییس علی به همراه دیگر تنگستانی‌ها، شب‌ها به نیروهای انگلیسی شبیخون می‌زدند و با هر شبیخون تلفات بسیاری به آنان وارد می‌کردند. «شیخ حسین خان چاه کوتاهی» معروف به «سالار اسلام» و «زائر خضرخان آهرمی» از جمله خان‌هایی بودند که علیه انگلیسی‌ها قیام کردند. این قیام نیز به خوبی در حافظه تاریخی مردم ثبت است که با دستانی خالی در مقابل لشکری پیشرفته و مجهز در زمان خود توانستند بایستند و مقاومت کنند.

قیام لارستان

از جمله تجربیات ملی و مذهبی که برای بسیاری از جوانان و نوجوانان و مردم ما ناشناخته است، قیام بزرگ و شجاعانه مردم لارستان به رهبری آیت‌الله سیدعبدالحسین لاری است. رهبری عالم و مجتهدی شجاع که توانست قیامی را علیه حکومت ظلم و جور قاجار از یک سو و مقاومت و ایستادگی در مقابل مهاجمان خارجی روس و انگلیس از سوی دیگر رهبری کند. این عالم محبوب و بانفوذ در نامه‌ای به فرزند خود با این مضمون بیان می‌کند: «در حال حاضر در حبس حکام ابلیس صفت، انگلیس و روس هستیم. اما به هیچ وجه کم‌کاری، قصور و ضعف از خود نشان ندادهام و تا آخرین قطره خون خود با اراده و ثابت‌قدم خواهم ایستاد که خداوند می‌فرماید کان حقاً علینا نصر المؤمنین؛ نصرت مومنین حقی است بر گردن ما».

وجود رهبری آگاه به مسائل زمانه و مردم همراه از اقوام مختلف باعث شد تا حکومت مرکزی و دولت‌های غربی روس و انگلیس تا مدت‌ها نتوانند در مقابل این قیام ایستادگی کنند. نگاه عمیق و شناخت این عالم از زمانه خود باید مورد مطالعه قرار گیرد؛ باتوجه به دنیای رسانه‌ای که در آن زمان حاکم بود وی در بخشی از پاسخ خود در مقابل فتوای جهاد علیه انگلیس می‌گوید: «اینکه گفته می‌شود که روس و انگلیس صاحب نظم و نسق و قانون هستند و متابعت از ایشان خوب است، پاسخش این است که شدت فساد ایشان به حدی است که اگر وارد جامعه‌ای شوند، کلیه ثروت ملی و حیثیت اجتماعی آن جامعه را برباد داده و «حتی برای احدی باقی نمی‌گذارند». سیدعبدالحسین لاری برای اسناد سخنان خود هند را مثال می‌زند که مورد چپاول و غارت انگلیس قرار گرفت. رهبر قیام لارستان با شناختی که از استکبار و ذات آن داشت در پاسخ به کسانی که آبادانی کشورهای غربی را دلیل متابعت از آنها می‌دانستند، می‌گوید: «آبادی فرنگیان از خرابی ماست و آنها با خراب کردن ما توانسته‌اند آباد شوند، پس هر چه دارند از ماست و حق مایملک ما می‌باشد.» (رک: لارستان و جنبش مشروطیت، ضیایی، محمدرفع)

مروری بر اندیشه مقاومت از منظر مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

قیام میرزا کوچک خان جنگلی

میرزا یونس مشهور به میرزا کوچک خان جنگلی (۱۲۵۹ش - ۱۳۰۰ش)، رهبر مشروطه‌خواه جنبش جنگل بود که به دلیل نابسامانی‌های داخلی بعد از مشروطه و تعرض و دخالت‌های بیگانگان در ایران قیام و در رشت اعلام جمهوری کرد؛ اما با بروز اختلافات داخلی در دولت رشت، توافق قوای روس و انگلیس و قدرت یافتن دولت مرکزی، شکست خورد و در برف و بوران گرفتار شد و بر اثر سرما درگذشت.

«میرزا کوچک، مرد تنهایی بود که به دو قدرت بزرگ آن روز دنیا - یعنی روس‌ها و انگلیسی‌ها - یک «نه»ی بزرگ گفت؛ نه با روس‌ها ساخت، نه با انگلیسی‌ها؛ اما در کنار او کسانی بودند که می‌خواستند با دستگاه حکومت آن روز - بعد هم با رضاخان که تازه می‌خواست سر کار بیاید - مبارزه کنند، اما به روس‌ها پناه می‌بردند؛ به باکو رفتند و بندوبست‌هایشان را کردند و به ایران برگشتند و سرسپرده آنها شدند. اما میرزا کوچک خان قبول نکرد و حاضر نشد سازش کند؛ او، هم با انگلیسی‌ها جنگید، هم با فزاق‌های روس جنگید، هم با لشکر رضاخانی - و قبل از رضاخان، آن کسانی که بودند - مبارزه کرد؛ با احسان‌الله خان و دیگران هم کنار نیامد. وقتی جوان گیلانی سرقبر میرزا کوچک خان می‌رود و می‌بیند این مرد تنها، این مرد باایمان و باصفا، اگرچه در وسط جنگل‌های گیلان در مظلومیت مُرد، اما شخصیت خودش را در تاریخ ایران تثبیت کرد؛ مُرد، اما یک مشعل شد. ما در دوران مبارزه خودمان، هروقت نام میرزا کوچک خان را به یاد می‌آوردیم و شرح حال او را می‌خواندیم، نیرو می‌گرفتیم. او از همت و اراده و شخصیت و هویت خود خرج کرد، برای اینکه به یک نسل هویت و شخصیت و نیرو و اراده ببخشد. این بسیار ارزش دارد. امثال او تعدادی بودند که در غربت مبارزه کردند، در غربت هم مُردند؛ اما می‌بینید که امروز غریب نیستند. جریان تاریخ، جریان عجیبی است؛ نگذاشت و نخواهد گذاشت شیخ فضل‌الله‌ها و میرزا کوچک خان‌ها و خیابانی‌ها و امثال اینها، همچنان که غریب مُردند، غریب بمانند. دشمنان می‌خواهند این مفاخر را از دست جوان ایرانی بگیرند.» (در دیدار جوانان و فرهنگیان در مصلائی رشت ۱۳۸۰/۲/۱۲)

مقاومت در فلسطین

از جمله پرفراز و نشیب‌ترین مسائلی که در دنیای اسلام در عصر حاضر رخ داده است، مسئله فلسطین است. مسئله فلسطین با اشغال صیهونیست‌ها و یهودیان در زمان جنگ دوم جهانی و به بهانه کشتار آنها به دست هیتلر گریبانگیر دنیای اسلام شد و تا حال حاضر نیز ادامه داشته است. رژیم غاصب اسرائیل با کمک کشورهای غربی و به ویژه آمریکا توان نظامی خود را توانست گسترش دهد و در طول حدود ۷۵ سال به جنایت‌های متعددی علیه بشریت دست زد. این جنایت‌ها نه تنها در مجامع جهانی به محکومیت شدید و جدی منجر نشد بلکه کشورهای به ظاهر متمدن و در رأس آنها آمریکا هرچه توانستند از نظر سیاسی، اقتصادی، امنیتی و نظامی آنها را حمایت کردند. اگرچه آنچه که در عمل به وقوع پیوست و در صحنه خود را نشان داد این بود که فلسطین حذف نشدنی است. مردم فلسطین و به ویژه مردم مظلوم غزه با شجاعت و ایستادگی توانستند در جنگ‌های متعددی اسرائیل را به عقب برانند و در آخرین نبرد

مروری بر اندیشه مقاومت از منظر مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)

که در حال انجام است نیز این اتفاق رخ خواهد داد. دولت‌های خودگردان فلسطین در سال‌های گذشته با تجربیات متعدد متوجه شدند که اسرائیل به هیچ‌یک از معاهدات و شروطی که خود تعیین می‌کند پایبند نیست. به عنوان مثال پیمان‌های معروفی مانند:

کمپ دیوید و یا اسلو ۱ و ۲ که در واقع، تحویل همه فلسطین به اشغالگران به قیمت رسیدن خودمختاری منطقه‌ای و حکومت محلی در چند نقطه‌ی کوچک فلسطین آن هم با اشراف حکومت اسرائیل بود - به راحتی توسط اعراب و رهبران سازش فلسطین، امضا شد. البته زمان نشان داد که اسرائیل به هیچ‌کدام از آنها عمل نکرد.

در تقسیم اراضی میان اعراب مسلمان و یهودیان غاصب نیز همین اتفاق و با همکاری آمریکا افتاد. در سال ۱۹۴۷ سهم مردم فلسطین مشتمل بر حدود ۱۱۶۱۳ کیلومتر مربع می‌شد، ولی در قطعنامه‌ی ۲۴۴ بعد از جنگ ۱۹۴۷ م که آن هم به مدیریت آمریکا اتفاق افتاد، آن سهم کمتر از نصف در قطعنامه تقسیم، دوباره تنصیف شد و به جای آن ۴۳٪ به قریب ۲۲٪ (یعنی حدود ۵۹۴۲ کیلومتر مربع) تقلیل یافت که شامل تمام کرانه باختری و نوار غزه می‌شد. این قراردادها و معاهدات در تمام این سال‌ها توسط اسرائیل و با حمایت آمریکا نقض شد و مردم فلسطین با ذات سیری ناپذیر اسرائیل آشنا کرد.

اسرائیل با تجاوز به کشورهای همسایه مانند سوریه، لبنان، مصر، اردن و تصرف بخش‌هایی از خاک هر کدام از این کشورها برای مردم مقاوم فلسطین حجت را تمام کرد که تنها راه باقی مانده برای پیروزی مقاومت است. هر جا پای مذاکره برای فلسطینیان باز شد آنها شکست خوردند و دشمن گام‌هایی به جلو آمد و هر جا با اراده و شجاعت ایستادگی کردند دشمن به عقب نشست. مانند جنگ‌های ۲۲ روزه غزه و یا ۳۳ روزه لبنان و همچنین عقب‌نشینی اسرائیل از کل جنوب لبنان در نتیجه مقاومت حزب الله. در پی یکی از عقب‌نشینی‌های اسرائیل که به علت مقاومت مردم فلسطین رخ داد مقام معظم رهبری این شکست دشمن را اینچنین بیان کرد: «چند روز پیش یک تظاهرات دویست هزار نفره در تل آویو به راه انداختند. متلاطمند، اما چاره‌ای نداشتند. عده‌ای می‌خواهند وانمود کنند که این عقب‌نشینی بر اثر مذاکره بود؛ این حرف خیلی کودکانه است. در طول هفتاد سال اشغال فلسطین، صهیونیست‌ها از یک متر خاک اشغالی با مذاکره عقب نشستند؛ مذاکره کدام است؟! این عقب‌نشینی بر اثر مقاومت فلسطینی‌ها بود. حادثه اول، عقب‌نشینی و فرار از جنوب لبنان بود؛ این هم حادثه دوم است که بر اثر مقاومت پیش آمد.» (خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۸۴/۵/۲۸)

این عهد شکنی‌های دشمن را همراه با آپارتاید و خونخواری آنها دید. اسرائیل در تمام این سال‌ها به کشتن زنان و مردان و کودکان فلسطینی و لبنانی مشغول بوده است. لیست جنایات اسرائیل در این سال‌ها نیازمند یک کتاب مفصل است. آنها تا قبل از تصرف کامل شهرها با بمب‌گذاری در مراکز عمومی به قتل مسلمانان مشغول بودند و بعد از تصرف شهرها به کشتار و نسل‌کشی در روستاها و شهرهای دیگر شدند. به عنوان مثال: کشتار روستای سعسع، کشتار قطار حیفا، کشتار روستای الحسینیه، کشتار دیر یاسین، کشتار روستای فالونیا، کشتار شهر حیفا، کشتار روستای عین الزیتون، کشتار شهر صفد، کشتار طنزوره، کشتار شهر اللد، کشتار دوایمه و... اما این کشتارها مربوط به قتل عام مردم بینگاهی بود که به دست نیروهای کاماندو و یا سربازان اسرائیل در سال ۱۹۴۸ به شهادت رسیدند. و این راه و روش

مروری بر اندیشه مقاومت از منظر مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

آنها بعد از گذشت چند دهه هنوز ادامه دارد؛ روشی که در این سالها به قتل عام دهها هزار نفر از مردم مظلوم فلسطین منجر شده است. در آخرین کشتار نیز مشغول قتل عام مردم بی‌گناه غزه هستند و تا زمان تدوین این متن حدود ۵۰ هزار نفر از مردم غزه را قتل عام کرده‌اند که بیشتر آنها کودکان و زنان هستند. به تمام این کشتارها ترورهای رهبران سیاسی و نظامی فلسطین هم باید اضافه کرد. جوخه‌های ترور اسرائیل در تمام حضور نامشروع خود به دنبال ترور رهبران تاثیرگذار و بزرگ جنبش‌های آزادی‌خواه و استقلال طلب فلسطینی و لبنانی و حتی از دیگر کشورها بوده است. رهبران بزرگی چون شیخ احمد یاسین، شیخ راغب حرب، سیدعباس موسوی، عماد مغنیه، عبدالعزیز رنتیسی، فتحی شقاقی، اسماعیل هنیه، سید حسن نصرالله و... که هرگز یاد مقاومت و ایستادگی آنها از خاطرت جوانان منطقه و جهان پاک نخواهد شد. رهبرانی که با خون‌های خود نشان دادند تنها راه مبارزه و پیروزی مطلق بر دشمن غداره‌کش، مقاومت و ایستادگی است.

مقاومت در لبنان

حضور نامشروع رژیم غاصب صهیونیستی در منطقه غرب آسیا و تجاوزات آن بر هیچ‌کس پوشیده نیست. اسرائیل با هجوم وحشیانه خود به جنوب لبنان و تصرف آن در سال‌های ۱۹۸۲ تا سال ۲۰۰۰ به هیچ‌عنوان قصد عقب‌نشینی نداشت. شواهد و مدارک تاریخی و اعتقاد نیل تا فرات بر این امر تاکید می‌کند که این اشغال‌گری قرار بود مانند اشغال فلسطین باشد؛ اما آنچه که باعث شد پس از حدود ۱۸ سال اسرائیل خاک لبنان را ترک کند، مقاومت حزب الله و جوانان لبنانی بود. شاید هیچ‌کس در زمانی که اسرائیل جنوب لبنان را اشغال کرده بود باورش نمی‌شد که روزی این رژیم غاصب آنجا را رها کند ولی مقاومت و ایستادگی نشان داد که در مقابل هرگونه تعدی و تجاوز پیروز است؛ اگرچه دشمن تا بن دندان مسلح باشد و تمام ثروت و سلاح دنیا را همراه داشته باشد. مقاومت که در قامت حزب الله خود را نشان می‌داد با سلاح ایمان توانست در مقابل برترین ارتش‌های جهان و جنایت‌کارترین آنها در عصر حاضر ایستادگی کند. این ایمان و معرفت دینی آنها بود و هست که اسرائیل را از جنوب لبنان خارج کرد. همین ایمان و شجاعت بود که در جنگ معروف ۳۳ روزه حزب الله لبنان را پیروز میدان کرد. در این جنگ هیچ مرزی جابه‌جا نشد و اسرائیل نتوانست به واسطه این جنگ خاکی از لبنان را تصرف کند. ارتش اسرائیل حدود ۱۲۰ نظامی خود را در این جنگ از دست داد و حزب الله نیز اعلام کرد تنها ۵۰ شهید تقدیم کرده است. اسرائیل که قوی‌ترین نیروهای هوایی دنیا را دارد و در تمام جنگ‌ها با تکیه بر همین قدرت بر سر مردمان بی‌گناه بمب و موشک می‌ریزد و همچنین دارای قوی‌ترین ارتش دنیا از جهت تجهیزات رزمی و زرهی است، نتوانست در مقابل یک گروه کوچک چریکی چند هزار نفری غلبه پیدا کند. اگرچه حزب الله در تمام رویارویی خود از سال‌های تاسیس تا به امروز شاهد شهادت سربازان شجاع و فرماندان غیور خود مانند سیدعباس موسی دبیرکل اسبق حزب الله، حاج عماد مغنیه، فواد شکر، ابرهیم عقیل و سید و نور مقاومت و رهبر عزیز خود سیدحسن نصرالله بوده است، اما به خوبی می‌داند بهایی که به واسطه مقاومت پرداخت کرده است به مراتب از بهایی که تسلیم و سازش خواهد داخت بیشتر خواهد بود. حزب الله لبنان با نگاه بصیرانه و شناختی که در این سالها در ذیل آموزش‌های رهبر شهید خود آموخته است به خوبی می‌داند عرصه جهاد و شهادت، عرصه مقاوت است و مقاومت یعنی پیروزی مطلق بر دشمن.

مروری بر اندیشه مقاومت از منظر مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)

بنابراین در کنار این ایمان قلبی وجود رهبران شجاع در مقاومت اسلامی لبنان نیز در این امر بسیار مهم است. رهبرانی که فرزندان شان مانند دیگر رزمندگان شهید می‌شوند و خود نیز یا شهید شده‌اند و یا در معرض شهادت قرار دارند. حضور رهبران شجاع و آگاه و مردمی صبور و مقاوم نتیجه‌ای جز پیروزی به همراه نخواهد داشت و این را مردم تجربه کرده لبنان به خوبی می‌دانند.

مقاومت در یمن

عربستان سعودی در ۲۶ مارس ۲۰۱۵ با تشکیل ائتلافی از کشورهای عربی، تهاجم هوایی خود را علیه مردم یمن با ادعای حمایت از عبدربه منصور هادی، رئیس جمهور مستعفی این کشور، آغاز کرد. در این عملیات که در ماه نخست از آن به عنوان «توفان قاطعیت» و بعد از آن «بازگشت امید» نام برده می‌شود. هواپیماهای پنج کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، قطر، کویت و بحرین به همراه مراکش، مصر، اردن و سودان در این حمله مشارکت داشتند. همچنین کشورهای غربی مثل آمریکا و انگلیس و دیگران نیز در این جنگ از حمایت‌های تسلیحاتی و اطلاعاتی خود دریغ نکردند. بنا بر آمارهای بین‌المللی در این جنگ بیش از ۱۳۰ هزار نفر کشته شدند و ۸۵ هزار کودک بر اثر سوء تغذیه و یا بیماری در طی جنگ جان خود را از دست داده‌اند.

اما یمن به عنوان فقیرترین کشور عربی و یکی از کشورهای فقیر دنیا در نهایت توانست در مقابل حمله‌های ائتلاف سعودی سربلند بیرون آید. مردم یمن و جنبش انصارالله یمن و گروه‌های مقاومت یمنی با شجاعت و مقاومت بی‌نظیر خود توانستند در مقابله با یک جبهه بین‌المللی پیروز شوند و در نهایت مهاجمان پا پس کشیدند. یمن و انصارالله یمن به رهبری سیدعبدالملک الحوثی با مقاومت ستودنی خود و شهادت هزاران نفر به جایی رسیدند که در حال حاضر و پس از عملیات طوفان الاقصی به یکی از طرف‌های درگیری با اسرائیل تبدیل شدند. مقاومت یمن و انصارالله مانند درختی تنومند از زیر آوارهای جنگ و تجاوز سر برآورد و خود را دوشادوش مردم فلسطین قرار داد. یمنی‌ها به خوبی دانسته‌اند که با مقاومت طعم پیروزی را خواهند چشید. آنها با تلاش‌های خود به یکی از قدرتمندترین کشورهای نظامی در دینا تبدیل شده‌اند که حضور دریایی ناوگان آمریکایی و انگلیسی در دریای سرخ و خلیج عدن را هم با چالش جدی نظامی روبه‌رو کرده‌اند. همچنین آنها از ابتدایی عملیات طوفان الاقصی ده‌ها موشک بالستیک و پهباد به سمت سرزمین‌های اشغالی در حمایت از مردم غزه پرتاب کرده‌اند. مقاومتی که اکنون تبدیل به نیرویی توانا در مقابل دشمنان اسلام شده است.

کشف حجاب

در مسئله کشف حجاب و اجبار آن دوران پهلوی اول و دوم باید به مسئله مقاومت فرهنگی پرداخت. مردم در هر جامعه‌ای آزاد هستند تا ارزش‌ها و فضائل اخلاقی، فرهنگی و تاریخی خود را حفظ کنند. حکومت‌ها در برخورد با این ارزش‌ها حق زدودن آنها را ندارند. میراث بشر مملو از مظاهر متنوعی از ارزش‌هاست که در اقوام و ملل مشهود است. یکی از ارزش‌ها و میراثی که از قبل از اسلام و تا حال حاضر در ایران اسلامی وجود دارد «حجاب» و «عفت»

مروری بر اندیشه مقاومت از منظر مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

است. حجاب و مسئله پوشش مسئله‌ای نیست که در سال‌های اخیر مردم آنرا انتخاب کرده باشند بلکه ریشه در فرهنگ غنی شرقی و ایرانی این مرز و بوم دارد. البته با قبول اسلام نیز این ارزش در میان ایرانیان مورد قبول بود و اسلام صرفاً حدود آنرا متمایزتر از گذشته برای ایرانیان مطرح کرد. از پیکرهای تراشیده در آثار سلسله حکومت‌های گذشته قبل از اسلام به خوبی مشخص است که پوشش زنان ایرانی، پوششی کامل و برگرفته از عفت و حیا بوده است. این شیوه لباس و پوشش از جمله ارزش‌های فرهنگی ایرانیان بوده است که تا به امروز حفظ شد؛ اما حکومت‌های دیکتاتور پهلوی سعی در از بین بردن این فرهنگ و ارزش داشتند. رضاشاه نه تنها بر عدم حجاب به صورت اجباری برای زنان تاکید داشت و بی‌حجابی را به صورت یک قانون تبدیل کرده بود، بلکه برای مردان نیز فرم خاصی را اجبار کرده بود که در منجر به قیام مسجد گوهرشاهد مشهد شد. در این واقعه مردم مومن و انقلابی مشهد در مسجد گوهرشاد در اعتراض به قانون تغییر لباس تحصن و تجمع کردند. این تجمع توسط نیروهای دولتی سرکوب شد. این تجمع در تیر سال ۱۳۱۴ش و در زمان حکومت پهلوی اول رخ داده است. علت اصلی این تحصن اعتراض به اجباری شدن کلاه شاپو و سیاست‌های تغییر لباس، و حصر آیت الله سید حسین قمی بود. در این تجمع محمدتقی بهلول سخنرانی کرد و در این حین بین مردم و نیروهای دولتی درگیری رخ داد. این تحصن به شدت سرکوب و بیش از ۱۶۰۰ نفر کشته و تعدادی هم زخمی شدند. پس از این واقعه روحانیان سرشناس مشهد دستگیر و تبعید شدند و به دستور رضا شاه برخی از رؤسای ادارات مشهد تغییر کردند. البته این تلاش برای محو ارزش‌های ملی و مذهبی در دوران پهلوی دوم نیز ادامه داشت. «یکی از جنایات بزرگ رژیم طاغوت، همین مسئله هفده دی هست. کشف حجاب، از بین بردن آن حائل و فاصله‌ای که در اسلام میان دو جنس قرار داده شده است - که این برای سلامت زن و سلامت مرد است؛ برای سلامت جامعه است - تا همان بلایی که بر سر زن در جوامع غربی آمد، بر سر زن مسلمان ایرانی بیاورند؛ این اقدام را با چماق، رضاخان در داخل کشور انجام داد. زن غربی با ورود در منجلا ب فساد، دستاوردش نابودی خانواده بود. این جور نبود که زن با برداشتن حجاب در میدان علم یا در میدان سیاست یا در میدان فعالیت‌های اجتماعی پیشرفت کند؛ همه اینها با حفظ حجاب و عفت ممکن بود و ما در نظام اسلامی این را تجربه کردیم. برداشتن حجاب، مقدمه‌ای برای برداشتن عفت بود؛ برای برداشتن حیا در جامعه اسلامی بود؛ برای سرگرم کردن مردم به عامل بسیار قوی و نیرومند جنسی بود؛ برای اینکه از همه کارهای دیگر بمانند؛ و یک مدتی هم موفق شدند، اما ایمان عمیق ملت ایران نگذاشت. زن‌های مسلمان ما با وجود سخت‌گیری‌ها در طول زمان، در مقابل این فشار سرکوبگر مقاومت کردند؛ بعد از رفتن رضاخان به نحوی، در زمان خود او به نحوی، در طول دوران بقیه طاغوت هم به نحوی. لذا در همان دی ماه ۱۳۵۶، روز هفدهم دی ماه در مشهد، یک اجتماع عظیمی، تظاهراتی از زنان مسلمان با شعار «حفظ حجاب» راه افتاد. ما آن وقت در تبعید بودیم؛ خبر آن را شنیدیم که زنان مؤمن و مسلمان و شجاع یک چنین حرکتی را به راه انداختند. این، گوشه‌ای از فجایع رژیم طاغوت بود؛ نابود کردن آرمان‌های دینی، ارزش‌های اخلاقی، پیشرفت‌های اقتصادی، عزت بین‌المللی و خلاصه بر باد دادن سرمایه‌های یک ملت جزو کارهایی بود که آن رژیم طاغوت و سیاه کار انجام داد. ملت ایران بموقع بیدار شدند و پاسخ گفتند به ندای رهبر عظیم الشان خودشان و وارد میدان شدند.» (در دیدار جمعی از اقشار مختلف مردم قم ۱۳۸۶/۱۰/۱۹)

مروری بر اندیشه مقاومت از منظر مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

الجزایر در مقابل استعمار فرانسه

یکی از جنبش‌هایی که در مقابل استعمار فرانسه ایستادگی کرد و در نهایت موفق به استقلال الجزایر شد جنبش آزادی بخش الجزایر بود. نیروهای فرانسوی ۱۴ تیر ۱۲۰۹ هجری شمسی برابر با پنجم جولای ۱۸۳۰ میلادی با ارتشی از ۴۰ هزار نیروی نظامی پا به خاک الجزایر در شمال آفریقا نهادند. بعد از ۹ سال درگیری و جنگ، تقریباً تمام نقاط این کشور به تصرف فرانسوی‌ها در آمد و کنترل آن به دست استعمارگران افتاد. حالا دیگر الجزایر یکی از مستعمرات و مناطق تحت حکومت فرانسه بود که باید تن به حاکمیت فرانسوی‌ها می‌داد. استعمار تنها به اضافه شدن خاک الجزایر به سرزمین‌های فرانسه محدود نشد. زمین‌ها و مراتع حاصلخیز الجزایر اعم از زمین‌های مردمی و غیرمردمی توسط فرانسه مصادره و در اختیار شهرک‌نشینان اروپایی در آمد. شمار این شهرک‌نشینان در زمان استقلال الجزایر که به آن‌ها «الاقدام السوداء» (چکمه سیاهان) می‌گویند، به حدود یک میلیون نفر رسیده بود.

«هر آنچه زنده بود کشته شد. تفاوتی میان بزرگ، کوچک، زن، مرد یا کودک قائل نبودیم.» اینها را «محمد القورصو» مورخ الجزایری نوشته بود به نقل از یک افسر نظامی که در نسل‌کشی و کشتار هفدهم فروردین ۱۲۱۱ هجری شمسی (۶ آوریل ۱۸۳۲) حضور داشت. کشتار العوفیه در این تاریخ توسط نظامیان فرانسوی اولین کشتار دسته‌جمعی و حشیانه‌ی استعمارگران در الجزایر بود.

الجزایری‌ها بعدها به امید استقلال یافتن و با وعده‌های فرانسوی‌ها وارد ارتش فرانسه برای جنگ با نازی‌ها شدند. این نیروها که تجربه و سواد کافی برای جنگ را نداشتند در خط مقدم جبهه‌ها قرار می‌گرفتند و به نوعی خوراک توپ‌ها بودند. پس از جنگ جهانی در سال ۱۹۴۵ زمانی که مردم الجزایر وعده‌های استقلال فرانسوی‌ها را با راهپیمایی و حضور در خیابان‌ها به یاد فرانسوی‌ها انداختند، مورد کشتار و حشیانه فرانسوی‌ها قرار گرفتند. ارتش و پلیس فرانسه در طول هفت روز ۴۵ هزار نفر را قتل عام و در گورهای دسته‌جمعی دفن کردند یا اجساد آن‌ها را در کوره‌ها سوزاندند. مورخانی که به مطالعه دوران اشغال الجزایر می‌پردازند، ۸ می ۱۹۴۵ را نقطه عطفی در استقلال این کشور می‌دانند.

جناياتی فرانسه در حق مردم الجزایر از بدترین نسل‌کشی‌های تاریخ بشر به شمار می‌رود. ظلم و ستمی که استکبار غربی علیه مردم بی‌گناه و مسلمان انجام دادند در پیشانی دولتمردان به ظاهر متمدن فرانسوی نوشته شده است. اما مقاومت مردمی در الجزایر و پس از برجای گذاشتن هزاران کشته، در سال ۱۹۶۲ به پیروزی دست‌یافت. انقلاب و مقاومت مردم الجزایر بر انقلاب‌های مردم تونس و مصر تاثیر زیادی نیز داشت.

استقلال هند از انگلستان

جنبش‌های استقلال‌طلبی در هندوستان نیز پس از استعماری که انگلیس به این کشور تحمیل کرد در نهایت پیروز شدند. در قرن نوزدهم انگلیس توانست هند را به اشغال خود درآورد و بر تمام منابع و نیروی انسانی آن چیره شود. به طوری که شخصی از انگلیس رهبری هند را بر عهده گرفت و اجازه دخالت در تصمیم‌گیری‌ها را به مردم هند ندادند؛ اما به واسطه

مروری بر اندیشه مقاومت از منظر مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)

مقاومت طولانی مدت مردم هند و رهبران آن از جمله گاندی، در سال ۱۹۴۷ هندوستان به عنوان یک کشور مستقل به رسمت شناخته شد. گاندی به عنوان رهبر بزرگ هندی‌ها با تجربه‌هایی که در آفریقا داشت توانست با تکیه بر مبارزات آرام و به دور از خشونت و راه‌پیمایی‌های بسیار طولانی جنبش استقلال‌طلبی هند را پیروز کند.

گاندی برای وحدت میان مسلمانان و هندوهای کشورش یک ماه روزه گرفت و در رژه نمک از ۱۲ مارس تا ۶ آوریل ۱۹۳۰ به همراه چند صد هزار نفر هندی ۴۰۰ کیلومتر از احمدآباد تا ساحل داندی راه پیمود تا از آب دریا نمک بگیرد و با این عمل قانون مالیات نمک را بی‌اعتبار کرد. این مبارزه با دعوت هندی‌ها برای تحریم کالاهای انگلیسی بود و با بازتاب جهانی روبرو شد و نهایتاً انگلیسی‌ها مجبور به مذاکره شدند.

در حال حاضر نیز هند به عنوان یکی از کشورهای پیشرفته در زمینه‌های مختلف علمی و اقتصادی شناخته شده است. در کنار گاندی رهبران بزرگ و معروفی مانند جواهر لعل نهرو به عنوان اولین نخست‌وزیر هند و محمدعلی جناح یکی از بنیانگذاران کشور پاکستان حضور چشم‌گیری داشتند.

بخش ششم؛ عرصه‌های سازش

یکی از مسائلی که در بحث مقاومت مطرح شده است بحث سازش در مقابل مقاومت و ایستادگی است. سازش از کلیدواژه‌هایی است که رهبر حکیم انقلاب اسلامی در کلام خود بارها و بارها به خطرات آن اشاره کرده‌اند. ایشان با ذکر مثال‌هایی از تاریخ نشان می‌دهند که مسئله سازش هیچگاه به نفع منافع ملی و اجتماعی نخواهد بود و دشمن همواره از ابزار سازش برای تسلط و تصرف بر اجتماع انسانی استفاده کرده است. در ادامه به این مثال‌ها اشاره می‌شود.

شاه سلطان حسین

سلطان حسین صفوی (۱۱۳۹-۱۰۷۹ق)، آخرین پادشاه صفوی و فرزند شاه سلیمان بود. نقل شده که وی فردی بخشنده، مهربان، ساده‌پوش و دل‌رحم بوده و از جنگ و خون‌ریزی دوری می‌کرد. راحت‌طلبی و ناکارآمدی سیاسی وی، در حمله محمود افغان، موجب از دست رفتن تاج و تخت سلطنت صفویان شد. اشرف افغان جانشین محمود، در سال ۱۱۳۹ق به علت حمایت سلطان عثمانی از سلطان حسین، دستور قتل حسین را داد. او را در اصفهان کشتند، سرش را برای اشرف فرستادند و پیکرش را در قم به خاک سپردند.

سلطان حسین از جمله شاهان بزدل و ترسوئی بود که همواره در مقابل دشمن سر تسلیم خم می‌کرد. حتی زمانی که محمود افغان در قندهار با شورش و پس از کشتن خسروخان گرجی، سپهسالار لشکر صفوی، به حکومت رسید، سلطان حسین برای او هدایایی را فرستاد اگرچه این هدایا جلوی هجوم محمود افغان به ایران را نگرفت. حضور یک حاکم ترسو دلیلی بر شکست ملت نیز می‌شود. حتی اگر افراد شجاع و مقاومی هم در صحنه باشد باز هم با حضور حکام ترسو شکست قطعی است.

مروری بر اندیشه مقاومت از منظر مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

«آن روزی که شهر اصفهان در دوره شاه سلطان حسین مورد غارت قرار گرفت و مردم قتل عام شدند و حکومت باعظمت صفوی نابود شد، خیلی از افراد غیور بودند که حاضر بودند مبارزه و مقاومت کنند؛ اما شاه سلطان حسین ضعیف بود. اگر جمهوری اسلامی دچار شاه سلطان حسین‌ها بشود، دچار مدیران و مسئولانی بشود که جرئت و جسارت ندارند؛ در خود احساس قدرت نمی‌کنند، در مردم خودشان احساس توانایی و قدرت نمی‌کنند، کار جمهوری اسلامی تمام خواهد بود.» (در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت ۱۳۸۷/۹/۲۴)

«بزرگ‌ترین جرم حکومت‌های خودکامه و مستبد در طول تاریخ ما این است که نگذاشتند ملت در آن وقتی که باید با حضور خود، با شجاعت خود، منافع خود را تأمین کند، در میدان حاضر شود. اشرف افغان و محمود افغان و لشکریانشان اطراف اصفهان را گرفته بودند. مردم دلشان وک وک می‌زد برای اینکه بروند دفاع کنند؛ اما حاکمان تن پرور خودباخته ترسیده، نگذاشتند مردم از خودشان دفاع کنند. آنها تسلیم شدند و در واقع مردم را هم تسلیم کردند. نتیجه این شد که بعد از سال‌های سخت و سیاه، وقتی که مهاجمان مجبور شدند از ایران خارج شوند، صدها و شاید دویست هزار نفر از زنان و دختران و نوجوانان ایرانی را با خودشان به اسارت بردند؛ یعنی حتی وقتی که می‌رفتند نیز این گونه با مردم رفتار کردند. (در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ۱۳۸۰/۱۲/۲۷)

رژیم پهلوی (رضاخان و محمدرضا شاه)

رضا پهلوی (۱۲۵۶-۱۳۲۳ش) مشهور به رضاخان، پهلوی اول و رضاشاه مؤسس سلسله پادشاهی پهلوی در ایران بود. رضا پهلوی پیش از سلطنت، چهارسال وزیر جنگ و دوسال نیز با حفظ سمت وزارت جنگ، نخست وزیر احمدشاه قاجار بود. دوره سلطنت او به دلیل انجام اقدامات نوگرایانه و اتخاذ سیاست‌های چالش‌برانگیز در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و همچنین اجرای سیاست‌های غیردینی دارای اهمیت دانسته شده است. رضاشاه با باز گذاشتن دست نیروهای نظامی در امور کشوری و اقتصاد، پایه‌های قدرت خود را تقویت کرد و توانست دولت مطلقه نظامی تشکیل دهد.

اقدامات رضاشاه به‌ویژه در حوزه امور فرهنگی و مذهبی مانند ممنوعیت برخی از آیین‌های شیعی، نهادسازی مذهبی، قانون نظام اجباری، کشف حجاب و تغییر در نظام قضائی، واکنش‌های منفی مردم به ویژه قشر مذهبی و روحانیان را برانگیخت و گاه به خشونت نیز کشیده شد. به گفته پژوهشگران تاریخی رضاشاه برای مقابله با نیروهای مذهبی و روشنفکران به ترویج سیاست ایران‌گرایی متوسل شد.

رضاشاه در طول شانزده سال سلطنت، چندین کابینه تشکیل داد؛ ولی به دلیل سوءظن به اطرافیان، بسیاری از افراد صاحب نفوذ را از سیاست حذف کرد. او به دلیل نزدیکی به آلمان در جنگ جهانی دوم و اشغال ایران توسط متفقین، مجبور به استعفا شد و سلطنت را به پسر خود محمدرضا پهلوی واگذار کرد. رضاشاه، پس از خلع از حکومت با ذلت و خاری به جزیره موریس و آفریقای جنوبی تبعید شد و اگرچه پسرش را به عنوان شاه ایران بر روی تخت نشانند

مروری بر اندیشه مقاومت از منظر مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)

ولی تا زمان مرگ در سال ۱۳۲۳ش در آنجا حضور داشت و اجازه بازگشت به وی داده نشد. جنازه او پس از مرگ ابتدا به مسجد رفاعی در مصر و پس از آن به ایران انتقال داده شده و در آرامگاهی دفن شد که در شهر ری در حرم عبدالعظیم حسنی برای او ساخته شده بود.

رضا شاه در دوران سلطنت خود اقدامات مهم و تاثیرگذاری را انجام داد. از جمله اجباری کردن سربازی، ایجاد قانون لباس‌های متحدالشکل، قانون منع حجاب، ممنوعیت عزاداری و مراسمات مذهبی و... این تصمیمات همواره با مخالفت علما و مردم مواجه شد.

پس از رضاشاه فرزندش محمدرضا پهلوی به عنوان آخرین پادشاه ایران تا سال ۱۳۵۷ به عنوان شاه ایران بود. محمدرضا در سال ۱۳۲۰ با اشغال ایران و استعفای پدرش به سلطنت رسید و به‌خصوص تا سال ۱۳۲۵ دوران سخت و متزلزلی را سپری کرد. کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ سلطنت او را وارد دوره‌ای جدید و جدی کرد و قدرت مطلقه او از این مقطع آغاز و گسترده شد. محمدرضا در آغاز تظاهر به دینداری داشت و در برابر مرجعیت مطلق سیدحسین بروجردی مشی محتاطانه‌ای اتخاذ کرد اما پس از وفات او برنامه‌های مورد نظر خود را در پیش گرفت. امام‌خمینی (ره) که از آغاز مرجعیت با نصیحت با اقدامات محمدرضاشاه مقابله می‌کرد، در مقابل شدت عمل حکومت او مقاومت کرد و از مرحله نصیحت به مرحله اصلاح و مقابله و در نهایت به مخالفت قاطع رسید.

محمدرضا پهلوی با اوج‌گیری انقلاب مردم ایران در دی‌ماه ۱۳۵۷ ایران را ترک کرد و درحالی که به شدت بیمار بود، به مدت یک سال و شش‌ماه به کشورهای مختلف به صورت سرگردان سفر کرد و سرانجام در سال ۱۳۵۹ در مصر از دنیا رفت و در مسجد الرفاعی قاهره به خاک سپرده شد.

دوره پهلوی از جمله سیاه‌ترین دوران ملت ایران است. فقر، فساد در عرصه‌های مختلف، حضور نظامی کشورهای غربی و به ویژه آمریکا، فساد درباریان، تکیه کامل در تمام شئون زندگی به غرب و... از جمله مسائلی است که گریبانگیر مردم در این دوران شده بود.

«شما می‌دانید در دوره پهلوی یکی از رایج‌ترین تبلیغات، «نمی‌توانیم» بود. همه ما از بچگی این طور بار آمده بودیم که جنس ایرانی مساوی است با بد بودن، پست بودن و نامرغوب بودن؛ ایرانی مساوی است با ناتوانی در تولید جنس خوب در همه زمینه‌ها. اصلاً این فرهنگ را در ذهن ملت ما نهادینه کرده بودند. این در حالی است که این موضوع ۱۸۰ درجه با واقعیت فرق دارد. این ملت، ملتی است که از همه جهت می‌تواند؛ می‌تواند تولید کند، می‌تواند رشد بدهد، می‌تواند ابتکار کند، می‌تواند مرزهای علم و فناوری را بشکند و جلو برود.» (در دیدار جمعی از پیش کسوتان جهاد و شهادت و خاطره گویان دفتر ادبیات و هنر مقاومت ۱۳۸۴/۶/۳۱)

«غرب، کشورهای غربی، از اواسط دوران قاجار، علیه کشور ما فعالیت‌هایشان را شروع کردند؛ ضعف سلاطین قاجار موجب شد اینها دائماً همین طور امتیاز بگیرند، مدام فشار بیاورند، مدام دایره زندگی ما را تنگ کنند و پیشرفت‌های ما را متوقف کنند. بعد به این نتیجه رسیدند که باید یک نفر از خودشان را بیاورند، که آوردند؛ رضاخان

مروری بر اندیشه مقاومت از منظر مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)

از خودشان بود. حالا بعضی‌ها همین را هم دارند خدشه می‌کنند و [میگویند] رضاخان را انگلیس‌ها نیاوردند؛ یک امر به این وضوح را که خودهایشان اقرار کردند، تکرار کردند، خود انگلیس‌ها گفتند، خود مسئولان حکومت طاغوت این را مکرر گفتند، اما اینها دارند انکار می‌کنند. واقع قضیه این است که رضاخان را آوردند، بعد که احساس کردند ممکن است آن چنان که مایلند در مشتشان نچرخد، او را برداشتند و پسرش را گذاشتند. بعد که باز از درون کشور یک حرکتی به عنوان نهضت ملی شروع شد، سرکوب کردند و بیست و هشتم مرداد را به وجود آوردند. بعد از بیست و هشتم مرداد، دستگاه جهنمی ساواک را به وجود آوردند. اینها را غربی‌ها کردند، اینها را همین انگلیس‌ها کردند؛ بعد از انگلیس‌ها نوبت آمریکایی‌ها بود. کشاورزی کشور را نابود کردند، پیشرفت علمی کشور را متوقف کردند، مغزهای فعال را دزدیدند و بردند یا متوقف کردند، طبقه جوان را به فساد و لاپالایی‌گری و اعتیاد و مشروب‌خواری و مانند اینها کشاندند؛ این کارهایی است که غرب در کشور ما کرده. نمی‌گویم ماها بی تقصیر بودیم، اما اداره یکار و تدبیر کار دست آنها بوده است و آنها کرده‌اند. تقصیر ما این است که ما در صدد علاج برنیامدیم، در صدد مقاومت برنیامدیم. امروز هم اگر مقاومت نکنیم، همان آش است و همان کاسه؛ باز هم همین خواهد شد.»

(در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۴/۱۲/۲۰)

«ملت ایران امروز همان ملت صد سال قبل است. صد سال قبل مسئولان این کشور و این ملت، در مقابل دشمنان، خودشان را دچار وادادگی کردند و ایستادگی نکردند؛ اجازه دادند دشمن بیاید و وارد این سرزمین شود؛ بر اقتصاد، سیاست، منابع و نفت این کشور تسلط پیدا کند؛ دشمن هم قدم به قدم جلو آمد. راه را قاجاریه باز کردند؛ اما دشمن پادشاه آنها را این طوری داد که پهلوی را سر کار آورد؛ نوکرِ قلدرِ گوش به فرمان. روزبه روز سلطه‌شان را بر این مملکت بیشتر کردند. در انقلاب، همان ملت بود که با رهبری امام بزرگوار ما به خودآمد، بیدار شد، عقده‌های فروخته و دردهای متراکم دوران‌های گذشته، او را وادار به حرکت کرد؛ کاری کرد که ملت را از ته دره‌های فراموش‌شدگی و ذلت، به اوج عزت رساند. (در دیدار عمومی بسیجیان ۱۳۸۵/۱/۶)

از جمله وادادگی در دوران پهلوی تسلط دشمن بر ارتش و ساختار نظامی ایران بود. «عزیزان من! اصل مطلب این است که دشمنان ملت‌ها، برای تصرف و از پا انداختن و نابود کردن مقاومت آنان، تدابیر گوناگونی را به کار می‌زنند. یکی از این تدابیر که امروز در جاهایی از دنیا خیلی نمایان است، این است که ارتش‌های آن کشورها را قبضه می‌کنند. وقتی ارتش در یک کشور قبضه بیگانگان شد، در واقع امنیت از فضای سیاسی آن کشور هم رخت برمی‌بندد. هرجایی که بیگانه لازم بداند، به وسیله این بازوی مسلح، اوضاع آن کشور را درهم و برهم، یا هدایت می‌کند و یا بکلی دگرگون می‌سازد. این، نشان دهنده نقش بااهمیت نیروهای مسلح در کشورها هم هست. در رژیم گذشته ایران هم کم و بیش این طور بود. آنها حتی تصور می‌کردند که وقتی دستگاه سیاسی این کشور - که خاندان پهلوی هم جزو آنها بودند - مجبور به عقب نشینی شود، باز کارگزاران آنها در نیروهای مسلح ایران خواهند توانست منافع آمریکایی‌ها را تأمین کنند. (در دیدار با فرمانده و جمعی از پرسنل نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی در آستانه ی نوزده بهمن (سالروز نیروی هوایی) ۱۳۷۵/۱۱/۱۸)

مروری بر اندیشه مقاومت از منظر مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

یکی از حرب‌هایی که دشمن در به زانو درآوردن مردم در دوران پهلوی انجام داد حضور نفوذی‌های غربگرا بود. «آنها به وسیله عوامل خودشان، با گماشتن رضاخان پهلوی و تقویت او و گذاشتن روشنفکران وابسته به غرب در کنار او - که باز لازم نیست من اسم بیاورم، دوست ندارم اسم بیاورم - فرهنگ خودشان را بر ما تحمیل کردند.» (در دیدار جوانان استان خراسان شمالی ۱۳۹۱/۷/۲۳)

از جمله قوانینی که در دوران پهلوی دوم آمریکایی‌ها در پی تصویب آن بودند کاپیتولاسیون بود. قانونی غیر عادلانه که به دلیل وابستگی پهلوی به آمریکا مجبور به قبول آن شدند. «همین کاپیتولاسیونی را که گفتیم - مصونیت قضایی مأمورین آمریکا - تحمیل کردند بر آنها؛ آنها هم پشتوانه‌ای جز آمریکا نداشتند، مجبور شدند قبول کردند.» (در دیدار دانش آموزان و دانشجویان به مناسبت روز ملی مبارزه با استکبار جهانی ۱۳۹۲/۸/۱۲)

در نهایت هم اربابان پهلوی حتی حاضر نبودند وی را به عنوان میهمان در کشور خود جای دهند و محمدرضا شاه آواره در دنیا می‌چرخید. «به دوست خودشان هم رحم نکردند. همین محمدرضا را بعد از آنکه از ایران فرار کرد و یک مدت کوتاهی به آمریکا رفت، از آنجا بیرون کردند، او را نگه نداشتند؛ یعنی این قدر هم به او وفاداری نکردند؛ این جوری هستند.» (دانش آموزان و دانشجویان به مناسبت روز ملی مبارزه با استکبار جهانی ۱۳۹۲/۸/۱۲)

مصدق

محمد مُصَدِّق (۱۲۵۸-۱۳۴۵ش) سیاستمدار، فعال ملی-مذهبی و دو دوره نخست‌وزیر ایران بود. او در نهضت ملی شدن نفت و تأسیس جبهه ملی (۱۳۲۸ش) نقش موثری داشت. مصدق علاوه بر پست نخست‌وزیری، دوره‌هایی نیز وزیر خارجه و وزیر مالیه ایران بود. وی در دوران نخست‌وزیری، با پیشنهاد آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی سالروز شهادت امام صادق (ع) را تعطیل رسمی اعلام کرد.

مصدق لایحه ملی شدن صنعت نفت ایران را در مجلس مطرح کرد و در سمت نخست‌وزیری نیز پرونده خلع ید انگلیس از شرکت نفت ایران را پیگیری کرد. تجمعات مختلفی با پشتیبانی آیت‌الله کاشانی در تهران و شهرستان‌ها در حمایت از تصمیم دولت برگزار شد. مصدق توانست در سازمان ملل و دادگاه لاهه موضوع را به نفع ایران تمام کند و در نهایت ۲۹ اسفند سال ۱۳۲۹ش ملی شدن صنعت نفت را به تصویب مجلس شورای ملی رساند.

پژوهشگران یک از دلایل مهم شکست دولت مصدق را انحلال مجلس هفدهم و اختلافات او با آیت‌الله کاشانی دانسته‌اند. در اثر اختلافات بین مصدق و کاشانی و نیز شکاف بین طرفداران آنها، دولت مصدق ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ش با کودتای عوامل خارجی و داخلی حامی محمدرضا پهلوی سقوط کرد.

۳۰ آذر ۱۳۳۲ش دادگاه نظامی تهران محمد مصدق را به اتهام «ضدیت با سلطنت و قصد برکنار کردن شاه و نیز به عنوان مسبب وقایع ۲۵ تا ۲۸ مرداد»، به سه سال زندان انفرادی محکوم کرد. مصدق در دادگاه ضمن اینکه خود را نخست‌وزیر قانونی می‌نامید، علت محاکمه خود را تسلیم نشدن در برابر تمایلات خارجی‌ان و کوتاه کردن دست آنان از منابع ثروت ملی ایران می‌دانست. وی پس از پایان دوران زندان به روستای احمدآباد تبعید شد و تا پایان عمر در آنجا بود.

مروری بر اندیشه مقاومت از منظر مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)

ملت ایران در شکست ملی شدن صنعت نفت تجربه بسیار گران‌بهایی در نتایج اعتماد به آمریکا به دست آورد. «هر ملتی به آمریکا اعتماد کرد، ضربه خورد؛ حتی آن کسانی که دوست آمریکا بودند. حالا در کشور ما دکتر مصدق به آمریکایی‌ها اعتماد کرد؛ برای اینکه بتواند خود را از زیر فشار انگلیس‌ها نجات بدهد، به آمریکایی‌ها متوسل شد؛ آمریکایی‌ها به جای اینکه به دکتر مصدق که به آنها حسن ظن پیدا کرده بود کمک کنند، با انگلیس‌ها همدست شدند، مأمور خودشان را فرستادند اینجا و کودتای ۲۸ مرداد را راه انداختند. مصدق اعتماد کرد، کنکش را [هم] خورد؛ حتی کسانی که با آمریکا میانه‌شان هم خوب بود و به آمریکا اعتماد کردند، ضربه‌اش را خوردند. روابط رژیم طاغوتی سابق با آمریکا خیلی صمیمی بود، درعین حال زیاده‌خواهی آمریکا آنها را هم به ستوه آورده بود.» (در دیدار دانش آموزان و دانشجویان به مناسبت روز ملی مبارزه با استکبار جهانی ۱۳۹۲/۸/۱۲)

همچنین تجربه ملی شدن صنعت نفت به خوبی نشان می‌دهد که آمریکا اساساً با استقلال کشورها هم مشکل دارد. «من به شما این را عرض بکنم که با قطع نظر از نظام، با استقلال کشور هم مشکل دارند؛ یعنی اگر فرض کنیم یک نظامی غیر نظام جمهوری اسلامی هم سر کار بود و بنا بود مستقل باشد، اینها با آن مشکل داشتند. این تجربه نهضت ملی جلوی چشم ما است. در نهضت ملی، دکتر مصدق به آمریکایی‌ها حسن ظن داشت، بلکه ارادت داشت اما مایل نبود تکیه کند به آنها؛ - با انگلیسی‌ها البته بد بود - مایل به استقلال بود. آن کسی که عامل کودتا علیه دکتر مصدق شد، نه یک انگلیسی، [بلکه] یک آمریکایی بود و پشت سرش بیش از دستگاه ایستلیجنت سرویس انگلیس، سیای آمریکا قرار داشت؛ آمریکا این جوری است. یعنی با یک نظامی و با یک حکومتی هم که مطلقاً حکومت دینی هم نیست، حکومت انقلابی هم نیست - نهضت ملی که یک حکومت انقلابی نبود؛ فقط دنبال استقلال کشور از زیر یوغ انگلیس‌ها بود و خیال میکرد آمریکایی‌ها کمکش می‌کنند - نتوانستند بسازند؛ با استقلال کشور مخالفتند.» (در دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۶/۳/۲۲)

مذاکرات هسته‌ای

از جمله پیچیده‌ترین و طولانی‌ترین مذاکراتی که چند دولت جمهوری اسلامی آنرا تجربه کرد، مذاکرات هسته‌ای است. در مجموع این مذاکرات دولت‌های اروپایی و آمریکایی به دنبال شفاف‌سازی صنایع هسته‌ای ایران بودند. درحالی که ایران به تمام تعهدات خود پایبند بود ولی نه تنها این مذاکرات عملاً نقشی در رفع تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا نداشت بلکه بسیاری از فرصت‌های علمی و سیاسی کشور را نیز به چالش کشید. اعتماد به آمریکا گاهی در طول مذاکرات عامل اصلی شکست این مذاکرات بود. «عمده این است که ما به خودمان اتکاء کنیم؛ اساس کار این است. ما باید به خودمان اتکاء کنیم؛ به دیگران نمی‌شود اتکاء کرد، به بیگانگان نمی‌شود اتکاء کرد، نمی‌شود اعتماد کرد. من مکرر در دوران همین مذاکرات هسته‌ای - شاید چهار پنج مرتبه یا بیشتر - گفتم به آمریکایی‌ها نمی‌شود اعتماد کرد. حالا - هم ملاحظه می‌کنید و می‌بینید؛ حرف‌هایی که می‌زنند، اظهاراتی که می‌کنند و عملکردی که نشان می‌دهند،

مروری بر اندیشه مقاومت از منظر مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)

کاملاً امضای آن حرفی است که بنده آن وقت می‌زدم؛ یعنی واقعاً نمی‌شود به اینها اعتماد کرد. [البته] آمریکایی‌ها به عنوان نماد بد اخلاقی و بد ادایی [هستند] فقط آنها [هم] نیستند، دیگرانی هم هستند که همین جور بداد و بد اخلاق و بد رفتارند؛ بالاخره نمی‌شود به آنها اعتماد کرد. ما باید به خودمان اعتماد کنیم، به خودمان تکیه کنیم و بدانیم می‌توانیم و بدانیم که خدای متعال هم کمک می‌کند.» (در دیدار جمعی از مسئولان قوای سه‌گانه و مسئولان برخی نهادها ۱۳۹۵/۱/۱۸)

تجربه دیگری که از این مذاکرات به دست آمد این بود که عقب‌نشینی در مقابل دشمن او را جلو خواهد آورد. «یادمان باشد راه جلوگیری از دشمنی این دشمن‌ها، عقب‌نشینی و انعطاف و مانند اینها نیست. یک تجربه دیگر، نقطه مقابل این است و آن، این است که ایستادگی در مقابل آنها، امکان بسیار زیاد عقب‌نشاندن آنها را دارد. در همین قضایای هسته‌ای این قضیه اتفاق افتاد؛ در سال ۸۳ و ۸۴ همه تأسیسات ما تعطیل بود دیگر؛ می‌دانید که کارخانه یوسی اف اصفهان را مهروموم کرده بودیم به خاطر همین مذاکراتی که کرده بودیم و برای اینکه پرونده جمهوری اسلامی عادی بشود، پرونده هسته‌ای ایران عادی بشود؛ هرچه ما عقب‌نشینی کردیم، آنها جلو آمدند؛ هرچه ما نرمش به خرج دادیم، آنها تندتر شدند؛ تا بالاخره به هیئت ایرانی گفتند آقا، تضمینی که شما باید بدهید، فقط به یک شکل حاصل می‌شود و آن این است که تمام تأسیسات هسته‌ای‌تان را جمع کنید؛ همه را جمع کنید! کاری شبیه کاری که لیبی انجام داد. تضمین واقعی این است؛ و آلاً تضمین صلح آمیز بودن فعالیت هسته‌ای شما جور دیگری ممکن نیست؛ فقط همین جور ممکن است که شما همه تأسیسات را حذف [کنید]؛ یعنی این جور اینها وارد میدان شدند. حالا کارخانه اصفهان - که خوب یک کارخانه ابتدایی بود دیگر - تعطیل بود، غنی‌سازی هم اصلاً به معنای حقیقی خودش وجود نداشت؛ حتی ما برای اینکه یک یا دو یا سه سانتریفیوژ داشته باشیم، بحث می‌کردیم و می‌گفتند نمیشود! موافقت نمی‌کردند که ما یک سانتریفیوژ یا دو سانتریفیوژ یا سه سانتریفیوژ داشته باشیم. بعد، ما دیدیم اینها خیلی دارند زیادی حرف می‌زنند، زیادی پُرووی می‌کنند، واقعاً دارند وقاحت می‌کنند، گفتیم پس بازی تمام؛ مهروموم‌ها را شکستیم، کارخانه یوسی اف را راه انداختیم، غنی‌سازی را در نظنز و بعد در جاهای دیگر همین طور راه انداختیم، رسیدیم به بیست درصد؛ یعنی ما از سه و نیم درصدی که اینها اجازه نمی‌دادند، حرکت کردیم و جوان‌های مؤمن ما توانستند غنی‌سازی بیست درصد را تأمین کنند و کارهای فراوانی که در جریان هستید و می‌دانید. وقتی که به اینجا رسیدیم، اینها آمدند با اصرار، به یک معنا با التماس به ما گفتند که خیلی خوب، حالا شما بیاید قبول کنید که بیست درصد را انجام ندهید، مثلاً پنج هزار یا شش هزار سانتریفیوژ داشته باشید - حالا اینها همان‌هایی بودند که سه سانتریفیوژ یا دو سانتریفیوژ را هم اجازه نمی‌دادند - [می‌گفتند] عیب ندارد؛ بیاید غنی‌سازی بکنید، مثلاً شش هزار سانتریفیوژ داشته باشید یا فلان مقدار غنی‌سازی سه و نیم درصد را داشته باشید؛ اینها همان‌ها هستند. الان آقای دکتر روحانی گفتند؛ اینها - سازمان ملل و دستگاه‌های گوناگون سیاسی جهان - به خیال خودشان حق غنی‌سازی ایران را [به رسمیت] شناخته‌اند؛ بله، شناخته‌اند، [اما] منشأش مذاکره نیست؛ اشتباه نکنیم؛ منشأش پیشرفت

مروری بر اندیشه مقاومت از منظر مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

ما است؛ ما چون پیشرفت کرده‌ایم، چون حرکت کرده‌ایم، چون به بیست درصد رسیده‌ایم، اینها به تب راضی شده‌اند؛ و آلا اگر چنانچه بنا بود مذاکره کنیم و این را با مذاکره به دست بیاوریم، تا امروز و تا هرگز به دست نمی‌آمد. این هم یک تجربه است که در مقابل زیاده‌خواهی طرف مقابل و جبهه مقابل، انسان منافع خودش را دنبال کند و شجاعانه حرکت کند و پیش برود.» (در دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۷/۳/۲)

«نظام اسلامی در برابر اردوگاه شرق و غرب ایستاد؛ اما در همان روزها یک نظریه این بود که ما به نحوی با استکبار کنار بیاییم! کسانی که این نظریه را بیان می‌کردند، آدم‌های بدی نبودند؛ بلکه ساده‌اندیش بودند و می‌گفتند کنار بیاییم تا ضرر آنها را از خود دفع کنیم؛ اما پاسخ این سؤال را نمی‌دادند که این کنار آمدن و کوتاه آمدن و عقب نشینی کردن سنگر به سنگر تا کجا باید ادامه پیدا کند؛ ملت ایران باید چه کار کند که آمریکا از او راضی شود؛ چقدر باید از ارزش‌های خود صرف نظر کند تا آمریکا بگوید دیگر با شما کاری ندارم؟ شاید بعضی از آنها حتی فکر نمی‌کردند که استکبار به حدی هم قانع نیست. در جنجال اخیر فعالیت‌های هسته‌ای ایران دیدید که قدم به قدم شروع کردند به جلو آمدن؛ اول گفتند ایران باید پروتکل الحاقی را قبول کند؛ بعد گفتند باید فلان اطلاعات را بدهد؛ بعد پا را فراتر گذاشتند و گفتند اصلاً ایران نباید فناوری هسته‌ای داشته باشد! عقب‌نشینی در مقابل مجموعه‌ای که زور مادی دارد، اما مطلقاً ذخیره اخلاقی در وجودش نیست تا از این زور به شکل ظالمانه استفاده نکند، راه علاج نیست. راه علاج، منحصر شده بود در مقاومت، و امام بزرگوار ما آن انسان مقاوم، صبور و سرسخت - مظهر مقاومت بود؛ و این تنها راهی بود که در مقابل ملت ایران وجود داشت. لذا حتی حمله نظامی‌شان اثر نبخشید.» (در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های استان زنجان ۱۳۸۲/۷/۲۲)

«دشمنی آمریکا با ملت ایران و با جمهوری اسلامی اصلاً حول محور هسته‌ای نیست؛ این خطا است اگر خیال کنیم که دعوای آمریکا با ماسر قضیه هسته‌ای است؛ نه، قضیه هسته‌ای بهانه است؛ قبل از اینکه مسئله هسته‌ای مطرح باشد، همین دشمنی‌ها، همین مخالفت‌ها از اول انقلاب بود؛ اگر یک روزی هم مسئله هسته‌ای حل شد - فرض کنید جمهوری اسلامی عقب‌نشینی کرد؛ همان که آنها می‌خواهند - خیال نکنید مسئله تمام خواهد شد؛ نه، ده بهانه دیگر را بتدریج پیش می‌کشند: چرا شما موشک دارید؟ چرا هواپیمای بدون سرنشین دارید؟ چرا با رژیم صهیونیستی بدید؟ چرا رژیم صهیونیستی را به رسمیت نمی‌شناسید؟ چرا از مقاومت در منطقه به قول خودشان خاورمیانه حمایت می‌کنید؟ و چرا؟ و چرا؟ و چرا؟ مسئله این نیست که اینها سر قضیه هسته‌ای با جمهوری اسلامی اختلاف پیدا کرده باشند؛ نه، تحریم آمریکا از اول انقلاب شروع شد، روزه روز هم بیشتر شده است، تا امروز که خب به نقطه بالایی رسیده. دشمنی‌های دیگر [هم] کردند: اینها هواپیمای جمهوری اسلامی را سرنگون کردند، ۲۹۰ انسان مسافر را کشتند؛ اینها اوایل انقلاب هنوز مردم از هیجان انقلاب بیرون نیامده، کودتای پایگاه شهید نوژه را به راه انداختند، علیه انقلاب کودتا کردند؛ اینها از ضد انقلاب‌ها در هر نقطه‌ای از کشور که بودند حمایت کردند؛ به ضد انقلاب سلاح دادند و مانند اینها؛ همان کاری که بعدها در بعضی کشورهای دیگر کردند، در اینجا [هم] این

مروری بر اندیشه مقاومت از منظر مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

کارها را کردند. مسئله مسئله هسته‌ای نیست؛ باید همه به این توجّه داشته باشند. این نیست که ما خیال کنیم دشمنی آمریکا با جمهوری اسلامی ایران به خاطر مسئله هسته‌ای است؛ نه، مسئله مسئله دیگری است؛ [مسئله این است که] ملت ایران به خواسته‌های آمریکا «نه» گفت، ملت ایران گفت آمریکا علیه ما هیچ غلطی نمی‌تواند بکند. اینها با موجودیت جمهوری اسلامی مخالفند، با نفوذ و اقتدار جمهوری اسلامی مخالفند. همین اواخر یکی از سیاستمداران و از عناصر فکری آمریکا گفت - و گفته او پخش شد، این مسئله پنهانی هم نیست - که ایران چه اتمی باشد، چه اتمی نباشد، خطرناک است. این شخص صریحاً گفت نفوذ و اقتدار ایران - به قول خودشان هژمونی ایران - در منطقه خطرناک است؛ ایرانی که امروز از اعتبار برخوردار است، از احترام برخوردار است، از اقتدار برخوردار است. آنها با این دشمنند، با این مخالفند. آن روزی اینها راضی می‌شوند که ایران یک ملت ضعیف، کنارمانده، منزوی، بی‌اعتبار و بی‌احترام باشد؛ مسئله مسئله هسته‌ای نیست.» (در دیدار دانش آموزان و دانشجویان به مناسبت روز ملی مبارزه با استکبار جهانی ۱۳۹۲/۸/۱۲)

سازش مونیخ

چکسلواکی در سال ۱۹۱۸ پس از فروپاشی امپراتوری اتریش-مجارستان در پایان جنگ جهانی اول ایجاد شد. معاهده سنت ژرمن استقلال چکسلواکی را به رسمیت شناخت و معاهده تریانون مرزهای کشور جدید را که به تقسیم شده بود تعریف کرد. مناطق بوهمیا و موراوایا در غرب و اسلواکی و روس در شرق، از جمله بیش از سه میلیون آلمانی، ۲۲/۹۵٪ از کل جمعیت کشور. آنها بیشتر در مناطق مرزی سرزمین‌های تاریخی چک زندگی می‌کردند که نام جدید سودتلند را ایجاد کردند که با آلمان و کشور تازه ایجاد شده اتریش هم‌مرز بود.

توافقنامه مونیخ توافقی بین آلمان نازی و ایتالیا، فرانسه و بریتانیا بود. بر اساس توافقنامه مونیخ که با هدف جلوگیری از بروز جنگ جهانی دوم امضا شد، کشورهای بریتانیا، فرانسه، ایتالیا و آلمان در سپتامبر سال ۱۹۳۸ توافق کردند که نواحی آلمانی‌نشین سودت در کشور چکسلواکی، ضمیمه خاک آلمان نازی شود.

امروزه، توافقنامه مونیخ به عنوان یک عمل مماشات ناموفق در نظر گرفته می‌شود، و این اصطلاح «به عنوان یک کلمه بی‌فایده برای مماشات با دولت‌های توتالتر توسعه طلب» تبدیل شده است.

این قرارداد در بامداد ۳۰ سپتامبر ۱۹۳۸ در شهر مونیخ آلمان بدون حضور نماینده چکسلواکی تصویب شد. (تاریخ مندرج در قرارداد ۲۹ سپتامبر است). جلسه اضطراری قدرت‌های اصلی اروپا - از جمله چکسلواکی یا اتحاد جماهیر شوروی، متحد فرانسه و چکسلواکی - در ۲۹-۳۰ سپتامبر ۱۹۳۸ در مونیخ آلمان برگزار شد. به سرعت توافقنامه‌ای در مورد شرایط هیتلر حاصل شد و به امضای رهبران ارشد آلمان، فرانسه، انگلیس و ایتالیا رسید. از نظر نظامی، سودتلند برای چکسلواکی از اهمیت استراتژیکی برخوردار بود، زیرا بیشتر مناطق دفاعی مرزی آن برای محافظت در برابر حمله آلمان در آنجا قرار داشت. توافقنامه بین چهار قدرت در پس زمینه جنگ اعلان نشده آلمان و چکسلواکی با شدت کم امضا شد که

مروری بر اندیشه مقاومت از منظر مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)

از ۱۷ سپتامبر ۱۹۳۸ آغاز شده بود. در همین حال، لهستان پس از ۲۳ سپتامبر ۱۹۳۸ واحدهای ارتش خود را به سمت مرز مشترک خود با چکسلواکی منتقل کرد. چکسلواکی در برابر فشارهای دیپلماتیک فرانسه و انگلیس تسلیم شد و در ۳۰ سپتامبر توافق کرد که با شرایط مونیخ قلمرو را به آلمان واگذار کند. از ترس از دست دادن احتمالی زائولزی به آلمان، لهستان با اکثریت لهستانی‌های قومی، که آلمان از قبل پذیرفته بود و چکسلواکی در ۱ اکتبر آن را پذیرفته بود، اولتیماتوم برای زائولزی صادر کرد.

توافق‌نامه مونیخ در ۲ نوامبر ۱۹۳۸ دنبال شد، و مناطق مسکونی مجارستان را در جنوب اسلواکی از چکسلواکی جدا کرد در حالی که لهستان نیز سرزمین‌هایی را از چکسلواکی در شمال ضمیمه کرد. در مارس ۱۹۳۹، اولین جمهوری اسلواکی اعلام شد و اندکی بعد با ایجاد حفاظت از کشورهای بوهیمیا و موراوایا، آلمان کنترل کامل قسمت‌های باقی مانده چک را در دست گرفت. در نتیجه، چکسلواکی ناپدید شده بود.

سقوط فرانسه در جنگ جهانی دوم

نبرد فرانسه نبردی در جبهه غربی جنگ جهانی دوم بود که از ۱۰ مه سال ۱۹۴۰ با تهاجم آلمان نازی به لوکزامبورگ، هلند، بلژیک و فرانسه آغاز شد. در پی این تهاجم، ایتالیا نیز در ۱۰ ژوئن همان سال به متفقین اعلان جنگ کرد. دوازده روز بعد فرانسه تسلیم بدون قید و شرط را پذیرفت. بدین ترتیب شمال این کشور به صورت مستقیم تحت سلطه آلمان و نیمه جنوبی آن توسط یک حکومت دست‌نشانده به نام دولت ویشی فرانسه اداره شد.

آلمان در این نبرد از برتری عددی برخوردار نبود و نیرویی به اندازه دشمنانش در اختیار نداشت. تهاجم آلمانی‌ها با ۱۳۶ لشکر آغاز شد؛ درحالی‌که فرانسه، بریتانیا، بلژیک و هلند معادل ۱۵۶ لشکر به کارگرفته بودند. در این نبرد ۲۸۰۰ تانک آلمانی می‌بایست با بیش از ۴۰۰۰ تانک متفقین می‌جنگیدند. تانک‌های آلمانی به‌طور میانگین تسلیحات و زره ضعیف‌تری داشتند. مزیت اصلی آلمان در قدرت هوایی، سرعت بیشتر نیروهای زرهی و تاکتیک عملیاتی بهتر آن‌ها بود. آلمانی‌ها تنها در زمینه هواگردها برتری عددی داشت.

این تسلیم بی‌قید و شرط مجدد برای کسانی که قائل به تسلیم در برابر مقاومت هستند به خوبی نشان می‌دهد زمانی که دشمن متوجه عدم ایستادگی حریف خود باشد تاجایی که بتواند به جلو آمدن ادامه خواهد داد.

شکست انقلاب مصر

از ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ تا ۱۷ ژوئن ۲۰۱۲ که فاصله آغاز انقلاب مصر تا روی کار آمدن «محمد مرسی» اولین رئیس‌جمهور قانونی این کشور است، دورانی از التهاب و درگیری مصر را فراگرفت. در این برهه زمانی، ملت مصر از تمام گروه‌ها و جریانات سیاسی و مذهبی به خیابان‌ها ریخته و علاوه بر تحول در شرایط سیاسی و اقتصادی مصر خواهان سرنگونی «محمد حسنی مبارک» دیکتاتور نظامی این کشور که حکومت را پس از ترور انقلابی «انور سادات» برعهده گرفته بود، شدند.

مروری بر اندیشه مقاومت از منظر مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)

طی درگیری‌های متپی به سرنگونی حسنی مبارک، صدها مصری کشته، هزاران تن زخمی و ده‌ها هزار تن بازداشت شدند. این اقدامات سرکوبگرانه نه تنها به گسترش ترس میان مصری‌ها منجر نشد بلکه باعث شد آنان با شدت خیلی بیشتری در تظاهرات شرکت کنند و با نیروهای امنیتی وابسته به رژیم حاکم درگیر شوند. مرکز اصلی این اعتراض‌های مردمی، میدان آزادی (التحریر) در شهر قاهره بود.

ارتش مصر با وجود اعلام عدم دخالت در حوادث سیاسی کشور، در مواردی هم‌سو با نیروهای مبارک علیه انقلابی‌های مصری وارد عمل شد. این سیاست به فرماندهان نیروهای مسلح مصر باز می‌گشت. افسران عالی‌رتبه مصری همگی از نیروهای وفادار به مبارک بودند و بعدها نیز همین افراد علیه رئیس‌جمهور بعدی مصر یعنی محمد مرسی وارد عمل شدند.

اگرچه محمد مرسی پس از سرنگونی حسنی مبارک و طی یک رقابت سخت با «احمد شفیق» نامزد نزدیک به جریان مبارک در انتخابات زود هنگام ریاست جمهوری مصر به پیروزی رسید، اما اندکی بعد معلوم شد که او و بخش قابل توجهی از هوادارانش راه را گم کرده‌اند و راه حل مشکلات جهان اسلام و منطقه را نه در نابودی رژیم صهیونیستی بلکه در نابودی محور مقاومت می‌بینند.

تجمع‌های گسترده مرسی و هوادارانش علیه سوریه، حزب‌الله لبنان و ایران، که به بهانه دروغین حمایت از ملت سوریه و در حقیقت جهت کمک‌های مالی و انسانی به تروریست‌ها انجام می‌شد، باعث شد نه تنها عده زیادی از مردم مصر، که از دوستان خط مقاومت بودند، از حمایت خود از مرسی پشیمان شوند بلکه چند دستگی در میان هواداران اخوان المسلمین مصر نیز پدید آمد و تعدادی از رهبران قدیمی این جماعت، در اعتراض به این مواضع، جدایی خود را از این جماعت اعلام کردند. دشمنی با سوریه و اعزام تروریست‌های سلفی وابسته به اخوان المسلمین و القاعده به سرزمین شام در حالی در زمان مرسی با شتاب در حال جریان بود که او برخلاف گفته‌های جوانان مصری نزدیک به اخوان المسلمین در دیدار با رهبر انقلاب اسلامی، نه تنها تلاشی برای لغو پیمان کمپ دیوید نکرد بلکه با شدت بیشتری روابط با اسرائیل را در پیش گرفت به گونه‌ای که اسرائیل از حضور وی در جایگاه ریاست جمهوری مصر خرسند شد. او همراهی با صهیونیست‌ها را به این میزان محدود نکرد و به جای گشودن گذرگاه مرزی رفح برای کمک به مردم نوار غزه، تونل‌های مخفی که برای کمک به مردم این منطقه بین غزه و صحرای سینا احداث شده بود را تخریب کرد. با این حال، بی‌توجهی محمد مرسی و همفکرانش در حزب «آزادی و عدالت» (شاخه سیاسی اخوان المسلمین مصر) به وضع زندگی مردم مصر، باعث شد همچنان صدها هزار مصری در گوشه و کنار این کشور، خصوصا حومه قاهره، به وضع فلاکت‌بار گورخوابی و زاغه‌نشینی ادامه بدهند. همین موضوع سبب شد که معترضان به این وضعیت دوباره به میدان التحریر قاهره سرازیر شوند و این بار علیه محمد مرسی و اخوان المسلمین، جریانی که با مطرح کردن اسلام در انقلاب مصر به پیروزی رسید و پس از آن منش دیگری را در پیش گرفت، دست به تظاهرات گسترده بزنند.

مروری بر اندیشه مقاومت از منظر مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)

ارتش مصر، که پس از مرسی دست خود را تا حد زیادی از رسیدن به قدرت دور می‌دید، از موقعیت به وجود آمده برای احیای دوباره قدرت دیکتاتوری نظامی (که از زمان جمال عبدالناصر آغاز و در دوران حسنی مبارک به پایان رسیده بود) استفاده کرد و به دولت اولتیماتوم داد که در صورت عدم تلاش دولت برای رفع بی‌نظمی گسترده ناشی از تظاهرات مردم علیه مرسی و اخوان المسلمین (که نمونه بارز آن در درگیری‌های اطراف کاخ اتحادیه در قاهره بود)، ارتش مصر وارد عمل خواهد شد. محمد مرسی پس از این هشدار، به ارتش مصر تذکر داد که حق دخالت در امور سیاسی کشور را ندارد اما نظامیان مصری، که از حمایت برخی رهبران و شخصیت‌های داخلی و خارجی برخوردار بودند، دست به کودتا زدند و رئیس‌جمهور قانونی مصر را دستگیر و بازداشت کردند. پس از این اقدام، هجوم نیروهای دولتی مصر به مراکز اخوان المسلمین آغاز شد و نیروهای امنیتی دولت کودتاجی جدید، اقدام به دستگیری هزاران نفر از اعضای این جماعت در شهرهای مختلف مصر خصوصاً قاهره زدند. هواداران اخوان المسلمین پس از این اقدام، دست به تظاهرات‌های گسترده در میدان «رابعه عدویه» در شهرک نصر در حومه قاهره زدند. خشونت‌بارترین واقعه که طی این حملات رخ داد، حمله به مسجد ایمان در قاهره در ۱۴ آگوست ۲۰۱۳ بود که به کشته شدن بیش از ۲۵۰ غیرنظامی منجر شد. تعداد زیادی از اجساد غیرنظامیان به دلیل شدت سوختگی غیرقابل شناسایی بودند.

محمد مرسی با نادیده گرفتن اولویت‌های جهان اسلام، دستان اشغالگران قدس شریف را به گرمی فشرد و به آمریکا و رژیم سعودی اطمینان کرد تا در فشار و ظلم صهیونیست‌ها و مزدوران تکفیری‌شان در فلسطین و دیگر نقاط جهان اسلام سهمیم باشد. در نهایت مرسی در ۱۷ ژوئن ۲۰۱۹، بعد از حاضر شدن در دادگاه حدود ۲۰ دقیقه در مقابل قاضی صحبت کرد و گفت رازهایی می‌داند که اگر آنها را فاش کند، موجب آزادی وی خواهد شد اما به جهت حفظ مصالح کشور چنین نخواهد کرد. پس از مطرح شدن این موضوع وی درحالی‌که در یک محفظه شیشه‌ای قرار داشت از حال رفت. او بعد از انتقال به بیمارستان جان خود را از دست داد.

معمر قذافی و لیبی

سرگذشت معمر قذافی و اتفاق‌هایی که در کشور لیبی افتاد نیز برای دنیای اسلام و کسانی که فریب وعده‌های غربیان و به ویژه آمریکایی‌ها را می‌خورند، دارای عبرت‌های فراوانی است. اتفاقاتی که به نوعی شباهت‌های زیادی به اتفاق‌هایی دارد که در حال حاضر در سوریه در حال رخ دادن است.

از سال ۱۹۷۹ که فشارها بر لیبی آغاز شد تا سال ۲۰۰۱ که آغاز گفت‌وگوهای رسمی دو کشور بود، لیبی تحت تحریم‌های گوناگونی قرار داشت. در سال ۲۰۰۱ اولین گفت‌وگوهای مقدماتی لیبی با غرب آغاز شد و در سال ۲۰۰۳ سرانجام گفت‌وگوها تحت تأثیر جنگ آمریکا با عراق، چهره جدی‌تری به خود گرفت. قذافی تصمیم گرفت ضمن پذیرفتن مسئولیت حمله به هواپیمای خطوط هواپیمایی پان‌آمریکن و یا به قول رسانه‌ها، «حادثه هوایی لاکربی» خسارت خانواده‌های قربانیان را بپردازد و از سوی دیگر در مذاکرات با آمریکا در مقابل برداشته شدن تحریم‌ها از لیبی، از حق این کشور در داشتن برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز نیز صرف‌نظر کرد.

مروری بر اندیشه مقاومت از منظر مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

قذافی در آن زمان با تمام مطالبات آمریکایی‌ها موافقت کرد. آنها از لیبی خواسته بودند ضمن انهدام و انتقال تجهیزات هسته‌ای این کشور به کشوری دیگر، دسترسی کامل و نامحدودی به بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بدهد و درعین حال از تمام فعالیت‌های هسته‌ای اعم از تحقیق و تولید دست بکشد. لیبی که برای برنامه هسته‌ای‌اش تحت فشار بود، درنهایت مجبور شد اطلاعات مربوط به چگونگی دستیابی به تجهیزات هسته‌ای را نیز در اختیار طرف غربی قرار داده و درعین حال برای مبارزه با شبکه القاعده در این کشور همکاری کاملی با آمریکایی‌ها داشته باشد. قذافی با به اجرا گذاشتن تمام خواسته‌های آمریکا توانست شاهد لغو شدن تعدادی از تحریم‌ها نیز باشد اما در همان زمان نیز رئیس‌سیا در کنگره و سفیر آمریکا در رژیم صهیونیستی به شدت با برداشته شدن تحریم‌های شورای امنیت علیه لیبی مخالفت کردند و هرروز اتهام تازه‌ای را متوجه این کشور کردند. در سال ۲۰۰۴ یعنی یک سال بعد از نزدیکی لیبی به آمریکا، این کشور معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای را امضاء کرد و بازرسان آمریکایی و انگلیسی برای از بین بردن سلاح‌ها وارد لیبی شدند. بر اساس مطالبی که منابع لیبیایی در همان زمان منتشر ساختند، مشخص شد بسیاری از ورود و خروج‌ها که حجم زیادی از مراودات بین‌المللی لیبی را نیز تشکیل می‌داد با ورود و خروج اطلاعات محرمانه از لیبی و تشریح زیرساخت‌ها و نقاط استراتژیک و حساس این کشور نیز همراه بوده است. به‌عوض انگلستان در سال ۲۰۰۶ معاهده‌ای نظامی با لیبی با نام «نامه مشترک صلح و امنیت» امضا کرد تا در صورتی که لیبی مورد حمله قرار گیرد، انگلستان ملزم به حمایت از این کشور باشد. آمریکایی‌ها نیز برای اینکه حسن نیت خود را اثبات کنند، پیمان‌های همکاری اقتصادی در راستای انرژی را با این کشور به امضاء رساندند. بااین حال این پیمان‌ها هنوز به مرحله اجرای کامل درنیامده بود که عهدشکنی‌های غرب آغاز شد. تنها پس از گذشت ۵ سال آمریکا با متحد همیشگی خود انگلستان، به دلیل بالا گرفتن اعتراضات مردمی در لیبی به‌صورت هوایی به این کشور حمله کردند. هنگامی لیبی مورد حمله کشورهای عضو ناتو قرار گرفت که غربی‌ها توانسته بودند موشک‌هایی با برد بیش از ۳۰۰ کیلومتر را از لیبی خارج نمایند تا هیچ‌یک از کشورهای اروپایی در تیررس موشک‌های لیبی قرار نداشته باشد؛ که در پاسخ قذافی که با خروج موشک‌های لیبی از این کشور و در صورت مورد حمله قرار گرفتن از سوی کشوری خارجی، چه قدرتی از لیبی دفاع خواهد کرد، انگلستان متعهد شده بود از لیبی در صورت حمله نظامی کشوری دیگر دفاع کند اما این کشور خود در حمله به لیبی تحت عنوان نیروهای ائتلاف یا ناتو حضور داشت. مسئولان سیاست خارجی انگلیس در همان زمان پا را فراتر گذاشته و اعلام کردند تا زمانی که ناآرامی‌ها در لیبی ادامه داشته باشد، در این کشور می‌مانند. این‌گونه بود که قذافی همه‌چیز را نیز از دست داد. آنگاه که حرکت‌های انقلابی در لیبی و در پی بیداری اسلامی به راه افتاد، آمریکا و ناتو فرصت را غنیمت شمردند تا علاوه بر نابودی زیرساخت‌های لیبی به بهانه کمک به انقلابیون و هدایت تحولات این کشور در راستای منافع غرب، اجازه ندهند قذافی به دست انقلابیون بیفتد تا محاکمه شود.

مروری بر اندیشه مقاومت از منظر مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

معمّر قذافی در مصاحبه‌ای با شبکه بی‌بی‌سی عربی انجام داد می‌گوید: « غرب کشورش را در مسئله هسته ای فریب داده و در ازای کنار گذاشتن برنامه اتمی کمکی به طرابلس ارائه نکرده است. وی تاکید کرد که نحوه برخورد غرب در قبال برنامه هسته ای لیبی نمی تواند الگویی برای وارد کردن سایر کشورها به منظور منصرف کردن آنها از دستیابی به توان هسته ای باشد. غرب هنوز بعد از چندین سال که از همکاری لیبی با غرب در زمینه هسته ای گذشته است، به لیبی در راه دستیابی به انرژی صلح آمیز هسته ای کمک نکرده است.» قذافی در نهایت در ۲۸ مهر ۱۳۹۰ به دست انقلابیون و شورشیان لیبی کشته شد.

هند و تجربه استعمار

دوره استعمار انگلستان در هند حدود یک قرن و نیم از ۱۸۰۰ تا ۱۹۴۷ میلادی طول کشید. نفوذ و تسلط انگلستان در دو مرحله جلوه گر شد؛ نخست از طریق تلاش کمپانی هند شرقی در به دست آوردن اجازه فعالیت‌های بازرگانی و اخذ امتیازات از حکمرانان محلی یا مرکزی که به تصرف سرزمین هند بجز پنجاب، سند و کشمیر و سقوط گورکانیان انجامید و سپس جایگزین شدن دولت انگلستان و اعلام انضمام رسمی هندوستان به مستعمرات و متصرفات بریتانیا. دولت بریتانیا بر اثر شورش‌های سال ۱۸۵۷ میلادی در هند، کمپانی هند شرقی بریتانیا را که گرداننده هند بود منحل کرد و به این سرزمین خودمختاری داده شد. در سال ۱۸۷۷ ملکه ویکتوریا امپراتور بریتانیا به هند دعوت شد. در آن دوران نماینده مخصوص ملکه که از طرف حکومت بریتانیا تعیین می‌شد، بر هند فرمانروایی می‌کرد، و یک هیئت اجرائی، مرکب از افراد عالی‌رتبه دولت بریتانیا او را راهنمایی می‌کردند. به تدریج عده‌ای از رهبران هندی در سال ۱۸۸۴ دستجات و سازمان‌های ملی را تشکیل دادند که هدف اصلی آنان رسیدن به استقلال تام بود. در سال‌های ۱۹۰۶ تا ۱۹۱۵، دولت بریتانیا ناچار شد که اداره بعضی از امور کشور را به مردم هند واگذار نماید.

کمپانی هند شرقی بریتانیا در ابتدا یک شرکت انگلیسی و سپس یک شرکت سهامی بریتانیایی بود که ملکه الیزابت اول در ۳۱ دسامبر ۱۶۰۰ امتیازنامه‌ای سلطنتی را به هدف کسب امتیازهای تجاری در هندوستان به آن اعطا کرد. امتیازنامه شاهی به شکلی مؤثر کمپانی معظم هند شرقی نوظهور را به سوی انحصار ۲۱ ساله همه امور تجاری در هند شرقی، یعنی بخشی که امروزه به آن ناحیه دریایی جنوب شرق آسیا گفته می‌شود، رهنمون شد. کمپانی از یک بنگاه تجاری جاه‌طلب به چیزی تبدیل شد که در عمل زمام امور هندوستان را تا هنگام زوال در سال ۱۸۵۸ در دست داشت. هر چند در اساس‌نامه این شرکت آمده «مجموعه‌ای از شرکای تجاری لندن که در هند شرقی بازرگانی می‌کنند» اما این شرکت به جایی رسید که نیمی از کنترل تجارت دنیا را در اختیار گرفت به‌ویژه تجارت پنبه، ابریشم، نیل، نمک، ادویه، نیترو، چای، و تریاک. این شرکت سرآغازی بر امپراتوری بریتانیا در هند شد.

مروری بر اندیشه مقاومت از منظر مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

نفوذ و سلطه عمیق بریتانیا بر هند، پس از گذشت سه قرن از تأسیس این کمپانی، موجب شد تا هند به عنوان بخشی از امپراتوری بریتانیا اعلام شود و ملکه ویکتوریا به عنوان امپراتوریس هند و انگلیس، تاج گذاری نماید. این دوران، دوران غارت مردم هند توسط انگلستان محسوب می شود که در پوشش روابط اقتصادی و تجارت و بازرگانی، زمینه ساز نفوذ سیاسی در این سرزمین گردید. ویل دورانت، تاریخ نگار معروف می نویسد که انگلیسی ها همه چیز را در هندوستان به فروش می رساندند آنها حتی حاکمان ایالت ها را با دریافت رشوه به قدرت می رساندند، و هندوها را وادار می کردند گران بخرند و ارزان بفروشند و این سیاست امپریالیستی بود که سبب گردید ۳۰ میلیون هندی در کلکته به اوج بدبختی برسند. سیاست امپریالیستی انگلستان ۳۰ میلیون هندی در کلکته را به اوج بدبختی رساند. طی اشغال هند توسط نیروهای بریتانیا، بر اساس منابع مختلف تاریخی، در دهه ۱۷۷۰ میلادی بیش از ۱۰ میلیون هندی تنها در ایالت بنگال این کشور، بر اثر قحطی و گرسنگی، بیماری، بدرفتاری و شکنجه به دست نظامیان انگلیس و یا بر اثر فشار کار اجباری جان خود را از دست دادند. این تاریخ نگار در مورد پرداخت مالیات هندی ها به انگلیسی ها می گوید: در حقیقت هندی ها می بایست در کشور خود به انگلیسی ها مالیات می پرداختند؛ «درصد مالیات ها نسبت به تولید ناخالص ملی در هند بیشتر از هر کشور دیگری در دنیا است تا همین اواخر این رقم معادل دو برابر درصد مالیات ها در انگلیس و سه برابر اسکاتلند بود.» انگلیسی ها به واسطه این مالیات های سنگین، هزینه سربازان هندی را، برای سلطه بر کل این شبه قاره تامین می کردند و بدون صرف هیچ هزینه اقتصادی و انسانی توانستند خود را بر کل هندوستان مسلط سازند. در حقیقت از خود هندی ها برای استعمار و استثمار هندوستان بهره بردند. وی معتقد است که هندوها در برابر این همه ستم هیچ فریادرسی نداشتند. ویل دورانت در ادامه به چگونگی انهدام اقتصادی هندوستان می پردازد و می نویسد: «شرایط اقتصادی هند نتیجه اجتناب ناپذیر استثمار سیاسی آن است.» از سال ۱۹۴۲ نیز قحطی دیگری به دلیل تصمیم استعماری دولت بریتانیا و شخص چرچیل در هندوستان به وقوع پیوست که در حدود ۵ میلیون هندی دیگر را به کام مرگ کشاند. طی سال های ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۴ بین ۵/۳ تا ۵ میلیون هندی بر اثر قحطی جان باختند. به دستور چرچیل در این سال ها، تمامی کشتی هایی که برای انتقال مواد غذایی به هند مورد استفاده قرار می گرفت، به انتقال تجهیزات و آذوقه برای نیروهای نظامی انگلستان در شمال آفریقا به کار گرفته شدند و بدین ترتیب قحطی بزرگی این بار نیز در ایالت بنگال هند جان میلیون ها هندی را گرفت.

علاوه بر فشارهای اقتصادی که بریتانیا بر مردم هند آورد، سربازان و نیروی نظامی انگلیس جنش های مردمی و تظاهرات علیه استعمار پیر را به شدت سرکوب می کردند. به عنوان مثال در سرکوب قیام «سپوی میوتینی» در سپتامبر ۱۸۵۷، سربازان هندی، اعم از هندو و مسلمان، که در خدمت کمپانی هند شرقی بریتانیا بودند، به رهبری «بهادر شاه ظفر»، آخرین بازمانده خاندان سلطنتی گورکانی مسلمان هند، در دهلی علیه فرماندهان انگلیسی خود به پا خاستند. در جریان سرکوب این خیزش، سربازان انگلیسی هر جنبنده ای که سر راهشان قرار می گرفت، به گلوله می بستند. حداقل

مروری بر اندیشه مقاومت از منظر مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

۱۰۰۰ سرباز هندی در جریان این سرکوب خونین کشته شدند. یکی از افسران جوان انگلیسی که شاهد عینی ماجرا بود بعدها چنین گفت: «دستور این بود که به هر موجود زنده‌ای شلیک کنیم... این عینا یک کشتار بود.» همچنین در کشتار «آمریستار» در آپریل ۱۹۱۹، تظاهرات صلح آمیز هزاران هندی علیه حکومت استعماری بریتانیا در هند، در شهر آمریستار برگزار شد. تظاهرات کنندگان در نهایت توسط سربازان انگلیسی در کنار دیوارهای باغ معروف «جالینا والا» محاصره شدند. به یکباره، سربازان انگلیسی به رهبری ژنرال «دایر» به روی جمعیت آتش گشودند و صدها نفر را کشتند. ژنرال دایر به خاطر همین عمل در افکار عمومی بریتانیا به عنوان قهرمان تجلیل شد و ۲۶۰۰۰ پوند دستخوش گرفت.

جداسازی قومی مضرت‌ترین و همزمان دیرپاترین میراث استعماری بریتانیا در شبه قاره، تقسیم آن به سه کشور بود: هند، پاکستان و بنگلادش. روابط این سه کشور، به ویژه هند و پاکستان تا همین امروز هم تنش آلود و خصمانه مانده است. این جداسازی، بزرگ‌ترین مهاجرت تاریخ بشر را از ابتدای خلقت آدم رقم زد. میلیون‌ها انسان از هند به پاکستان و بالعکس، در شرایطی بسیار سخت و جان‌فرسا مهاجرت کردند که برخی منابع رقم آن را تا ۱۵ میلیون نفر ذکر کرده‌اند. در جریان این مهاجرت بزرگ، حدود یک میلیون نفر جان باختند. مضاف بر این که در جریان مبارزات استقلال‌طلبانه بنگلادش در دهه ۱۹۷۰، حدود نیم میلیون نفر کشته شدند. (رک: کتاب استعمار انگلیس و مسلمانان شبه قاره هند، منصور طرفداری)

بخش هفتم؛ مسئولیت جوانان و بانوان

رهبر فرزانه انقلاب اسلامی در سخنرانی‌های خود به وظایف گروه‌ها، سازمان‌ها، نهادها و اقشار مختلف در قبال ایستادگی و مقاومت اشاره کرده‌اند. در این بخش به دو مخاطب بسیار مهم ایشان اشاره شده است که جوانان و بانوان هستند. در ادامه بخش‌هایی از بیانات رهبر انقلاب اسلامی درباره این دو گروه آمده است.

تقویت نظری و عملی مقاومت

«بعضی تصور نکنند که چون دشمن بمب دارد، موشک دارد، دستگاه‌های تبلیغاتی دارد و از این قبیل، ما عقب نشینی [کنیم]؛ نخیر، نظریه مقاومت، یک نظریه اصیل و درست است؛ هم در مقام نظر، هم در مقام عمل؛ از لحاظ نظری و از لحاظ عملی - از هر دو جهت - باید [ترویج شود]. معنای نظری این است که تبیین کنید. شما جوان‌ها خیلی خوب می‌توانید این نظریه مقاومت را تبیین کنید؛ هم در بین خودتان و هم محیطی که در آنجا قرار دارید و هم حتی در ارتباط با کشورهای دیگر و جوان‌های دیگر. نظریه مقاومت را، این را که هدف استکبار سیطره است، هدف استکبار سلطه است، سلطه بر ملت‌ها است، برای همه تبیین کنید، بدانند که هدف استکبار این است.» (در دیدار دانش

آموزان و دانشجویان ۱۳۹۷/۸/۱۲)

مروری بر اندیشه مقاومت از منظر مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)

نقش حضور اسلامی و انقلابی جوانان در ناامید کردن دشمن

«شما جوانان عزیز بدانید، در هر جایی که یک تظاهرات اسلامی یا انقلابی یا دینی از خودتان نشان می‌دهید، وقتی در مجالس دعا شرکت می‌کنید، وقتی در مجامع اعتکاف شرکت می‌کنید، وقتی در تظاهرات بیست و دوم بهمن شرکت می‌کنید، وقتی در روز قدس شرکت می‌کنید، وقتی مسئولان کشور مثل رئیس جمهور و دیگران را مورد احترام قرار می‌دهید، از هر حرکتتان که نشان دهنده دین‌داری و علاقه‌مندی شما به انقلاب باشد، منافقین به خودشان می‌لرزند و ناراحت می‌شوند! اینها همان کسانی هستند که با حرف‌های خود، با اظهارات خود، با موضع‌گیری‌های خود، با تبلیغات خود، احیاناً با دخالت خود در بعضی از اغتشاش‌ها، دشمن خارجی را امیدوار می‌کنند و دشمن خارجی خیال می‌کند که حال باید به سمت تصرف ایران، تسلط بر ملت ایران و در هم شکستن مقاومت انقلابی بیست و یکساله‌ی ملت ایران بیاید. در واقع اینها مقصّرند؛ اینها به دشمن روحیه می‌دهند.» (در دیدار با جوانان در مصلاّی بزرگ تهران ۱۳۷۹/۲/۱)

جوان مؤمن انقلابی؛ عامل ایستادگی در برابر حمله نظامی و فرهنگی

«اگر روزی دشمنی به کشوری حمله نظامی کند، چه کسی در مقابلش می‌ایستد؟ کسی که از همه به سرزمین خود علاقه‌مندتر است؛ به ملت خود علاقه‌مندتر است؛ به زخارف دنیوی بی‌علاقه‌تر است؛ احساس مسئولیت بیشتری می‌کند و متعهدتر است؛ چنین کسی می‌رود دفاع می‌کند. شما دیدید که در دوران جنگ، چه کسانی رفتند دفاع کردند. عمده میدان ما را، بسیج پر کرد. بسیج یعنی همین؛ یعنی عنصر مؤمن انقلابی علاقه‌مند به سرنوشت میهن، علاقه‌مند به سرنوشت کشور و یک فرد فداکار. رفت وسط میدان و با فداکاری، دشمن را به زانو درآورد. در زمینه فرهنگی نیز همین طور است. آن عنصری که وابسته به دستگاه شاهنشاهی است و دلش به یاد آن روزها می‌تپد، نمی‌آید از نظام و فرهنگ اسلامی دفاع کند. چرا ما باید غافل باشیم؟! کسی از فرهنگ اسلامی و حیثیت و موجودیت این ملت دفاع می‌کند و در مقابل تهاجم دشمن می‌ایستد که دلش در هوای اسلام بتپد و اسلام و ایران را دوست بدارد. عده‌ای که دین ندارند، میهن‌دوستی هم ندارند؛ ایران را هم قبول ندارند. کسی که سلطه آمریکا را برای ایران بپسندد و تشویق کند، میهن‌دوست نیست... من می‌گویم: اگر می‌خواهید هنر این کشور رشد و اعتلاء پیدا کند، به هنرمند جوان مؤمن تکیه کنید. او می‌تواند از اسلام و از انقلاب و از این کشور دفاع کند.» (در دیدار وزیر، معاونین و رؤسای مناطق آموزش و پرورش سراسر کشور ۱۳۷۱/۵/۲۱)

وظیفه جوانان در مبارزه با آمریکا

«جوانان عزیز ما متوجه جریان فرهنگی ای که می‌خواهند راه بیندازند، باشند؛ یعنی تزریق لابی‌گری و اباچیگری و کشاندن به هرزگی و بی‌اعتنائی به اخلاق منضبط دینی و اسلامی. هم جوانان، هم مسئولان علمی، هم آموزش و پرورش و هم کسانی که به مسائل جوانان می‌پردازند باید مراقب این موارد باشند. امروز مبارزه با آمریکا اینجاها است. مبارزه با آمریکا در میدان علم هم صدق می‌کند. آنجا هم از اینکه پیشرفت علمی داشته باشیم، ناراحتند.» (خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۸۲/۸/۲۳)

مروری بر اندیشه مقاومت از منظر مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)

وظیفه جوانان مؤمن برای ترویج استقامت

«بصیرت لازم است - جزو شرط‌های لازم است - مجاهدت لازم است، ثبات لازم است. عزیزان من! ثبات در این راه، استقامت در این راه، یکی از واجب‌ترین و مهم‌ترین عوامل پیشرفت است. سعی کنید محیط خودتان را، پیرامون خودتان را، عناصر مرتبط با خودتان را و پیش از همه، درون و دل خودتان را وفادار و باثبات نگه دارید نسبت به این آرمان‌ها و نسبت به این راه و نسبت به این اهداف والا؛ قطعاً پیروز خواهید شد، قطعاً پیروزی با شما خواهد بود. و من می‌بینم آن روزی را که ان شاء الله به توفیق الهی همین چیزهایی را که امروز ما می‌گوییم باید بشود و خواهد شد، شما جوانان عزیز خواهید گفت این کارها انجام گرفت، این کارها شد.» (در دیدار بسیجیان ۱۳۹۶/۹/۱)

تقویت ایمان و علم برای مقابله با دشمن

«خوشبختانه امروز میدان علم باز است، میدان فعالیت‌های فناوری باز است؛ مسئولین کشور میدان‌های اقتصادی را هم باید باز کنند تا جوان‌های این کشور با اعتماد به نفس وارد میدان‌های گوناگون بشوند. این کشور مال شما است. نسل ما آنچه که در توان داشته است، در طول سال‌های متمادی انجام داده است. امروز کشور مال جوان‌ها است، متعلق به جوان‌ها است. در بخش‌های گوناگون، جوان‌ها باید خودشان را آماده نگه دارند. با نفوذ دشمنان، با تأثیر فرهنگی دشمنان، با عوامل سست‌کننده‌ای که دشمن در جامعه تزریق می‌کند، شما جوان‌ها مقابله و مبارزه کنید. اسلام را به عنوان نجات بخش مادی و معنوی بدانید و بشناسید.

پرچم اسلام ان شاء الله همه این منطقه را نجات خواهد داد. امروز ما داریم مشاهده می‌کنیم که روزه روز نهضت اسلامی در این منطقه عظیم اسلامی خاورمیانه رو به گسترش است؛ دشمن در حال انزوا است، در حال عقب‌نشینی است و حرکت اسلامی علی‌رغم حرکتی که دشمن برای خاموش کردن آن می‌کند، در راه پیشروی است. من تردیدی ندارم که آینده متعلق به اسلام است، آینده در قلمرو اسلام است و شما جوان‌ها ان شاء الله به توفیق الهی آن روزی را که پرچم اسلام در همه این مناطق به اهتزاز در بیاید و یک مجموعه متحد اسلامی مقتدر و باعزت تشکیل بشود، خواهید دید.» (در اجتماع مردم گیلان غرب ۱۳۹۰/۷/۲۳)

مقاومت شجاعانه و خستگی ناپذیر

«عزیزان، سلاح شما ایمان صادقانه و منطق مستحکم و عزم پولادین است. نباید تصور کرد که بسیج دانشجویی حتی در دورانی که کشور در حال جنگ مسلحانه نیست، یک مجموعه نظامی است. سازمان بسیج در دوران حاضر باید کانون رشد و اشاعه تفکر بسیجی باشد. و تفکر بسیجی ترکیبی است از ایمان عمیق، تلاش مخلصانه، هشیاری در شناخت دشمن، گذشت و ایثار در برابر دوست و ایستادگی و مقاومت شجاعانه و خستگی ناپذیر... و این است آن حقیقت والایی که امام بزرگوار ما به خاطر آن، بسیجی بودن را افتخار خود می‌دانست.» (پیام به پنجمین گردهمایی بسیج دانشجویی ۱۳۷۷/۷/۱۴)

مروری بر اندیشه مقاومت از منظر مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

وظیفه ی بسیج در مقابله با نفوذ دشمن

«حضور بسیج به معنای حضور مردم است؛ وقتی بسیج یکجا حاضر است، معنایش این است که ملت ایران حاضر است؛ همین طور که عرض کردیم بسیج نمونه و مسطوره ملت ایران است، یک نمونه و یک نشانه‌ای است از مجموعه ملت ایران. خب، این حضورهم البته معلوم است که برای دفاع از آرمان‌ها است، برای دفاع از ارزشها است، برای دفاع از هویت انقلابی و دفاع از هویت ملی است، برای کمک به این ملت و این کشور است در رسیدن به آن نقاطی که شایسته آن است و آنها را به برکت انقلاب ترسیم کرده است و دارد حرکت می‌کند؛ حضور بسیج طبعاً به این معنا است؛ باید دفاع کند. خب، وقتی می‌گوییم باید دفاع کند، یک سؤال به ذهن می‌رسد که مگر حمله‌ای وجود دارد که دفاع کند؟ مگر دشمنی هست که باید دفاع کرد در مقابل آن دشمن؟ این سؤال به ذهن می‌آید. شماها جواب این سؤال را بروشنی می‌دانید؛ بله، دشمن هست؛ دشمن غدّار، زرنگ، دست و پادار، متقلّب، شیطان‌صفت در مقابل این حرکت عظیم وجود دارد؛ آن دشمن کیست؟ استکبار. البته مظهر استکبار، امروز آمریکا است؛ یک روزی انگلیس بود. این دشمن، بیکار نیست، مشغول است؛ دائم مشغول است.» (در دیدار فرماندهان گردان‌های بسیج در آستانه روز بسیج مستضعفین ۱۳۹۴/۹/۴)

اهمیت تبیین درست و هوشمندانه به عنوان کار اساسی

«یک نکته هم این است که تبیین را اساس کار بدانید. بنده می‌بینم گاهی اوقات یک جماعتی، یک افرادی، جوان‌های احتمالاً صالح و مؤمنی با یک کسی مخالفند یا با یک جلسه‌ای مخالفند، بنا می‌کنند هیاهو کردن و جنجال کردن و شعار دادن. بنده با این کارها موافق نیستم؛ این هیچ فایده‌ای ندارد؛ این را من از قدیم به کسانی که در این کارها بودند، همواره سفارش کرده‌ام. اینکه بروند در یک مجلسی، چون فلان کس سخنرانی می‌کند که شما مثلاً او را قبول ندارید - ممکن هم هست حق با شما باشد یا نباشد - برویم این مجلس را خراب کنیم، به هم بزنی؛ نه، این هیچ فایده‌ای ندارد. فایده در تبیین است، فایده در کار درست است، در کار هوشمندانه است؛ اینها است که فایده دارد. گاهی اوقات بعضی‌ها از روی اغراضی این کارها را می‌کنند، به پای بچه‌های مؤمن و حزب اللّهی می‌اندازند؛ حواستان به این هم باشد.» (در مراسم دانش آموزان دانشجویان دانشگاه امام حسین (ع) ۱۳۹۵/۳/۳)

وظیفه جوانان و نوجوانان نسبت به نفوذ

«عزیزان من! امروز ملت ما و کشور ما دشمنانی دارد؛ دشمنانی که سعی می‌کنند از هر راهی برای نفوذ در کشور و تسلط بر این کشور استفاده کنند؛ تسلط اقتصادی، تسلط سیاسی، تسلط فرهنگی. یکی از راه‌هایی که آنها در پیش می‌گیرند، نفوذ در جوانان ما و نوجوانان ما است؛ متوجّه این نفوذ باشید. سعی کنید به خودتان مصونیت ببخشید؛ نه فقط به خودتان، [بلکه] به پیرامونیان خودتان - به کسانی که با آنها هم‌کلاس هستید، هم‌درس هستید، هم‌بازی هستید - در مقابل دشمنان مصونیت ببخشید.» (در مراسم جشن تکلیف دانش آموزان ۱۳۹۵/۹/۲۳)

مروری بر اندیشه مقاومت از منظر مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

وظیفه جوانان در کسب ویژگی های لازم برای مبارزه

«فتح الفتوح برای یک کشور این است که جوان های این کشور، هم خردمند باشند، هم باتدبیر باشند، هم مؤمن باشند، هم پارسا باشند، هم اهل تضرع و گریه و عبادت باشند، هم اهل ایستادگی در مقابل دشمن باشند، هم دارای بصیرت باشند که با این همه تبلیغاتی که دشمن و ایادی دشمن در همه زمان ها کرده اند و امروز هم دارند می کنند، فریب نخورند. یک چنین جوان هایی وقتی در کشور وجود داشته باشند، آن کشور مصونیت پیدا می کند.» (در دیدار نوجوانان و جوانان شرکت کننده در کاروان های راهیان نور ۱۳۹۶/۱۲/۱۹)

جوانان؛ نوک پیکان مجاهدت

«آنچه برای شما جوان ها مهم است که به آن توجه کنید، این است که نوک پیکان این حرکت عظیم ملی، شما جوان ها هستید؛ شما هستید که راه را باز می کنید. پیرانِ مجرب اگر خسته نباشند، بی حال نباشند، از کار افتاده نباشند، می توانند راهنمایی کنند، ولی موتور پیش برنده این قطار، شما جوان ها هستید. در گذشته هم همین جور بوده است؛ در همه عرصه های جهاد همین جور بوده است. ما در این حدود چهل سال جهادهای متعددی داشته ایم؛ در همه این جهادها جوان ها جلو بوده اند، جوان ها راه گشا بوده اند، جوان ها نوک پیکان بوده اند.» (در همایش ده ها هزار نفری خدمت بسیجیان در ورزشگاه آزادی ۱۳۹۷/۷/۱۲)

حیا و اخلاق جوانان؛ مایه اقتدار

«ایمان و حیا و اخلاق جوانان هم مایه اقتدار است، [لذا] با آن دشمنند. این همه در فضای مجازی و در رسانه ها فعالیت می کنند، میلیارد ها خرج می کنند برای اینکه بتوانند از جوان ایرانی اخلاق را، ایمان را، پایبندی به شریعت را، حیا را سلب کنند و بگیرند؛ چرا؟ چون اینها مایه اقتدار کشور است. با جوان مؤمن متشرع باحیای باایمان که در مقابل این وسایل شهوت انگیز نمی لغزد و می تواند خودش را نگهدارد، و برای کشور مایه اقتدار است، دشمنند.» (در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع) ۱۳۹۶/۲/۲۰)

افسران جنگ نرم

«ما عرض کردیم افسران جوان جنگ نرم. اعتقاد من این است - این هیچ تعارف نیست - که در این میدان، شماها افسرید؛ سرباز صفر نیستید. شما جوانید، میدان مبارزه شما هم میدان جنگ نرم است. امروز خوشبختانه جنگ نظامی نداریم؛ اگر یک وقتی جنگ نظامی هم پیش بیاید، باز پیش قراول هایش جوان هایند. امروز جنگ نرم مطرح است؛ نه امروز، سی سال است مطرح است.» (در دیدار دانشجویان ۱۳۹۱/۵/۱۶)

از نظر مقام معظم رهبری این افسران جنگ نرم دارای وظایفی هستند که در ادامه به آنها اشاره شده است.

مروری بر اندیشه مقاومت از منظر مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)

بالا بردن معرفت‌های اسلامی

«اولاً معرفت‌هایتان را بالا ببرید. عزیزان من! سقف معرفت خودتان را، سایت‌های سیاسی و اوراق روزنامه‌ها و پرسه زدن در سایت‌های گوناگون قرار ندهید؛ سقف معرفت شما اینها نیست. سطح معرفت را بالا ببرید. با قرآن، با نوشتجات مرحوم شهید مطهری، با نوشتجات فضلالی بزرگی که خوشبختانه امروز در حوزه‌های علمیّه حضور دارند، آشنا شوید. امروز فضلالی جوانی در حوزه‌های علمیّه هستند که می‌توانند در این قسمت به مجموعه جوان‌های دانشگاهی یاری بدهند؛ کم‌اینکه کارهای خوبی هم دارد انجام می‌گیرد. سطح معرفت دینی بالا برود؛ این یکی از کارها است که حتماً لازم است. به نظر من آن کاری که مهم است انجام بگیرد، مطالعات اسلامی است.» (در دیدار دانشجویان ۱۳۹۱/۵/۱۶)

توجه به اوضاع کشور همراه با انتقاد منصفانه

«نظارت و توجه به اوضاع کشور. نگاه مستفسرانه و دنبال پیدا کردن واقعیت، همراه با انتقاد. قبلاً هم عرض کردم که انتقاد هیچ اشکالی ندارد؛ نگاه منتقدانه هیچ اشکالی ندارد، منتها انتقاد درست؛ بی‌انصافی نشود. آدم گاهی می‌بیند در بعضی از انتقادها، بی‌انصافی می‌شود. حالا شما یک خرده تندید و جوان هم هستید و آدم خیلی هم توقع ندارد؛ اما آنهایی که ریش و سبیلشان سفید هم شده، گاهی اوقات انسان می‌بیند که بی‌انصافی می‌کنند؛ در بیان کردن و گفتن و حرف زدن نسبت به این و آن، بی‌ملاحظگی می‌کنند. مراقبت کنید بی‌انصافی نشود. بنابراین نقد مستمر، نظارت مستمر و متعادل بر اوضاع کشور، بر مدیریت‌ها، جزو کارهای بسیار لازم است؛ البته باید با عقلانیت و بامدارا همراه باشد، بدون افراط، بدون پرخاشگری؛ اما نگاه نقادانه. به نظر من این هم کار لازم دیگری است.» (در دیدار دانشجویان ۱۳۹۱/۵/۱۶)

ارتباط با تشکلهای دانشجویی جهان اسلام

«ارتباط با تشکلهای دانشجویی جهان اسلام هم کار لازمی است که یکی از دوستان در اینجا مطرح کردند؛ بنده هم تأیید می‌کنم. امروز در دنیای اسلام، در ذیل بیداری اسلامی، مجموعه‌های دانشجویی حالا چه جور تشکلی‌اند، شاید همه‌شان یکسان هم نباشد - مجموعه‌های فعالی هستند، قبلاً هم فعال بودند؛ بعضی‌هایشان در این حرکت‌ها نقش آفرینی اساسی کردند. به نظر من با اینها ارتباط داشته باشید. دستگاه‌های گوناگون کشور در این زمینه باید به شما کمک کنند؛ البته ما هم سفارش خواهیم کرد.» (در دیدار دانشجویان ۱۳۹۱/۵/۱۶)

زنده نگه داشتن امید در خود و دیگران

«... عزیزان من! اساسی‌ترین قضیه هم امید است. من به شما عرض بکنم؛ از جمله سخت‌ترین کارهایی که علیه من و شما دارد انجام می‌گیرد، این است که امید را در ماها بمیرانند. سعی کنید امید را زنده نگه دارید. هرچه می‌توانید، شعله امید را در دل خودتان و در دل مخاطبانتان زنده نگه دارید. با امید است که می‌شود پیش رفت. امید هم امید بیجا نیست؛ امیدی است که واقعیت‌ها کاملاً ما را به درستی آن نوید می‌دهد.» (در دیدار دانشجویان ۱۳۹۱/۵/۱۶)

مروری بر اندیشه مقاومت از منظر مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

مسئولیت بانوان

«زن در تعریف غالباً شرقی، همچون عنصری در حاشیه و بی نقش در تاریخ سازی، و در تعریف غالباً غربی، به مشابه موجودی که جنسیت او بر انسانیتش می‌چربد و ابزاری جنسی برای مردان و در خدمت سرمایه‌داری جدید است، معرفی می‌شد. شیرزنان انقلاب و دفاع مقدس نشان دادند که الگوی سوم، «زن نه شرقی، نه غربی» است. زن مسلمان ایرانی تاریخ جدیدی را پیش چشم زنان جهان گشود و ثابت کرد که می‌توان زن بود، عفیف بود، محجبه و شریف بود و در عین حال، در متن و مرکز بود؛ می‌توان سنگر خانواده را پاکیزه نگاه داشت و در عرصه سیاسی و اجتماعی نیز سنگر سازی‌های جدید کرد و فتوحات بزرگ به ارمغان آورد؛ زنانی که اوج احساس و لطف و رحمت زنانه را با روح جهاد و شهادت و مقاومت درآمیختند و مردانه‌ترین میدانها را باشجاعت و اخلاص و فداکاری خود فتح کردند. در انقلاب اسلامی و در دفاع مقدس، زنانی ظهور کردند که می‌توانند تعریف زن و حضور او در ساحت رشد و تهذیب خویش، و در ساحت حفظ خانه سالم و خانواده متعادل، و در ساحت ولایت اجتماعی و جهاد امر به معروف و نهی از منکر، و جهاد اجتماعی را جهانی کنند و بن‌بست‌های بزرگ را درهم بشکنند. اقتدار و جذبه تازه‌ای به برکت خون این زنان مجاهد در عصر جدید ظهور کرده است که زنان را ابتدا در جهان اسلام تحت تأثیر قرارداد و دیر یا زود در سرنوشت و جایگاه زنان جهان دست خواهد برد. تا آفتاب درخشان خدیجه‌ی کبری علیهاالسلام و فاطمه‌ی زهرا علیهاالسلام و زینب کبری علیهاالسلام می‌درخشد، طرح‌های کهنه و نو «ضد زن» به نتیجه نخواهد رسید و هزاران زن کربلایی ما نه تنها خطوط سیاه ستم‌های ظاهری را در هم شکسته‌اند، بلکه ستم‌های مدرن به زن را نیز رسوا و بی‌آبرو کرده و نشان داده‌اند که حق کرامت الهی زن، بالاترین حقوق زن است که در جهان به اصطلاح مدرن، هرگز شناخته نشده و امروز وقت شناخته شدن آن است. به خانواده‌ی این شهیدان والامقام تبریک می‌گویم و امیدوارم که به برکت خون این زنان شریف و مجاهد، رسانه‌ها و هنرمندان و فرزندان و سینماگرانی بتوانند جهاد بزرگ زن ایرانی مسلمان را به دنیا که سخت محتاج شناختن آن است، بنمایانند. زن مجاهد مسلمان ایرانی، معلم ثانی برای زنان جهان خواهد بود؛ پس از معلم اول که زنان مجاهد صدر اسلام بودند.» (پیام به کنگره‌ی «هفت هزار زن شهید کشور» ۱۶/۱۲۱۳۹۱)

بخش هشتم؛ آینده روشن

واقعیت‌های امیدبخش و عبرت آموز کشور

«یک نگاه کلی به کشور بکنیم... آنچه که امروز لازم است و خوب است که مورد توجه قرار بگیرد، یک نگاه کلی به کشورمان و به شرایط عمومی کشور است. نمی‌خواهیم به جزئیات سرگرم شویم - جزئیات فراوانی وجود دارد - یک نگاه کلان به امور کشور عزیزمان و نظام جمهوری اسلامی بکنیم، ببینیم ما کجاایم، چه هستیم. چند عنصر را من اینجا یادداشت کرده‌ام - شش هفت عنصر را - اینها همه‌اش واقعیت‌ها است:

مروری بر اندیشه مقاومت از منظر مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

موقعیت جغرافیایی خوب

واقعیت اول: کشور ما کشوری است با جغرافیای مهم. موقعیت جغرافیایی ما یکی از موقعیت‌های جغرافیایی خوب کشورهای دنیا است. اگر کشورهای دنیا را از لحاظ موقعیت جغرافیایی به چند درجه تقسیم کنیم، یقیناً ایران در درجات بالا یا در بالاترین درجه قرار خواهد گرفت. از لحاظ موقعیت جغرافیایی، این یک امتیاز است؛ این را ما داریم، این خداداد است.

تاریخ و ریشه‌های تمدنی

واقعیت دوم، تاریخ و ریشه‌های تمدنی ما است. ریشه‌های تمدنی کهن ما، تاریخ ما، تاریخ بافتخاری است؛ بخصوص از دوره اسلام به این طرف. قبل از اسلام هم برجستگی‌هایی در تاریخ کشور ما وجود دارد، اما بعد از اسلام این برجستگی‌ها بمراتب بیشتر شده؛ از لحاظ علم، از لحاظ صنعت، از لحاظ مسائل فرهنگی، از لحاظ افتخارات گوناگون سیاسی، از لحاظ توسعه کشور؛ چه توسعه کیفی، چه توسعه کمی. این تاریخ ما است. میراث علمی ما در بخش‌های مختلف دانش بشری و دانش‌های الهی، میراث کم نظیری است. واقعاً کمتر کشوری در همین مناطق آسیا و تمدن‌های کهن - در هند و چین و مصر و امثال اینها - این جور بوده است؛ حالا مناطق غرب که گذشته آن چنانی‌ای ندارند. بنابراین ما از لحاظ تمدن جزو برجسته‌ها و برترین‌ها هستیم؛ این هم یک واقعیتی است.

ثروت‌های انسانی و طبیعی چشمگیر

واقعیت سوم، ثروت‌های طبیعی و انسانی چشمگیر است. حدود بیست و چند سال قبل از این گفته می‌شد که ذخیره نفت کشور در فلان تاریخ - یک مقطعی را مشخص می‌کردند - تمام خواهد شد؛ اما کشفیاتی که در زمینه ذخایر نفتی و گازی شده، این مدت را به حدود چهار پنج برابر گسترش و توسعه داده. در زمینه فلزات، در زمینه انرژی، در زمینه ذخایر گوناگونی که یک کشور برای اداره خودش به آنها احتیاج دارد، کشور غنی‌ای هستیم، کشور فوق العاده‌ای هستیم. از لحاظ منابع انسانی هم همین جور. بارها این را گفتیم - اوایل از روی حدس و گمان می‌گفتیم، بعد آمارهای بین المللی همین را تأیید کرد - که ما از لحاظ رتبه استعداد انسانی، در رتبه‌های بالا هستیم؛ یعنی از متوسط جوامع بشری موجود دنیا خیلی بالاتریم؛ متوسط ما از متوسط دنیا بالاتر است. استعدادهای ما، جوان‌های ما فوق العاده‌اند؛ دارید می‌بینید دیگر. من شاید مکرراً این را گفته‌ام؛ با اطلاعاتی که بنده دارم و گزارش‌هایی که در اختیار بنده قرار می‌گیرد و مشاهداتی که وجود دارد، هیچ قسمتی از قسمت‌های گوناگون علم و فناوری وجود ندارد که زیرساختش در کشور وجود داشته باشد و جوان‌های ما و دانشمندان ما نتوانند در آن قسمت کار بزرگی انجام دهند؛ هر جا نمی‌توانند، زیرساخت‌هایش وجود نداشته است؛ که البته این زیرساخت‌ها را باید به وجود بیاورند، و دارند هم به وجود می‌آورند. این، ثروت طبیعی و ثروت انسانی ما است.

مروری بر اندیشه مقاومت از منظر مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

ضربه‌های سنگین استبداد داخلی و استعمار بر کشور

یک واقعیت دیگر هم در کنار این واقعیت‌ها باید مشاهده شود و آن این است که ما در طول دو سه قرن اخیر ضربه‌های سختی خوردیم؛ هم از ناحیه استبداد داخلی و دیکتاتوری‌های داخل کشور، هم از ناحیه تهاجم‌های بیرونی. این یک واقعیتی است که ما ضربه خوردیم. تاریخ ورود و نفوذ دولت‌های بیگانه در کشور ما از سال ۱۸۰۰ میلادی است؛ یعنی ۲۱۲ سال است که اولین نفوذ خارجی از طریق حکومت انگلیسی هند اتفاق افتاد؛ جان ملکم انگلیسی آمد ایران - که حالا تاریخش را کسانی که ملاحظه کردند، می‌دانند - و تبعاتی که پیش آمد. ضعف آن دولت‌ها در مواجهه با نفوذ و تهاجم فرهنگ غربی و سیاست غربی و حکومت‌های غربی، موجب انفعال کشور شد و همین طور رفته رفته ما دچار ضعف شدیم، هزیمت‌هایی داشتیم؛ این هم یک واقعیتی است. ما در برآورد مسائل کشور و شناخت وضعیت کنونی کشور نمی‌توانیم این دوره را ندیده بگیریم. ضربه‌های سختی به ما زدند؛ هم نفوذ سیاسی پیدا کردند، هم نفوذ فرهنگی پیدا کردند، هم منابع ما را غارت کردند. متأسفانه هنوز کار درستی در این زمینه انجام نگرفته. محققین و مورّخین ما باید بنشینند یک کار مبسوط و مشروحی را انجام دهند در مورد غارت منابع اقتصادی کشور به وسیله کشورهای متنفذ خارجی که وارد اینجا شدند؛ مثل انگلیس در یک برهه‌ای، روس‌ها در یک برهه دیگری، و دیگرانی که در کنار اینها بودند - که البته عمده اینها بودند - بعد هم آمریکا در نهایت کار. غارت ثروت، سلطه سیاسی، تحقیر ملت. آنچه که شما از زبان سیاستمداران و دولتمردان وابسته به سیاست‌های غربی و دستگاه‌های استبدادی شنفتید در زمینه تحقیر ایران و ایرانی و اینکه «نمی‌توانیم» و چه و چه، اینها همه‌اش ناشی از همان سلطه فرهنگ غربی و سلطه سیاسی غرب بر کشور ما بوده. اینها جزو واقعیت‌ها است.

بیداری ملی در مشروطه، نهضت ملی نفت و انقلاب اسلامی

بیداری ملی است در سه مقطع. در سه مقطع، ما یک بیداری عمومی و ملی داشتیم: اول، مقطع مشروطیت؛ دوم، مقطع نهضت ملی - آیه‌الله کاشانی و دکتر مصدق - و سوم، مقطع انقلاب اسلامی. در آن دو مقطع، ملت ایران شکست خورد. قیام مشروطیت، قیام مهمی بود؛ لیکن شکست خوردند. در نهضت ملی قیام کردند، شکست خوردند. حالا عوامل این شکست چیست، اینها بحث‌های طولانی و مفصلی است؛ هر کدام عواملی داشته. سوم، مقطع انقلاب اسلامی است. اینها حرکت‌های ملی است. البته حرکت‌ها و اقدام‌ها و نهضت‌های غیر عمومی هم وجود داشته - مثل نهضت تنباکو و اینها - آنها یک حرکت ملی برای تغییر بنیادین و تحول در کشور نبود؛ برای یک مسئله خاص بود. آنچه که می‌شود گفت یک حرکت ملی، یک کار بزرگ، همین سه مقطع بود. آن دو مقطع شکست خورد؛ اما مقطع پیروزی انقلاب اسلامی، مقطع برجسته‌ای بود که غرب را و معارضان مقابل خود را شکست داد و به زانو درآورد؛ و این به برکت شخص امام و شخصیت امام و به برکت احکام و قوانینی بود که امام بزرگوار ما (رضوان الله تعالی علیه) به آنها متکی بود و جمهوری اسلامی را بر آن اساس به وجود آورد و خطوط روشنی که ترسیم کرد؛ این یک واقعیتی است. بنابراین ما در مقابل آن هزیمتی که در آن دو قرن - تقریباً - در مقابل تهاجم غربی‌ها داشتیم، این حرکت مواجهه پیروزمند با غرب را هم داشتیم؛ این هم یک واقعیتی است.

مروری بر اندیشه مقاومت از منظر مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)

تجربه پیشرفت در عرصه‌های گوناگون

واقعیت ششم، تجربه پیشرفت در عرصه‌های گوناگون است. بعضی‌ها در زمینه مسائل سیاسی - چه سیاست خارجی، چه سیاست داخلی، چه اقتصاد، چه غیره - می‌گویند آقا باید واقع بین بود. خوب، واقعیت‌ها اینها است؛ این واقعیت‌ها را باید دید. یکی از مهم‌ترین واقعیت‌ها، پیشرفت‌های یک کشور است. کشور ایران از مقطع پیروزی انقلاب - یعنی از سال ۱۳۵۷ - تا امروز به قدری تغییر کرده است که این مقدار تغییر را ما در ظرف این مدت در کشورهای دیگر نمی‌بینیم؛ یعنی بنده سراغ ندارم. کشورهای پیشرفته تمدنی و صنعتی و علمی، فاصله حرکتشان تا رسیدن به این نقطه‌ای که ما امروز رسیدیم، فاصله بیشتری بوده است. تا آنجایی که بنده اطلاع دارم، به نظرم می‌رسد که در دنیا این مقدار پیشرفت کمتر دیده شده است یا دیده نشده است. ما، هم در زمینه‌های علمی پیشرفت کرده‌ایم - که یک بخشی را آقای رئیس جمهور امروز اشاره کردند، و البته پیشرفت‌های علمی ما خیلی بیش از اینها است؛ نه اینکه به عنوان مسئولان داخلی این حرف را بزنیم؛ نه، این قضاوت مراکز علمی دنیا است - هم در زمینه سیاسی پیشرفت کرده‌ایم. در زمینه سیاست داخلی، همین مدل جدید مردم سالاری دینی که ما به دنیا عرضه کرده‌ایم، همین انتخابات، همین دست به دست شدن قدرت اجرائی و قدرت تقنینی کشور، یکی از بزرگ‌ترین موفقیت‌ها است. مردم سالاری دینی، مردم سالاری سالم است؛ بدون کارها و شگردها و خدعه‌هایی که در دنیا معمول است. من متأسفم از اینکه خیلی از جوان‌های ما از این شگردهایی که در دنیا، در آمریکا، در غرب، در اروپا، در زمینه انتخابات به کار می‌برند، که ظاهر دموکراسی دارد، اما باطن غیر دموکراسی دارد، خبر ندارند. کتاب‌های خوبی در این زمینه نوشته شده، خود غربی‌ها نوشته‌اند؛ اینها را بخوانند، این کتاب‌ها را ببینند؛ چگونگی انتخاب یک شهردار یا یک فرماندار در فلان ایالت آمریکا، بعد سناتور شدن، بعد رئیس جمهور شدن؛ هل داده شدن افراد به این عرصه‌ها چگونه است، با چه شگردهایی انجام می‌گیرد؛ آن وقت مقایسه کنند با اینجا که یک نفری می‌آید در مواجهه با مردم، در حرف زدن با مردم، گاهی بدون هیچ سابقه اجرائی، مردم را جذب می‌کند؛ موج ایجاد می‌شود، مردم می‌روند پای صندوق‌های رأی، رأی می‌دهند، انتخاب می‌کنند، با این درصدهای بالا؛ این مدل جدیدی است از دموکراسی؛ این پیشرفت سیاسی ما است.» (در دیدار مسئولان نظام در روز دوازدهم ماه مبارک رمضان ۱۳۹۲/۴/۳۰)

آینده‌ی پرامید

«آینده پرامید، یکی دیگر از واقعیت‌های کشور است. این نسل جوان خیلی قیمت دارد. من پارسال ماه رمضان همین‌جا مطلبی را گفتم و خوب، مختصری دنبال شد؛ نه به صورت کامل. مسئله تحدید نسل برای کشور ما خطر است؛ من به شما عرض بکنم. محدود کردن نسل، برای کشور ما یک خطر بزرگی است. ما در منطقه خطر مبالغ زیادی پیش رفتیم، باید برگردیم؛ می‌توانستیم جلوی این کار را بگیریم، نگرفتیم. آنچه که متخصصین و کارشناسان، با نگاه‌های علمی، با دقت علمی بررسی کرده‌اند، ما را به این نتیجه می‌رساند که با این روند کنونی، کشور در آینده دچار مشکل فراوان خواهد شد؛ کشور دچار پیری عمومی خواهد شد. این تحدید نسل، چیز بدی است. البته شنیدم

مروری بر اندیشه مقاومت از منظر مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)

در مجلس طرحی در حال بررسی است؛ منتها آن طور که برای ما نقل کردند، آن طرح جواب نمی‌دهد؛ این مقداری که در این طرح دیده شده، جوابگو نیست. مسئولین و علاقه‌مندان و آشنایان با مقتضیات این کار در مجلس، باید توجه کنند و درست انجام دهند.

مواجهه‌ی کشور با جبهه‌ی معاند دشمن

واقعیت هشتم این است که کشور با یک جبهه دشمن معاند مواجه است. مثل خیلی از چیزهای دیگر و عرصه‌های دیگر که ما در دنیا تکیم، در این قسمت هم در دنیا تکیم! نداریم کشوری را که یک جبهه معارض معاندی با این عرض و طول در مقابلش وجود داشته باشد؛ در مقابل ما هست. جبهه ارتجاع هست، جبهه استکبار هست، برخی از سردمداران کشورهای غربی هستند، برخی از ضعفای مسئولان دولت‌های منطقه‌ای هم هستند؛ بالاخره یک جبهه‌ای است در مقابل ما. البته اینها دلایل مشخصی دارد، قابل توضیح و قابل تحلیل هم هست - که جایش اینجا نیست - لیکن واقعیت امر این است که یک چنین جبهه‌ای وجود دارد.» (در دیدار مسئولان نظام در روز دوازدهم ماه مبارک رمضان ۱۳۹۲/۴/۳۰)

پیروزی از آن ملت ایران

«ملت ایران با چشم باز، با بصیرت، همه این اوضاع را زیر نظر داشته باشد و موضع خود را مستحکم نگه دارد و بداند در این دریای طوفانی این منطقه و این دنیا - این طوفان، امروز به اروپا هم رسیده است؛ فرانسه را ملاحظه کنید؛ کشورهای اروپایی هم اسیر طوفانند - در این طوفانی که دنیا را و بخصوص منطقه را فراگرفته است، ملت ایران به برکت اسلام در کشتی امن محبت اهل بیت و اسلام قرار گرفته اند. این بصیرت را حفظ کنید، این روش را حفظ کنید، این مسیر را ان شاءالله با قدرت ادامه بدهید؛ پیروزی متعلق به ملت ایران است.» (در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدا ۱۳۹۷/۹/۲۱)

رویش‌های انقلاب چندبرابر ریزش‌های آن

«بله، بارها گفته‌ایم بعضی از عناصر انقلابی از راه برگشتند؛ انقلاب ریزش داشته است، دل کسانی بسته به دنیا شد. صدر اسلام هم همین جور بود؛ در صدر اسلام هم یک عده انقلابیون اول کار، بعد شدند دنیاداران اواسط و اواخر عمر. بله، این هست؛ اما در کنار این ریزش، چندبرابر، ما رویش داریم؛ رویش انقلاب؛ معجزه انقلاب این است. بعد از چهل سال شما می‌بینید جوان مؤمن مسلمان که نه امام را دیده است، نه انقلاب را دیده است، نه دوران دفاع مقدس را دیده است، نه آن حماسه‌ها را از نزدیک دیده، اما امروز با روحیه انقلابی، مثل همان جوان اول انقلاب - مثل همت و خرازی و بزرگانی از این قبیل - می‌رود وسط میدان و با علاقه، با احساس مسئولیت، باشجاعت تمام در مقابل دشمن می‌ایستد. اینکه من می‌گویم جوان‌های مؤمن امروز، از لحاظ انگیزه از جوان اول انقلاب اگر جلوتر نباشند عقب‌تر نیستند، یعنی این. اینها رویش‌های انقلابند. این معجزه انقلاب است؛ این معجزه نظام جمهوری اسلامی است.» (در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدا ۱۳۹۷/۹/۲۱)

